

امېريت اسلامي افغانستان

وزارت امور سرحدات اقوام و قبائل
Ministry of Borders and Tribal Affairs



مجله علمی، ادبی و فرهنگی

- عمر پېژندنه؛ د ځوان نسل اړتیا!
- د حاکم او مسؤل په سیاسي پوهه کې امتیازي شان لرل ضروري دي
- نظریه سیاست بین الملل
- پشه یی شاعرنا پېښني
- بهار ته څه وخت سرسود
- ملا دولت گلدي فدايي نينگ افغانستاندا ديرچيلیگی و دؤرهديچپلیگی
- د نورستاني اسطورو د پرتلیزې څېړنې اړتیا

شماره ۱۳۴
سال تأسیس ۱۳۶۲


دوره سوم: رمضان المبارک – ذوالقعدة الحرام ۱۴۴۵ هـ. ق

Hamwatan MAGAZINE

April - June 2024



mobta.gov.af 

درېيم مکورويان، د هوايي بڼگر سرک، کابل 

+93 (0) 20 231 1711 

info@mobta.gov.af 

فهرست مطالب

سرمقاله ----- ۱

خبرها ----- ۳

مقالات ----- ۱۳

هیئت تحریر

صاحب امتیاز: وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل
مدیر مسؤل: محمد آصف سروری
سکرتر مسؤل: عبدالعزیز حمیدی
مدیر تصحیح: دواجان عظیمی
خبرنگار: عبدالعزیز حمیدی

- ۱- محترم مولوی احمد طہ قادری
- ۲- محترم ملا حمد اللہ فطرت
- ۳- محترم سر محقق خیر محمد حیدری
- ۴- محترم محمد زمان کلمانی
- ۵- محترم محقق شریف اللہ سائین
- ۶- محترم معاون سر محقق عبدالعزیز ندیم
- ۷- محترم محقق نوری عابدی نور
- ۸- محترم سید احمد مباشر
- ۹- محترم مولوی عبدالرزاق
- ۱۰- محترم نور آغا خلیلی
- ۱۱- محترم دوست محمد منجانی

به جز از سرمقاله مسؤلیت مقالات و مطالب
دیگر به دوش نویسندگان محترم می باشد.

شماره تماس: ۰۲۰۲۳۱۱۷۱۱ - ۰۷۰۸۱۹۸۴۳۹

سرمقاله

افغانها هرگز به بیگانه گان سرتسلیم فرود نمی آورد

افغانستان کشوری است که با داشتن موقعیت ژئوپولیتیک مرکز اتصال کشور های منطقه با جهان بوده که به همین سبب با دسایس قدرت های منطقه ، فرامنطقه ، تحولات سیاسی و اجتماعی مواجه بوده است و این کشور در ادوار تاریخ مورد مداخله کشورهای ابرقدرت جهان و کشور های فرا منطقه ئی قرار گرفته و به میدان رقابت های سیاسی و نظامی میان کشورهای مداخله گر شناخته شده است.

افغانها شاهد این حالات بوده اند که هر بار دشمنان دین و مردم افغانستان با وجودیکه از تمام امکانات عصری، مدرن و مجهز برخوردار بودند با شکست سنگین و ذلت مواجه گردیده و با همان امکانات نظامی که به آنها میبایلدند و افتخار میگردند تلاش های شان به باد هوا رفته با دست تهی راهی کشور های خود شده اند و هر آن ابر قدرت و متحدین شان که خواب تسخیر کشور ما را در ذهن خود ترسیم کرده بودند بجز شرمندگی و ندامت چیزی دیگری بدست نیاوردند..

کشور های متجاوز میدانند که افغانها هرگز به بیگانه گان سر تسلیم فرود نیاورده بلکه در برابر هر استعمارگر ایستادگی نموده اند که ازهمین رو نشست های متعدد را جهت طرح دسایس و بدست آوردن منافع شان براه می اندازند.

قدرت های جهانی و منطقه نباید به بهانه های مختلف در نشست های یک جانبه بر علیه افغانها طرح دسایس نموده و بدون در نظرداشت حقایق و واقعیت های جامعه افغانی گزارشات ضد و نقیص ارایه نمایند که این امر خود باعث سکتگی در روابط خارجی بین کشور های مذکور و افغانستان گردیده که این عمل غیر مسوولانه مورد پذیرش ملت افغان نبوده و دور از واقعیت بوده و بر خلاف قوانین ، مصلحت ها و استقلال یک کشور می باشد. واقعیت امر این است باید کشورهای استعماری و مداخله گر بدانند که ملت مجاهد و دین پرور افغانستان مالکان واقعی این سر زمین اند و خوشبختانه امارت اسلامی افغانستان که از بطن ملت برخاسته و در سراسر کشور حاکمیت ملی و تمامیت ارضی را به اختیار داشته و بر اوضاع داخلی و خارجی کشور تسلط کامل دارد.

پس ایجاب مینماید تا کشورها، سازمان ها و نهاد های بین المللی از پخش و نشر گزارشات غیر واقع بینانه در مورد افغانستان دست کشیده و در عوض با امارت اسلامی افغانستان که نماینده واقعی ملت و نظام دلخواه مردم این کشور می باشد، وارد تعامل مثبت گردیده تا اوضاع به نفع جانبین تغییر نماید.

خبرها

- تدویر نشست بزرگ تامین وحدت ملی واستحکام نظام اسلامی
- برگزاری نشست تامین وحدت ملی واستحکام نظام اسلامی در زون جنوب شرقی.
- سفر به ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار
- حل اختلافات ۵۰ ساله در ولایت هرات
- دیدار با علما و بزرگان قومی ولایت پکتیکا
- دشمنی ۶۰ ساله در ولایت ننگرهار به دوستی تبدیل گردید
- فعالیت های انجام شده سال ۱۴۰۲ دواير مرکزی وزارت امورسرحدات، اقوام وقبايل
- گزارش مختصر سالانه کار وفعالیت های سال (۱۴۰۲) واحدهای دومی وزارت امورسرحدات، اقوام وقبايل



تدویر نشست بزرگ تامین وحدت ملی و استحکام نظام اسلامی

مردم امکان پذیری باشد، محترم حنفی اضافه نمود، تعداد کسانیکه همراهی خارجی ها به بیرون از کشور رفته اند، اکنون از آنجا برضد کشور و نظام تبلیغات شوم می کنند، اما این کار به آنها فایده نمی رساند، زیرا شعا این نظام را مشاهده و از نزدیک مطالعه می کنید.

مولوی محمد علی جان احمد معین جرگه ها وهماهنگی امورقبایل گفت: نیروهای خارجی افغانها را به اقوام تقسیم نمود، خانه به خانه وقریه به قریه بدی را بوجود آوردند و خون افغانها را ریختانند.

وی افزود، که به این نظام به چشم حکومت های دیگر نگاه نکنید، این نظام به برکت فداکاری های شما به میان آمده است، این نظام به همکاری هیچ بیگانه بوجود نیامده است.

در اخیر الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امور سرحدات، اقوام وقبایل صحبت نموده گفتند: شما بزرگان قومی مجاهدین هستید، شما در مقابل انگلیس ها ، روس ها و امریکایی ها جهاد نموده اید. همه جهان به این قانع هستند که درنتیجه جهاد و قربانی های افغانها یک نظام اسلامی در افغانستان حاکم گردید. محترم نوری در ادامه بیان داشت، بیابید از جهاد گذشته عبرت بیگیریم، استقلال خود را حفظ کنیم وبه تبلیغات غرب فریب نخوریم. مثل که دیروز سنگر فریضه ما بود، امروز حفاظت از این نظام فریضه ما می باشد. وی افزود، ما مسئولین شما نه، بلکه خادمان شما هستیم، مشکلات وخواستہ های شما را به اندازه توان حل می سازیم وبه مقامات بلند رتبه کشور میرسانیم.

نشست بزرگ مردمی از سوی وزارت امورسرحدات، اقوام وقبایل تحت عنوان تامین وحدت و استحکام نظام اسلامی به سطح ولایات زون مشرقی در شهر جلال آباد مرکز ولایت ننگ—رهار برگزار گردید، که در آن الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام وقبایل ، شیخ محمد خالد حنفی سرپرست وزارت امربالمعروف، نهی عن المنکر و سمع شکایات، معینان این وزارت، مسئولین امارت اسلامی، عالمان دینی ، بزرگان قومی اشتراک نموده بودند.

عالمان دینی و بزرگان قومی دراین نشست گفتند: جای شکر است که به سطح کشور چنین نشست دایر می گردد، که مردم را با هم نزدیک می سازد ومردم مشکلات خود را با مسئولین نظام شریک می سازند، ما همه برای بقای این نظام سعی وتلاش نموده و از آن حمایت و پشتیبانی می نماییم.

متنفذین قومی از حکومت خواستند که در قسمت مهارساختن دریای کنر، اعمارراه مواصلاتی ولایت نورستان ، ساختن سرک های ولسوالی ها، کلینیک های صحتی، بندهای برق و حل منازعات توجه نماید.

یک تن به نماینده گی از کوچی ها گفت: قشر کوچی در کنار سایر اقوام برای استقرار نظام اسلامی قربانی داده ودر مقابل اشغال مبارزه نموده است.

ساختاراین نظام طوری است که مسئولین آن خادمان مردم هستند، نه آمرین، عالی قدر امیرالمومنین حفظه الله برای بقای استقرار و نظام اسلامی عضو خانواده خود را قربانی نموده است. شیخ خالد حنفی دراین محفل گفت: پیشرفت کشور درنتیجه اخوت و برادری



برگزاری نشست تامین وحدت ملی واستحکام نظام اسلامی در زون جنوب شرقی.

این نظام قربانی بسیار داده اند، از برکت همین قربانی ها و فداکاری های آنها است که امروز فضای سیاسی ما آزاد ، جغرافیای ما مستقل و نظام ما آزاد ومستقل می باشد، این نظام تنها از مجاهدین نیست، بلکه نظام همه مردم بوده و قیادت آن بدست عالمان دینی می باشد.

الحاج مولوی خلیل الرحمن حقانی سرپرست وزارت مهاجرین و عودت کنندگان در این محفل اظهار داشت، مردم افغانستان قهرمانانی هستند که در یک قرن سه امپراطوری را شکست داده اند، این استقلال به برکت قربانی های بزرگان قومی، عالمان دینی و جوانان بدست آمده است.

در اخیر الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام وقبایل در صحبت های خویش در این محفل گفت: جای شکر است که به منظور ملاقات واستماع مشکلات مردم جمع شده ایم، محترم نوری افزود: امروز حقوق ترکمن، هزاره، پشتون وتاجک وسایر اقوام برای شان داده می شود، زیرا در اسلام تفاوت وجود ندارد، و معیار برتری در اسلام تنها تقوا می باشد، مکلفیت ما این است که از نظام اسلامی پاسداری نماییم و در حفاظت از آن مسئولیت خود را ادا کنیم. وی هم چنان به بزرگان قومی اطمینان داد که مشکلات و خواسته های آنان را به مراجع مربوطه میرساند.

نشست بزرگ مردمی از طرف وزارت امورسرحدات، اقوام وقبایل تحت عنوان (تامین وحدت ملی واستحکام نظام اسلامی) در سطح زون جنوب شرقی درشهر گردیز مرکز ولایت پکتیا تدویر گردید.

در این نشست الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام وقبایل ، الحاج مولوی خلیل الرحمن حقانی سرپرست وزارت مهاجرین و عودت کنندگان، الحاج مولوی عبداللطیف منصور سرپرست وزارت انرژی وآب، معینان این وزارت، مسئولین امارت اسلامی، علمای کرام و بزرگان قومی حضور داشتند.

در نخست عالمان دینی و بزرگان قومی در این نشست گفتند، این یک واقعیت است که امارت اسلامی یک نظام مشروع می باشد، زیرا مشروعیت داخلی دارد، افغان ها همیشه برای استقرار نظام اسلامی قربانی داده اند و چنین نظامی برای آنها افتخار بزرگی است. هم چنان آنان حمایت وپشتیبانی همه جانبه خویش را از نظام موجوده اعلان نموده و یک سلسله مشکلات ونیازمندی های خود را در بخش های مختلف مطرح ساخته خواستار رسیدگی به آنها شدند.

بعدا الحاج مولوی عبداللطیف سرپرست وزارت انرژی وآب صحبت نموده گفت: همه مردم افغانستان بخصوص مردم پکتیا برای پایداری



حل اختلافات ۵۰ ساله در ولایت هرات

۱۴۴۵/۹/۱۵

منزاعه ۵۰ ساله بر سر علفچر میان اقوام طاهری، اچکزی و ملکی در ولسوالی کشک رباط سنکی ولایت هرات از سوی هیئت که از طرف مقام آن ولایت جهت حل این منازعه توظیف گردیده بود طی یک نشست حل و فصل گردید.

در این نشست محترم جمال الدین عمر رئیس امور سرحدات، اقوام و قبایل، مسئولین ارگانه‌های مختلف علمای کرام، بزرگان قومی و نمایندگان طرفین منازعه حضور داشتند.

در نخست محترم عمری رئیس امور سرحدات، اقوام و قبایل و مولوی غلام محمد مزمل قومندان امنیه ولسوالی متذکره در مورد مزایای صلح و آشتی صحبت نموده و طرفین منازعه را به گذشت و خویشتن داری دعوت کرده افزودند، که علفچرها عامه بوده همه می توانند از آن استفاده نمایند.

در اخیر طرفین منازعه باهم صلح و آشتی نموده و بزرگان هر سه قوم در حضور هیئت تعهد سپردند که در آینده باهمدیگر کدام دعوای بر سر علفچر نداشته باشند، هم چنان از مسئولین تشکری نمودند که در حل این منازعه با آنها همکاری کردند.

سفر به ولسوالی سپین بولدک ولایت کندهار

الحاج ملا نورالله نوری سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام و قبایل در حالی به دروازه سپین بولدک ولایت کندهار سفر نمودند، که ملا عبدالباری رئیس امورسرحدات، اقوام و قبایل آن ولایت نیز وی را همراهی می نمودند.

در جریان این سفر محترم نوری از کمپ انگرگی مهاجرین عودت کنندگان در ولسوالی تخت پول بازدید بعمل آورده و از وضعیت خوب مهاجرین برگشت کننده از کشور همسایه اطمینان حاصل کردند.

سپس به دروازه سپین بولدک رفته و یکجا با ملا عبدالله بشیر ولسوال سپین بولدک و کمیسار ملا عبدالباقی احمد از دروازه متذکره بازدید نموده و در مورد برگشت مهاجرین و مسافری از این دروازه معلومات بدست آوردند، محترم نوری مشکلات مربوط به دروازه را از ولسوال، کمیسار و مسئولین دیگر استماع نموده وعده حل آن را سپردند.



دشمنی ۶۰ ساله در ولایت ننگرهار به دوستی تبدیل گردید

۱۴۴۵/۱۰/۲۵

منازعه ۶۰ ساله میان دو خانواده در ولسوالی دره نور ولایت ننگرهار و ولسوالی نورگل ولایت کنر که در نتیجه آن ۵ تن کشته شده بود، به اثر پادرمیانی مسئولین ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت متذکره و متنفذین قومی دره نور به دوستی تبدیل گردید.

به منظور حل این منازعه با حضور مسئولین ریاست نامبرده، طرفین منازعه و بزرگان قومی نشست برگزار گردید، در جریان این نشست به مصلحین اختیار داده شد تا قضیه را حل و فصل نمایند که بعد از بررسی قضیه تصمیم اخذ گردید. با در نظر داشت رسم افغانی مرکچی ها به یک طرف منازعه عذر پیش نمودند، با پذیرش آن طرفین یکدیگر را درآغوش گرفته و به منازعه نقطه پایان گذاشته شد.

قابل یادآوری می باشد که وزارت امورسرحدات، اقوام قبایل منازعات زیادی را در ولایت های مختلف کشور به همکاری علما و بزرگان قومی حل نموده وهم چنان در این راستا گامهای استوار برمیدارد.

دیدار با علما و بزرگان قومی ولایت پکتیکا

۱۴۴۵/۱۰/۲۷

محترم الحاج ملا نورالله نوری، سرپرست وزارت امورسرحدات، اقوام و قبایل با شماری از علما و بزرگان قومی ولسوالی برمیل ولایت پکتیکا در دفتر کاری خویش دیدار نمودند.

در این دیدار متنفذین قومی، ولسوالی برمیل را یک ولسوالی دور دست و محروم از خدمات عام المنفعه یاد کرده و عدم موجودیت کلینیک، سرک و دیگر سهولت ها را مشکلات خود دانستند. هم چنان آنان از وارد شدن خسارات ناشی از زلزله سال قبل به ولسوالی برمیل و گیان ولایت پکتیکا یادآوری نموده و خواستار توجه مسئولین به مشکلات مردم در بخش صحت، تعلیم و تربیه و سایر پروژه های انکشافی گردیدند.

سپس محترم نوری سرپرست این وزارت ضمن خوش آمدید به محاسن سفیدان و متنفذین ، از مبارزه و قربانی های مردم این ولایت در دوره اشغال یادآوری نموده افزودند: شما آن ملت هستید که در مقابل اشغال گذشته ایستادگی نموده و مجاهدین را در خانه های خود نگهداری کرده بودید، اکنون حق شما است که به شما توجه و خدمت شود. وی به بزرگان قومی اطمینان داد که مشکلات و خواسته های آنها را جهت رسیدگی به ارگانهای ذیربط شریک می سازد.

فعالیت های انجام شده سال ۱۴۰۲ دوایر مرکزی وزارت امورسرحدات، اقوام و قبایل

راهکارهای حل منازعات قومی، اسکان و غلچهرهای کوچی ها به اتمام رسیده و لایحه تنظیم امور لیلیه لیسه های مربوطه این وزارت ترتیب گردیده.

- به منظور تطبیق اهداف امارت اسلامی مطابق پالیسی و پلان وزارت در ولایت های کابل، بدخشان، میدان وردک، غزنی، زابل، ارزگان، کند هار، هلمند، فراه، نیمروز، هرات، غور، بادغیس، دایکندی، لوگر، پکتیا، پکتیکا، خوست، ننگرهار، کنر، نورستان، لغمان، کاپیسا، پروان، بامیان، پنجشیر، بغلان، سمنگان، بلخ، جوزجان، فاریاب، سرپل، کندز و تخار نشست های به اشتراک عالمان دینی و بزرگان قومی تدویر گردید که اشتراک کنندگان این نشست ها یک سلسله مشکلات و نیاز مندی های خود را جهت حل و رسیدگی با مسئولین شریک ساختند.

۱۷۵ شورای قومی ثبت، راجستر و راپور فعالیت های آنان بدست آمده و به منظور انسجام هر چه بیشتر علما و روحانیون به تعداد ۸۰۰ تن آنان ثبت و راجستر گردیده است. همچنان به تعداد ۵۰۰ قطعه کارت قبایلی به اشخاص واجد شرایط توزیع گردیده است. به تیراژ ۴۰۰۰ جلد مجله جرگه و ۴۰۰۰ جلد مجله هموطن طی سال ۱۴۰۲ چاپ در مرکز و ۳۳ ولایات کشور طور رایگان توزیع گردیده است.

- دو عنوان کتاب تحت عناوین مختلف به تیراژ ۲۰۰۰ جلد چاپ و توزیع شده است.

- به شمول خبرها و راپورها ۴۸۰ مطالب و موضوعات خبری از طریق صفحه رسمی وزارت (ویب سایت) و صفحات اجتماعی (فیسبوک، تویتتر، انستاگرام، تیلگرام) به نشر رسیده است.

- به هدف حفظ سرحدات سياسى و ارزشهاى اجتماعى، پروفايل هاى معلوماتى ولايت هاى بادغيس، غزنى، پكتيا، فراه، و ولسوالى سپين بولدك ولايت كندهار ترتيب شده است.

نقشه ولايت هاى بادغيس، غزنى، فراه، پكتيا، ننگرهار، نيمروز و هرات ترسيم گرديده است.

- در ولايت هاى ننگرهار، كمر و نورستان در امتداد خط فرضى ديورند و ارزشهاى اجتماعى آن از نظر اسلام تحقيقات انجام شده است.

- مشكلات كوچى ها در بخش هاى مختلف با ادارات مختلف شريك ساخته شده و به منظور حل مشكلات و نياز مندى هاى آنان با ارگانهاى مربوطه هماهنگى لازم بعمل آمده است.

۹۱، ۱۳۰ كيلومتر تخطى هاى سرحدى نظامى هاى پاكستان در امتداد خط فرضى ديورند در ولسوالى هاى خاچى ميدان، باك و عيشير ولايت خوست كيلومتر بررسى شده است.

ساحه ۶۷۰ / ۲۲۵ كيلومتر نشانه هاى سرحدى، نقاط صفرى، تخطى هاى سرحدى، عبور و مرور از راه هاى غير قانونى و تخريبات درياها در ولسوالى هاى لاش جوند، سيب كوه و انار دره ولايت فراه، ولسوالى هاى گلران، كشك كهنه و رباط سنگى ولايت هرات، ولسوالى مقر ولايت بادغيس بررسى گرديده است. اين بود گزارش مختصر كاركردها و فعاليت هاى انجام شده وزارت امور سرحدات، اقوام و قبائل در طول سال ۱۴۰۲ هـ. ش. كه تقديم گرديد.

گزارش مختصر سالانه کار و فعالیت های سال (۱۴۰۲)

واحدهای دومی وزارت امور سرحدات، اقوام و قبایل

چنان بطور دوامدار با متنفذین قومی ولسوالی های آن ولایت ارتباط برقرار نموده است.

ولایت پکتیا:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل این ولایت (۲۶) نشست را با علما و بزرگان قومی انجام داده و (۳) منازعه را در هماهنگی با علما و متنفذین قومی حل کرده است.

ولایت لوگر:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت لوگر به کمک مؤسسه جینوا برنامه دو روزه آگاهی عامه تحت عنوان نجات مردم از خطرات ماین ها را دایر و با همکاری علما و متنفذین قومی آن ولایت (۳) منازعه را حل، هم چنان جهت حل مشکلات با آنها نشست نموده است.

ولایت کاپیسا:

آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل این ولایت (۷) جرگه قومی را تحت عناوین مختلف تدویر نموده، هم چنین (۳) منازعه را که در نتیجه آن (۳) تن کشته و (۷) تن دیگر زخمی گردیده بود حل و به مشکلات مراجعین به وقت و زمان آن رسیدگی صورت گرفته است.

ولایت بغلان:

آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت بغلان (۱۷) نشست را با بزرگان قومی مرکز و ولسوالی های آن ولایت انجام داده و (۴) جرگه قومی را برگزار کرده و (۳۶) منازعه را با همکاری علما، بزرگان و متنفذین قومی در مناطق مختلف آن ولایت حل نموده است.

ولایت بادغیس:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت بادغیس در سال گذشته (۲) نشست را با حضور صدها بزرگ و متنفذین قومی جهت حل یک سلسله مشکلات محیطی آنان برگزار نموده و هم چنان (۴۳) منازعه بزرگ و کوچک را به صلح و دوستی تبدیل کرده است.

ولایت بلخ:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت بلخ (۱۲) جرگه قومی را تحت عناوین مختلف دایر نموده و (۸) منازعه را به همکاری بزرگان و متنفذین قومی محل به دوستی تبدیل نموده است.

ولایت جوزجان:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت جوزجان (۴) منازعه را حل نموده، و به منظور حل مشکلات و خواسته های بزرگان قومی و ولسوالی های مختلف آن ولایت با آنان نشست کرده است.

میدان وردک:

آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت میدان وردک (۱۱۲) نشست را تحت عناوین گوناگون برگزار کرده و (۶) منازعه را در مناطق مختلف آن ولایت حل و فصل نموده است.

ولایت هرات:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت هرات (۳۱) ورکشاپ، سیمینار و (۵۱) نشست را با بزرگان و محاسن سفیدان تدویر نموده و (۱۰) منازعه را با همکاری علماء و متنفذین قومی حل کرده و از امور تدریسی و لیلیه لیسسه نمونوی کوچی ها در آن ولایت بصورت دوامدار نظارت و کنترل صورت گرفته است.

ولایت تخار:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل این ولایت سال گذشته (۸۰) نشست روی موضوعات مختلف با علما و بزرگان قومی دایر کرده، (۴) جرگه قومی را برگزار نموده، به کمک و همکاری علما و محاسین سفیدان (۱۰) منازعه را حل و برای فرزندان کوچی ها (۹) کورس سواد آموزی را ایجاد کرده است.

ولایت بدخشان:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت بدخشان به منظور تطبیق مصوبات کابینه امارت اسلامی افغانستان، و تطبیق پالیسی ورهنمودهای وزارت با علما و متنفذین قومی (۴) جرگه را دایر و در ولسوالی های کشم و بهارک (۳) منازعه را حل و هم

ولایت لغمان:

آمریت امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت لغمان (۵) نشست را با متنفذین قومی به منظور رسیدگی به مشکلات آنها انجام داده و (۱۰) منازعه برسر موضوعات مختلف را با همکاری علما و بزرگان قومی حل و فصل نموده است.

ولایت فراه:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت فراه (۴) جرگه را با حضور علما و بزرگان قومی برگزار نموده و (۱۶) منازعه را حل کرده است.

ولایت پروان:

آمریت امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت پروان در سال گذشته (۱۴) نشست را با اشتراک صد عالم دینی و بزرگ قومی جهت تحکیم وحدت ملی و حل مشکلات باشنندگان ولسوالی های آن ولایت تدویر نموده و (۴) جرگه مردمی را برگزار، هم چنین (۴) منازعه برسر موضوعات مختلف را به همکاری بزرگان قومی حل و فصل نموده است.

ولایت خوست:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت خوست در کنار برگزاری نشست ها با علما و متنفذین قومی به منظور استماع و حل مشکلات آنان (۲) منازعه را نیز حل کرده است.

ولایت ارزگان:

آمریت امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت ارزگان نشست های را تحت عناوین مختلف به منظور تحکیم وحدت ملی، استماع و حل مشکلات مردم آن ولایت تدویر نموده و (۷) منازعه ذات البینی را با همکاری مسئولین ادارات محلی، علمای دینی و متنفذین قومی در این ولایت حل نموده است.

ولایت کنر:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت کنر جهت تشخیص و پیدا کردن راه منازعات جرگه های قومی را به اشتراک علمان دینی و بزرگان قومی برگزار نموده و (۲) منازعه را نیز حل کرده است.

ولایت بامیان:

آمریت امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت نامبرده مشکلات علفچرو اسکان کوچی ها را جهت رسیدگی با ادارات ذیربط

شریک ساخته و با همکاری متنفذین قومی و چندین منازعه را درهماهنگی با عالمان دینی و متنفذین قومی حل نموده است.

ولایت هلمند:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل این ولایت (۸) جرگه و (۳۰۰) نشست را به منظور حل مشکلات و موضوعات مختلف انجام داده و به (۴۴) منازعه ذات البینی راه حل پیدا کرده است.

ولایت کندز:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل ولایت کندز (۵) جرگه مردمی را تحت عناوین گوناگون دایر و (۷۶) منازعه بزرگ و کوچک را با همکاری علما، بزرگان و متنفذین قومی آن ولایت حل و فصل نموده است.

ولایت ننگرهار:

ریاست امور سرحدات، اقوام و قبایل ولایت ننگرهار (۲) جرگه قومی را با اشتراک علمای کرام و بزرگان قومی در آن ولایت برگزار نموده، به تعداد (۳۰) منازعه ذات البینی را حل و جهت رسیدگی به مشکلات و مسایل مختلف با علما و متنفذین قومی آن ولایت (۷) نشست را انجام داده است.

ولایت سرپل:

ریاست امورسرحدات، اقوام و قبایل این ولایت در جریان سال گذشته (۱۶) نشست را با علما و متنفذین قومی جهت استماع و حل مشکلات آنان نشست انجام داده، (۴) بار برای کوچی ها مواد خوراکی حیوانی توزیع گردیده، به همکاری ریاست زراعت و مالداري آن ولایت به مواشی آنان واکسین تطبیق و جهت حل مشکلات آنها صورت گرفته است.

قابل یادآوری می باشد، که مسئولین ریاست ها، آمریت های ولایت های نامبرده به منظور تطبیق فرمان های امیرالمؤمنین، مصوبات کابینه، هدایات و رهنمودهای مقام وزارت با مردم دیدار نموده و هم چنان در وقت ضرورت به مناطق متذکره سفرها انجام داده اند، هزارها کوچی جهت بدست آوردن تذکره الکترونیکی به ادارات مربوطه معرفی گردیده و به منظور حل مشکلات کوچی ها با سرخیلان آنان نشست صورت گرفته و جهت انجام بعضی از امور با ادارات محلی هماهنگی صورت گرفته است.

مقالات

- د ملاصاحب رحمة الله د يوولسم تلين په مناسبت
- د حاکم او مسؤل په سياسي پوهه کې امتيازي شان لرل ضروري دي
- نظريه سياست بين الملل
- پشه يی شاعرنا پېنني
- چوع پنورن اوبجیک بگانه اسلام سته پوت وعان
- بهار ته څه وخت سرسود
- چپ و چهار گردی ساتن هر هموطنی ذمه واری انت
- روجو مغفرت تی رحمت کو چن اے
- ملا دولت گلدی فدایی نینگ افغانستاندا دیرچیليگی و دؤرهديجبليگی
- د نورستاني اسطورو د پرتليزې څېرني اړتيا
- تيل و نطق توشونچه سی (مناسبت نطق و زبان)
- د گوري ژبي فولکلوري ادبياتو ته لنډه کتنه
- عيد قربان
- حفاظت از محیط زیست مسئولیت شهروندان است
- اهمیت راه ابریشم و لاجورد افغانستان

عمر پېژندنه؛ د ځوان نسل اړتيا!

دادمحمد ناوک

د ملا صاحب رحمة الله د يوولسم تلين په مناسبت

د ملا صاحب رحمة الله پر شخصي ژوند، طرز تفکر، عاداتو، عباداتو، اذکارو او پر سياسي ليدلوري عميق پوهېدل دا پوښتنې لا ښې ځوابولې شي، خصوصاً وروسته له هغه چې امريکايي تروريستانو پر هېواد يرغل وکړ او دې مدبر شخص په خورا مهارت د امريکا د ټول نظامي، تبليغاتي او سياسي ځواک پر وړاندې خپل جنگيالي منظم وسائل او يوازې په روحاني رابطه يې دا صف واحد وساته، يعنې د دې صف د وحدت پياوړتيا، اړيکې او دوام لپاره هيڅ ډول مادي، سياسي او نظامي تگلارې کار نه ورکاوه؛ ځکه چې د ټولو اټکلونو پر اساس له نيمې نړۍ سره ډغرې هيڅ سياسي، نظامي او مادي معنوي امتياز له ځانه سره نه درلود او نه يې تصور کېدلی شوای، ځکه خو يوازې روحاني او عقيدتي رابطه وه، چې ځوانان يې د سرښندنو صفونو ته تيارول.

ملا صاحب رحمة الله پر الله جل جلاله زورور باور او ټينگ توکل درلود؛ د دې باور او توکل د تللو لپاره مور

د شور څلورمه د دې زمانې د يو لوی مدير، سياستوال، لارښود او بې جوړې قاطع مشر يوولسم تلين و، دا خورا مهمه ده چې عمر پېژندنه؛ د تدريسي نصاب برخه شي، اکادميک مراکز بايد په دې اړه څېړنې وکړي او د دې عصر نابغه رهبر، د مديريت ډول يې، روحاني ځواک يې، قاطعيت يې، جدیت يې، د ټينگ ايمان کيفيت يې او پر بشري نړۍ يې اغېزې پر جزيياتو په کتابونو کې خوندي کړي او تر راتلونکو نسلونو يې په امانت ورسوي.

دې مبارک جريان پر ټوله بشري نړۍ خصوصاً اسلامي نړۍ کې خورا ژورې اغېزې وشيندلې، د نړۍ په گوټ گوټ کې يې محبوبيت پيدا شو او د کرې له بله سره ورته د بریا په هيله لاسونه لپه شول؛ دا تړون ولې را منځته شو؟ دا اغېز څنگه پيدا شو؟ دا رابطه څنگه پياوړې شوه؟ دا ډول پوښتنې څېړنيز ځوابونه غواړي.

فکري ثبات؛ د باور له پوخوالي وروسته د دې باور د ثبات غوښتنه د ايمان تقاضا ده؛ ملا صاحب رحمة الله له ټولو رسنيزو غوغاوو، ټولو د وخت سياسي تبصرو، کوچنيو عقلي معيارونو او اټکلونو لرې پر خپل فکري سير ثابت پاتې شو، دې ثبات قاطعيت ور وبانښه او دې قاطعيت يې مبارزه بريالۍ کړه. ښايي دا جالبه وي چې په دومره شور او کور کې چې د ډېرو زورور ايمانونه يې ويلې کړل د ملا صاحب رحمة الله د فکري ثبات او قاطعيت عوامل څه و؟ ممکن ځينې و انگېرې چې هغه رحمة الله له مبارزې پرته بله لار نه درلوده او له مجبورپته يې قاطعيت را خپل کړی و، خو دا انگېرنه پخپل ذات کې د رد دليل لري، ځکه د مجبوريت په وخت کې مبارزه نه، بلکې د تسليمۍ، ځان خلاصونې او يا هم تښتېدلو لارې سنجول کېږي نه، دا چې د مبارزې هوډ لا پياوړی کېږي، جنگيالي لا منظمېږي او حتی د بريا باور ورته تلقينېږي؛ ښه نو د دې قاطعيت، زورور باور او جدیت عوامل څه و؟

که لوستونکي د ملاصاحب رحمة الله د پټ ژوند له شخصي فعاليتونو، ورځني ژوند او طريقې نه ځانونه خبر کړي ښايي عوامل يې ومومي؛ خو د دې ليکنې له توان سره برابر دا کافي ده چې همدې له گوښې ادرسه رهبري کې دا حکمت نغښتی و، چې ملا صاحب رحمة الله د نړۍ والو له تبصرو، د سياسونو له اټکلونو او د کمزورو له ډارنو طرحو لرې ساتلی و، سره له دې چې ملا صاحب رحمة الله به په مسلسل ډول نړۍ والې راډيوگانې تعقيبولې او له حالاتو يې ځان تر توانه پورې خبر ساته، خو دې خبرتيا يې پر هوډ او قاطعيت کوم تاثير نه درلود؛ د دې تر څنگ که د تېرې واکمنۍ پر مهال او تر هغه وروړاندې له روسانو سره مبارزه کې د ملا صاحب رحمة الله ژوند مطالعه شي قاطعيت د شخصيت ځانگړنه گرځېدلې وه او د الهي اوامرو پر وړاندې يې ټول بشري اټکلونه ناچيزه گڼل.

ار يو چې خپل مادي او د سياسي مبصرينو پر تبصرو اټکليز معيارونه يوې خواته کېږدو او دا مؤمين سړی د سلف صالحينو د معيارونو پر اساس وپېژنو؛ مور کله کله په تبصره يا د چا په پېژندنه کې اشتباه کېږو ځکه چې د ټولو اشخاصو، پديدو او حتی تاريخي جريانونو اړوند تبصره د خپل ټاکلي چوکاټ له مخې کوو، د ټولو د تعرف، تشریح او توضیح لپاره واحد چوکاټ، نظر او ادرس لرو، چې په دې ډول نو مور کله کله سره زر د کابو په تله تول کړي وي او کله مو بيا بالعکس کار کړی وي، د ملا صاحب رحمة الله د پېژندنې لپاره ځکه زموږ اوسني معيارونه کار نه ورکوي، چې دا معيارونه د دې زمانې د اشخاصو، افکارو او پديدو د شناخت لپاره گوزاره کوي خو دا ډول اشخاص چې په اوسني وخت کې يې وجود استثنايي حالت پېښوي سړی دې اعتراف ته مجبوروي چې د دې زمانې خلک نه دي، نو مجبور يو يوه زماني مقطع ورته وټاکو او د ټاکلې زمانې مقطع د معيارونو پر اساس يې په اړه تبصره وکړو.

صبر؛ د عمل د پايلې اساس جوړوي، د ملا صاحب رحمة الله له لوري نږدې يوه نيمه لسيزه د نيمې نړۍ پر وړاندې چريکي جگړه رهبري شوه، د دې جگړې په اوږدو کې د ډېرو د اټکل خلاف خونړي زيانونه هم واوښتل، خو صبر او له الله جل جلاله سره رښتینې رابطې د هغه په هوډ کې هيڅ تغير را نه وست؛ د دې تغير اندېښنه ځکه موجوده وه، چې ټول موجود بشري وسايل دا تلقينوي چې د نيمې نړۍ پر وړاندې په تش لاس ور مخکې کېدل، ورسره مبارزه کول او بيا يې حتی پر بريا باور لرل زموږ وړاندينی خبره تائيدوي چې د اوسنيو معيارونو پر اساس نا سم باور بلل کېږي؛ خو کله چې د دې باور جرړې وپلټل شي، تر بشري ستراتېژيو پورته د کابيناتو د خالق پر ځواک، ملگرتيا او رحمت باور پياوړی شي بيا نو دا ډول څرگندونې، مبارزه او جريان يې يوه منطقي پرېکړه ښکارېږي.



د حاکم او مسؤل په سیاسي پوهه کې امتیازي شان لرل ضروري دي

مفتی تسلیم الله حقانی

د اسلامي منطقي نظريې له مخې د ریاست او امارت د حصول لپاره یواځې د ښې واکمنۍ توانمندي کافي نه ده، بلکې د یو مسلمان حاکم او مسؤل لپاره دا شرط هم ډیر ضروري دی، چې دی باید په ټولنه کې له ټولو ښه سیاست پوه وي او په سیاسي امورو کې ترې بل څوک زیات ماهر نه وي. ددې شرط په پوره والي سره به دی د امت پر ټولو مصالحو او ښیګڼو ښه باخبره وي او د امت ټولې غوښتنې او ضروریات ده ته ښه معلوم وي ددې لپاره، چې دی په خپلو چارو کې ناکام نشي او په اداري امورو کې د ټګۍ او برګۍ ښکار نشي او ددې لپاره، چې اسلامي امت او ټولنه د یو بهترین کار پوه او مسلکي قیادت لرونکی واوسي. په دې اساس د اسلامي امت پر حاکم او مسؤل باندې دا خبره لازمي ده، چې دی پر سیاسي او ټولنیزه دور اندېښنې او پوهه باندې دې درجې ته رسیدلی وي، چې د هغې په واسطه دی د امت په سیاسي او ټولنیز ډګر کې سالمه رهبري وکړای شي او د وخت له غوښتنو سره سم خپله ټولنه د ترقۍ او پرمختګ لور ته سوق کړي. او دا خبره ددې تقاضا کوي، چې حاکم او مسؤل باید په سیاسي حالاتو باخبره وي او په نړیواله سطحه، چې کوم نوي سیاسي پرمختګونه کیږي له هغو څخه هم ناخبره نه وي. ددې لپاره چې اسلامي امت او ټولنه له ورپېښو خطرونو او مشکلاتو څخه محفوظه وساتي. ځکه جاهل او له سیاسي حالاتو څخه ناخبره حاکم او مسؤل خپل رعیت د تباهي او ګمراهۍ طرف ته ورکش کوي هغه چا ته د امت د سیادت او مشرۍ منصب سپارل، چې له سیاست او اداري څخه بې خبره وي او د مشرۍ او امارت تجربه نه لري او په احسنه طریقه سره یې سر ته نه شي رسولی دا سې معنی لري لکه دا مشري، چې ماشومانو ته و سپاري او ماشومانو ته د مشرۍ سپارلو نتیجه او خطر ټولو ته څرګند او ښکاره دی. په پای کې له رب ذوالجلال څخه د ټولو لپاره د عمل توفیق غواړم.



نظریه سیاست بین الملل

Theory of International Politics

چکیده

مستر پوهیار عبدالله "فرزوی"
استاد اکادمی ملی نظامی

در مورد سیاست بین الملل تعریف های گوناگونی وجود دارند، اما در مورد اینکه مناسب ترین تعریف کدام ها اند. چگونگی تعریف سیاست بین الملل عمدتاً متأثر از چیزی است که بررسی کننده در پی آن است، و آنچه که مورد بررسی قرار میدهد، تا اندازه زیاد نیز تابع برداشت، مدل یا نظریه خاص است. اکثر مطالعات به عمل آمده در زمینه سیاست بین الملل در واقع مطالعه سیاست خارجی می باشد، و هسته یی اصلی این مطالعات به توضیح منافع ملی، اقدامات دولت ها و عناصر قدرت دولت ها پرداخته است.

اما این تمایز به طور کلی به تفاوت میان اهداف، اقدامات، تصمیمات و خط مشی دولت ها و واکنش های متقابل میان دو یا چند دولت ارتباط پیدا میکند. محقق که در تحلیل خود به اقدامات یک دولت در قبال محیط خارجی و شرایط داخلی و مؤثر در تعیین اقدامات مزبور می پردازد اساساً به سیاست خارجی توجه دارد. اما شخصی که اقدامات را فقط به منزله جنبه ای از الگوی اقدامات یک دولت و واکنش ها یا پاسخ های دیگران می پندارد، به سیاست بین الملل یا روند های کنش متقابل دو یا چند دولت ها مینگرد.

کلید واژه گان: سیاست بین الملل، مکاتب سیاست بین الملل، مطالعه سیاست بین الملل و زبان در سیاست بین الملل.

مقدمه

در این مقاله، بحث در مورد اهداف سیاست بین الملل، متغیرهای مؤثر در انتخاب آنها، رابطه بسیار نزدیک با مطالعه سیاست بین الملل دارند. در حالیکه بررسی سیستم های بین المللی، رفتار در وضعیت برخورد، به مفهوم کنش متقابل دولت ها نزدیک تر میشود. اصطلاح سیاست بین الملل به صورت متمایز از روابط بین الملل و سیاست خارجی می تواند به همه شکل های دولتی و غیر دولتی کنش متقابل اعضای جوامع مختلف اطلاق میشود.

مطالعه سیاست بین الملل دربرگیرنده تحلیل سیاست خارجی دولت ها یا روند های سیاسی میان دولت ها میباشد، هر چند به علت توجه به همه جنبه های روابط میان جوامع مختلف انسانی، مطالعه سیاست بین الملل به مطالعه دولت

ها، سازمان‌های بین‌المللی، ارزش‌های بین‌المللی و غیره می‌پردازد. محققین سیاست بین‌الملل توجهی به این روابط یا پدیده‌ها ندارند. مگر آنجاییکه با اهداف رسمی دولت‌ها ارتباط پیدا میکنند. یا توسط دولت‌ها به عنوان وسایل کمک به حصول هدف‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و غیره به کار گرفته میشود. اما محققین سیاست بین‌الملل تنها زمانی به این وقایع توجه میکنند که اثری مستقیم معقول بر روابط بین‌دولت‌ها داشته باشند.

سیاست بین‌الملل

دانشمند برجسته به اسم "کنت والتز" کتاب دارد تحت عنوان "نظریه سیاست بین‌الملل" که در سال (۱۹۷۹م) نوشته شده است. این کتاب به تحلیل نظریه جدیدی در سیاست بین‌الملل می‌پردازد، که نیو واقع‌گرایی نام گرفته است. در واقع "کنت والتز" در کتاب خود با توجه به نقد‌های که بر نظریه واقع‌گرایی در سیاست بین‌الملل شده است، نظریه نیو واقع‌گرایی را ارائه میکند. (سیاست بین‌الملل International politics) به مطالعه ای اقدام‌ها، واکنش‌ها و پاسخ‌های دیگران و به طور کلی به اعمال و رفتارهای متقابل دو یا چند واحد سیاسی یا دولت‌ها اطلاق میشود. به دین ترتیب در روند مطالعه بی‌سیاست بین‌الملل به طور عمده روابط واحد‌های رسمی حکومتی با یکدیگر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ به بیان دیگر رفتارها و کارکرد‌های بین‌المللی تا آنجا مورد نظر قرار می‌گیرند که به گونه‌ی بی‌از طریق دولت‌ها صورت می‌پذیرند.

نخست، بسیاری از تحلیل‌های متداول سیاست بین‌الملل منعکس‌کننده توجه بیش از اندازه به مسایل دولت‌ها می‌باشند. این امر بیش از آن که مربوط به نویسندگان باشد که با ایجاد قضاوت‌های ارزشی حقانیت دیگر کشورها را نشان میدهند، ناشی از این گرایش است، که مسایل و اختلافات مربوط به کشورشان را به عنوان مهم‌ترین مسایل و اختلافات مطرح در جهان تلقی میکنند. برای مثال: نمیتوان منکر اهمیت رقابت شدید بین دولت‌های شوروی و آمریکا در گذشته شد، که تقریباً همه مسایل سیاست بین‌الملل در چهارچوب رقابت مزبور نگریسته میشود. در چنین صورت سیاست بین‌الملل تقریباً مترادف با جنگ سرد می‌گردد، و راه حل‌ها از طریق بازدارندگی هسته‌ی کارآمد، انسجام پیمان‌ناتو و برنامه‌های مؤثر کمک خارجی، و غیره مشخص میشود. با استفاده از مفاهیم مانند هدف‌ها، توانای‌ها، تهدیدها، تنبیهات و پاداش‌ها که تمام دولت‌ها دارند، یا به کار می‌گیرند، میتوان از قسمت اعظم لفاظی‌های گمراه‌کننده جنگ سرد مانند امپریالیسم کمونیستی، جهان‌آزاد و تهدید اجتناب‌ورزند. لفاظی‌های که تنها میتوانند مانع درک فنون دولت‌مداری رایج میان دولت‌ها، صرف نظر از تعلقات ایدئولوژیکی‌شان شوند. میتوان بستگی شدید به ارزش‌های رادیکال، لیبرال یا محافظه‌کارانه داشت.

دومین نظریه سیاست بین‌الملل غالب، از توجه عموم به امور غیرعادی، چشمگیر و همراه با خشونت ناشی میشود. کسی که مرتب روزنامه می‌خواند میتواند تحریف بسیار زیاد واقعیت را از جهت خشونت و برانگیختن احساسات مشاهده کند. رسانه‌های خبری توجه ما را به بحران‌های بزرگ بین‌المللی معطوف می‌دارند، در حالیکه معمولاً از اشاره به روابط مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها خودداری میکنند. در واقع، اکثر مراودات میان دولت‌ها مسالمت‌آمیز، آرام پایدار و قابل پیش‌بینی بوده است. این مراودات خبر ساز نیستند. برای نمونه: یک شهروند متوسط یک کشور نقطه نظرهای فراوانی

در مورد بحران خاور میانه، کشور های آسیایی میانه و غیره دارد، اگرچه سطح دانش او از این مسایل غالباً به طوری حیرت انگیزی متوسط است. اما زمانی که در باره ماهیت روابط بین دولت های جهان و در باره همکاری میان دولت های قدرت مند و مطرح می باشد. تأکید بلا انقطاع بر خشونت و اختلاف طبعاً به دیدگا های منجر میشود، که سیاست قدرت و رقابت را به عنوان هنجارهای رفتاری میان دولت ها می پذیرند.

مکاتب معاصر در سیاست بین الملل

۱- مکتب کاوش گران سنتی: دانشمندی را دربر میگیرد که به تحلیل سنتی و عمدتاً به توصیفی سیاست و سازمان های بین المللی پرداخته اند. این دسته کوشش خود را به بررسی سیاست های خارجی کشورهای گوناگون، برخی مسایل بین المللی و سازمان های بین المللی گمارده اند، همچنین تحلیل تاریخچه سازمان ملل متحد، توصیف نتایج کنفرانس های بین المللی در مورد مسایل مانند: حقوق دریا ها، کنترل قاچاق اسلحه و انسان، استراتژی اتمی کشورهای عضو ناتو و غیره از جمله مسایل است که مورد بررسی این دسته از نویسندگان قرار گرفته است. هدف این نویسندگان در درجه اول گزارش و تحلیل مسایل بین المللی معاصر و اظهار نظر در باره منشأ و آثار سیاست های مختلف برای کشورهای معین یا سازمان های بین المللی می باشد.

۲- مکتب استراتژیست ها: تعداد آنها از سال (۱۹۴۵ م) تا کنون افزایش یافته استراتژیست ها نامیده می شوند. این دسته کوشش خود را به درک منطق باز دارندگی در عصر سلاح و قدرت هسته یی، تحلیل اثرات سیستم سلاح های جدید بازدارندگی و ارایه استراتژی های برای تأمین حد اکثر امنیت ملی و بین المللی با کاهش امکان جنگ هسته یی گمارده اند. این گروه در بررسی خود از روش های مختلف تحلیل منطقی گرفته تا تئوری های مانند War Games بازی های جنگ بهره گرفته اند.

۳- مکتب تئوری پردازی ها: "هانس جی مورگنتا"، در کتاب خود تحت عنوان "سیاست میان ملت ها" در مورد سیاست بین الملل، برجسته ترین ارایه دهنده یی آن چیزی است که میتوان آن را نظریه کلی سیاست بین الملل نامید. "هانس جی مورگنتا" بر خلاف پیشینیانش، که وظیفه خود را عمدتاً گزارش وقایع جاری یا ارایه راه حل برای تأمین صلح مورد نظر شان می دانستند، استدلال میکنند که داده های گوناگون سیاست بین الملل میتواند در چهارچوب مفاهیم مدل سیاست قدرت به یکدیگر مربوط گردند. نقش عمده یی او نشان دادن این بود که، یک رشته روابط بین الملل باید کوشش کنند به استنتاجات کلی دست پیدا کنند، و بر وقایع بی همتا و بی مانند تمرکز نکنند. دو روابط بین کشورها، در ماهیت، نشان دهنده الگوهای رفتاری و تکراری می باشد. سه کانون اصلی سیاست بین الملل باید کشف انگیزه رفتار کشورها و الگوی رفتار ناشی از آن مانند موازنه قوا می باشد.

۴- مکتب نظریه های میان برد: این مکتب به بررسی تجربی جنبه های معین از سیاست بین الملل و سیاست خارجی پرداخته اند. این گروه مسایل معین را برای بررسی انتخاب میکنند. و در صدد توصیف دقیق و تبیین پدیده های مشخصی هستند. تئوری برای این دسته از محققین جنبه یی فرضیه های را دارد، که باید به محک آزمایش اثبات شود، و به عنوان ابزاری برای سازمان دادن تمام این بخش مطالعه به شمار نیاید.

برداشت‌های چهار گانه علمی در مطالعه سیاست بین‌الملل

۱- برداشت عامل محیطی و داخلی موضوع سیاست بین‌الملل دولت‌ها می‌باشد. در این موضوع مشخصات دولت از قبیل موقعیت جغرافیایی، نوع دولت و فرهنگ آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. نظریه این رهیافت آن است که نحوه درک و برداشت از عوامل محیطی و داخلی و نیز تقاضاها و منافع مطلوب آنها، منشا تأثیرات قدرت مندی در سیاست بین‌الملل می‌باشد.

۲- برداشت از سیاست‌گذار و سیاست‌گذاری، افراد و روند آن موضوع مطالعه سیاست بین‌الملل می‌باشد، که آنها به وسیله آن به سیاست‌گذاری می‌پردازند. این برداشت سیاست بین‌الملل را در چهارچوب مطالعه سیاست‌گذاران و فرایند تصمیم‌گیری، مورد بررسی قرار می‌دهد. تحلیل مذکور، عموماً به منظور توضیح سیاست خارجی یک کشور به کار می‌رود. بنابراین تحلیل فوق، الزاماً بین محیط و تصمیم‌گیری رابطه مستقیم وجود ندارد. اگرچه ممکن است در عمل غالباً روند سیاست‌گذاری از محیط تأثیر بی‌پذیرد. به علاوه، بین تصمیم‌گیرندگان و اهداف تصمیم‌گیری تفاوت جدی وجود دارد. تصمیم‌گیرنده کسی است که موقعیت را در اختیار دارد، تصمیم‌گیرنده کسی است که ممکن است سرنوشت ملتی را به تغییر بدهد.

۳- شکل تعامل بر خلاف شکل گذشته که توجه بر یک دولت متمرکز می‌نمود، اهداف تعامل کنش و واکنش ثقل توجه را بر بازی بین دولت‌ها قرار می‌دهد. این برداشت بیش از دیگر تحلیل‌ها، به سیاست جهان می‌پردازد. و با مد نظر قرار دادن پدیده‌های چون جنگ، تشکیل اتحادها، چانه‌زنی دیپلماتیک، مسابقات تسلیحاتی و غیره کانون بسیاری از مباحث مربوط به سیاست بین‌الملل قرار گرفته است.

۴- روند سیستم‌ها در این روند، سیاست بین‌الملل با توجه به نحوه توزیع قدرت در نظام بین‌الملل تجزیه و تحلیل می‌گردد. به عبارت دیگر، هر نوع خاص از توزیع قدرت در جهان، انواع خاصی از الگوهای کلی رفتار را بر کشورها تحمیل می‌نماید. در این روند، منظور از قدرت ظرفیت و قابلیت است. به رغم نقش قدرت در رهیافت علمی نخستین فرضیه این رهیافت این است که انگیزه‌ی سیاست‌گذاری‌ها در صحنه‌ی بین‌الملل، کنترل قدرت دیگران می‌باشد.

زبان در سیاست بین‌الملل

یکی از موارد قابل توجه سیاست بین‌الملل آن است که دولت‌ها با فرهنگ، دین، ایدئولوژی و زبان‌های مختلف با یکدیگر رابطه برقرار می‌کنند که بدون توانایی زبانی، قواعد بازی به سختی می‌تواند نظم بین‌الملل را تسهیل نمایند. البته سوء تفاهم‌ها در امور سیاست بین‌الملل کم نبوده‌اند، ولی مسئله قابل توجه امکان درک و تفاهم است. به رغم این که در این زمینه مشکلاتی وجود دارد، دولت‌ها اغلب می‌توانند در ارتباط‌های خود مقاصد، تشویق‌ها، اخطارها، رضایت‌ها و مخالفت‌ها را در زمان‌های مقتضی به طور دقیق به دولت‌های دیگر اعلام نمایند. و راجع به موارد پیچیده و حساس و برای فهم هرچه بیشتر مذاکره نمایند. تمام این اقدامات مرهون مقررات معمول یا زبان خاص این گونه اقدامات می‌باشد. یکی از موارد خاص زبان سیاست بین‌الملل، زبان دیپلماتی نام دارد و دیگری مجموعه زبان سیاست بین‌الملل است که شامل آداب و رسوم و رویه‌های دیپلماتیک نیز می‌گردد.

اصل مهم در سیاست بین الملل زبان دیپلوماسی است که مختصر و مفید سخن گفتن است. یکی از وجوه زبان دیپلوماسی، کاربرد اصطلاحات حقوقی و تخصصی میباشد. اما در مجموعه زبان نیز میتوان به مواردی اشاره کرد، از جمله؛ ژست های رهبری که معمولاً رهبران ملی از آن استفاده میکنند. زیرا آنها در سطوح ملی و بین المللی مورد توجه میباشند، و مردم چنین فرض میکنند که رهبران آنها نماد غرور، افتخار و اراده یی دولت شان میباشند. مورد دیگر تشریفات است، که شامل مجموعه آداب، رسوم و مقررات میشود، که در مراسم و تشریفات رسمی در روابط و مذاکرات دیپلماتیک حاکم است. تشریفات میتواند احترام یک کشور به کشور دیگر را نشان دهد. و مورد بعدی اقدامات نیروهای مسلح است، که نماد های اصلی حاکمیت ملی و کنترل مقتدر و آمرانه بر فشارهای داخلی و خارجی آنها از هر نوع که باشد می تواند، تأثیر قابل ملاحظه یی بر مواضع و سیاست ها و امنیت دولت ها در جوامع بین المللی و کیفیت رفتار بین دولت ها داشته باشند.

نتیجه گیری

در کل مفهوم سیاست بین الملل به گروهی از دولت ها اشاره میکند، که منافع و ارزش های خاص دارند، و در حفظ نهاد های بین المللی مشارکت می نمایند. نهاد های که گفته میشود در ایجاد و حفظ نظم دارای نقش هستند که عبارت است از: حقوق بین الملل، دیپلوماسی، سازمان های بین المللی، موازنه قدرت وغیره. بر این اساس رویکرد، تلاش های که برای تقسیم دو گانه سیاست داخلی جای که در آن سلسله مراتب و نظم حاکم است. و سیاست خارجی در شرایط وجود سیاست قدرت و حالت آشوب زدگی صورت می گیرد، محکوم به شکست است.

ساختار نظام سیاست بین الملل بر هدف ها و کنش های سیاست خارجی تأثیر به سزایی دارد هنگام به اهمیت این عامل پی می بریم که ساختار مزبور دست خوش یک سلسله تغییرات و دگرگونی های اساسی و بنیادی شود. تشکیل قدرت ها و از میان رفتن همبستگی و انسجام بلوکی و ظهور دولت های مقتدر ضمن فراهم کردن فرصت های جدید، خطر ها نیز به همراه دارد در این روند محدودیت ها و موانع سابق از میان می روند و امکانات جدید برای تنظیم مجدد هدف های ملی و همچنین جهت گیری های جدید در سیاست گذاری خارجی برای دولت ها فراهم میشود. بسیاری از تصمیم ها و داده های سیاست خارجی، واکنش نسبت به رفتار سایر بازیگران بین المللی است. کشورها در مناسبات خود با دیگران دست به یک سری اقدامات می زنند که این اقدامات سیاست خارجی یک کشور را تشکیل میدهد.

منابع و مأخذ

- ۱- قوام، عبدالعلی، اصول سیاست خارجی و سیاست بین الملل، تهران، انتشارات سمت، سال (۱۳۹۶).
- ۲- هالستی، کی جی، مبانی تحلیل سیاست بین الملل، ترجمه، بهرام مستقیمی و مسعود طارم سری، انتشارات وزارت امور خارجه ایران، سال (۱۳۸۷).
- ۳- ونت، الکساندر، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه، حمیرا مشیرزاده، تهران، انتشارات سمت، سال (۱۳۹۲).
- ۴- مقتدر، هوشنگ، سیاست بین الملل و سیاست خارجی، موسسه خدماتی، انتشارات قومس، سال (۱۳۷۹).
- ۵- کوهن، ریموند، قواعد بازی در سیاست بین الملل، ترجمه، مصطفی شیشه چی زاده، پوهنتون مفید، انتشارات سفیر، سال (۱۳۸۹).
- ۶- مورگنتا، هانس جی، سیاست میان ملت ها، ترجمه، حمیرا مشیرزاده، پوهنتون تهران، انتشارات قومس، سال (۱۳۹۳).



پشه یی شاعرنا پښني

محمد قادر هوتا

ولسواليس اېمل خان لېسا کوچه شامل او ۱۳۸۶ کاله
میس دواى منگل صنف دې فارغ بتيک.

مبارکشای ۱۳۸۷ ساله هټني وزارت آنتې مربوط ننگرهار
کانالس ریاست کوچه مامور صفتېدې لَمه آنجوېکن .
یو ۱۳۸۸ کاله ننگرهار کانالس فارمستا فارم دو آمریتس
دومنگل بلاکستا معاون صفتېدې مقرر بیک او ۱۳۹۱
کاله جا وظیفا سره پولېکن .

مبارکشاه پشه یی ولې ۱۳۸۳ کال دې لکنی او
شعرمېنیه شروع کیأکن که چېکه پنځي ویا جا پشه
یی ، پشتو او دري جبه دې شعر دارا . می پشه یی فن
نامېدې ای کتاب به لکویې شې که بو ادبي صنعتېلا
کوچیی جای کېویأ شن.

مبارکشاه پشه یی وال ۱۳۹۱ هـ ش کال قوس مایپس
دواى منگل گالایه کوز کونړ ولسواليس کېل بازار کوچه
موټر سایکلستا ډپلیک او ټکر نتیجا کوچه تانک جانه
استای دېکن او بیمه کوټ لامیس چنار نامېدې تانک
تاتکولنستا قبرستان کوچه پوېکه سپارن بیک . روجي
شاد او یادي دایمي تیأن .

اگه امه تانک لام او ونتایه آنتې پړي کمان لشیکمان
که بو گنات انخول شلداران او جوانان داریأکمان که
شعر او شاعري پلا بو مینا او علاقا دارأکن ، یا تانکې
شعر جوپاکن او یا ورپنا شعرنستا مېیکن. اېمی هوره
که امه تانک ابت هوني او دنه هوني شاعرنستن
پښمان امه کوشش باید بې که تانک پشه یی ماینا
وطنداران مجلا پندېدې که ونټیان ژنگتا چاپي شکلېدې
نشرته آنجوېکن، تانک شاعرنه تېنا گېنستا نمونا پلا
که امه گېوول به مېییکمان، اېمه بیی بایوي پرکالېني
پورا کسن، کېلوالا رکمېدې اېته مستحق شاعرنه که
ابت جا ته کتبه او مجلایه کوچه پېنوېن بوي نه آن.
امید شې که اېمه ونټې کوچه امه پلا سمراتې. ابت
اېمه پشه یی شاعران پېنوېن بیأکن.

مبارکشاه پشه یی وال

مرحوم مبارکشاه پشه یی وال پاچاس پولې او مبارک
خانسی مسی ۱۳۶۷ هجري شمسي ساله ننگرهار ولایتس
دره نور ولسواليس بیمه کوټ لامې کوچه او بچوا آس .
یاده کېنیس پُر والا دوریې مېمه ولسواليس سُتن
مکتبه پړیکن او یان مېمه ولایتس مهمند درا

اېمه شن ميس پشه يي كلامستا نمونى كه وتوا
جمهوريت نامېدې رژيمس ناملايمتېلاينا حكايتي كيا .

وظيفا مه اېرا ته

رشوت كه اوداى نه تې وظيفا مه اېرا ته
مگان لېونې بېبى واسطا تو تاراته
واسطا رشوت چلا ، ننې حكومت كوچه
واسطا كه توسيس تې تو قانون مه اېراته
ډالر كه اوداى نه تې تو گورې نه بيا حقې
پټولكې لكنتا تو حقوق مه گورپيا ته
واسطاي كوتي نه تې چو دفترې نه پي پام
استه گورې تو جانې شرمندا مه كېگاته
هفتا كوچه مقرر بي گېكوى كه واسطاي تې
علم نه شې دركار الفېكه تو ډانگ ميا ته
ورې ورې كه گري كه واسطاي كمې نه تې
علم شره پشه يي وال تو غرا مه بگاته

وربني كوچه

وربني كوچه ازنايدې ژينگ گراگم
خوشحالي تې سلنايدې ژينگ گراگم
جم خوشحاليم مېنه آنتې وربني بيك
ار لېوام آييك نوپنايدې ژينگ گراگم
مم اېه لشوا كومې لشوام نه آييك
ياري كوچه بو كينايدې ژينگ گراگم
اېرگم پشه يي وال مځلزار كتار بيچ
نن غزل او ترانايدې ژينگ گراگم

قارى محمد ناصر فاتكنه وال

محترم قارى محمد ناصر فاتكنه وال مرحوم ملا وزير
گلس پتر (پوله) او محمد ميرس مسي ۱۳۶۵ هجرى
شمسى كال لغمان ولايتس اليشنگ ولسوالى نجيل
لاميس فاتكنه منطقا كوچه پيدا بتيك، قوم كوچه پشه
يى او آييس جبه به پشه يى شې. اول والي ژاده كېنيا
تانك لاهېس جوماتستا امام مرحوم ملا غلام حيدر اوداى
شره پولېويا شن. اېلو كه مي سوره كېر دې تانك بېبى
استاى دېوبى او ژتيم بوا آس ويى مشكلاته رويدې

اشت سالآ آييك كه پاكستنېكه مهاجر بيك او وري
عصري او ديني علومنا ژاده كېني پاكستنس بېلابېل
مكتبه او مدرسايه كوچه شره پولېويا شن.

فاتكنه وال اى ۱۳۸۱ هجرى شمسى ساله اېته دنه شعر
ژخپنیه آنچوپكن كه امريكاي افغانستان شره لنگاټ او
حملا كياكن. يعنې مي تانك اسلامي، ملي او وطني
احساسه رويدى شعر مېني بل دور كېكن او ۱۳۸۴ هـ
ش ساله تجاوز پورا جهاد او مبارزا آنتې پچبل تانك
وطنېكه ژنگيك.

فاتكنه وال اېتې دنې كوچه ۷۰۰ پارچا شعر دارا، كه بو
اركې پشه يى او وري پښتو او دري جبه دې شن. ميس
چيكه شعر بېبى جهادي، انقلابي، وطني او ديني محتوا
دارا.

قارى محمد ناصر فاتكنه وال بدا افغانستان ملي راديو
تلويزيونس «صداى هموطن» يا محلى جينا (اوزبكي،
تركمنى، بلوچى ، پشه يى ، نورستاني) نشراتس آمر
صفتېدى وظيفا شره پوليا.

اېمه شن ميس پشه يى شعرستا نمونى

افغانستان جور كتوين

نوا تنگ هما افغانستان جوركتوين
ويران وطن دى گلستان جوركتوين
دړانگچه وطنين بى حتمي ژخيدين
سوره اولي خذ متگاران جوركتوين
پښتون تاجك او هزارا ازبك هون
پشه يى بلوچ تانكى لايان جوركتوين
وطن كوچه بى بيسواد هيچ كي نورين
كي انجينر كي ډاكتران جور كتوين
وري ملت بى كي زخلى كه نورين
ولسى جم هرايى ارمان جور كتوين
فاتكنه وال ناصر متو كوى شول نبتين
دشمنان دى جمبى دوستان جوركتوين

يې وطن غرور دارتو

یې وطن غرور دارتو دشمنانی پیغور دارتو زور دارتو یی شور دارتو بیروامپراطوری تاریخه اندی نسکور دارتو یو وطن دی کنچکن مغل او چنگیزیان دیا هم دیو برطانیه تم روسان امریکایان دیا **هر یرغل مقابل قیام ککه یی مشهور دارتو** کی ایتی افغانستان دیچه اسی اولیاوطن یی آ لکیلو تم شهیدان اوصحابا وطن هم مرحوم عمرشهید جلال شهیدمنصور دارتو بیرو قومیلو نابوده بیچیشه تاریخ سیل ککه نیچه وتی دندوان شیچیشه تاریخ سیل ککه کیگه ناخبر ایتو سی مچلیکه ضرور دارتو ای ناصرفاتکنه وال افغانه غیرتی اولس ننگ غیرت دی دلون هرکودچی عزتی اولس کی خلاف قدم جیتو واډا شکه ناسور دارتو ۶/۱۲/۱۴۰۱

استاد عبدالعزیز شجاع

محترم عبدالعزیز شجاع ۱۳۷۲ هجری شمسی کال عقرب مایپس ویست منگل آدنا دوسه جلال آباد شارس ریگ شاه مرد خان دومنگل ناحیاس ای دیندار، مجاهد او لوش فکر پوگال کوچه دنیایکه انچیا اوپوینا شن، یو ملک غازي رنگاس پوآله، آدم خانس مسی او دشتا ملک رنگاس کروسیی آس. میس اصلي جایه ننگرهار ولایت دره نور ولسوالیس ستن لام شې او ابته دني کوچه جلال آباد شار اول ناحیاس چشمه خانجی کوچه زندگی کیا. استاد شجاع تانوک اولوالي دینی یاده کپنیاً تانک جومات دې آنجوبویاً او یان ۱۳۷۷ ساله عبدالوکیل عالی لپسا کوچه شامل او ۱۳۸۹ ساله بو اوړې درجا پلا مه لپسا دې فارغ بتيک. استاد شجاعې ۱۳۹۱ ساله اوړې یاده کپني وزارت گزای ای رقابتي کانکورس امتحان کوچه کامیابي او اوړې نمرا گورېک پلا ای خاص سکالرشپ بورسیا پنډې دې پاکستنس پایتخت اسلام آباد نمل پوهنتون آنتې پنډ پیدا کپچان او مه

پوهنتونس سوداگري او ادارا ونټې کوچه انگلیسي جبېدې لیسانس سویا جا پرنیاً شره پولېکن او ۱۳۹۵ ساله مه پوهنتون دې فارغ بیک. استاد شجاع ۲۰۱۹ م ساله خراسان خصوصی پوهنتونس ماستري برناما کوچه شامل او ۲۰۲۱ م ساله اوړې نومرا گورېک پلا مه پوهنتون اودای ماستر سویایدې فارغ بیک. عبدالعزیز شجاع مکتب دورا دې انگلیسي جب او کمپیوترس پروگرامبلیه تدریس او اُستادیس وظیفای به پورا نپي آيیک، گه اېلو سلسلا ۱۴۰۰ ه ش سالپس آخري جا شاپروا آيیک. مي ۲۰۱۶ م سال دې پتای تا ۲۰۱۸ م سال جا کابل کوچه شفاء نامېدې ای خصوصی پوهنتون کوچه انگلیسي شعباس جشټا استاد صفتېدې به وظیفا شره پولیکن او امزات جلال آباد کوچه ایلی خصوصی مکتبنا او اداراینا گن مدیر صفتېدې به وظیفا شره پولېوی شې. استاد عبدالعزیز ۲۰۲۱ م سال دې اېله بل ای بین المللي ادارا پلا اداري مشاور صفتېدې وظیفای پورا نپي.

استاد شجاعې ژورنالیزمس اکه ساله پروگرمي به کامیابي دې شره پولېوی او اول مقامس استه کوچ کپک پلا فارغ بو آس. یو پشتو، دری، انگلیسی، اردو او پشه یی جبه سره پورا تسلط دارا او اېمه پچبل دنه کوچه عربي، فرانسوي او چینایي جبنایه یاده کپنيه به آنجوبوی سې. استاد شجاع کاو تلنا (کاو بُدي) شخصیت او بو مهارتېلاینا دارکالیی آس. وطنس کوچی او کنابل گنېنچ پيني او نپنیه کوچه وانټ گورېوی او بووه ادبي محافله کوچه انانسریس مسوولیت به داروی سې. پشه یی او پشتو جبه دې شعر مپیا او کشمالي نامېدې ای شعري مجموعا او دو ناچاپ علمي آثار دارا، که امید شې بو روندې چاپ بن.

دیدني کمان

تمام دنیا کوچه اما وطن دولي شې دیدني کمان کاو سودوري شې دیدني کمان مثال نه دارغا میسي آنتې بیی بایوي شي

دیدني کمان کاو سودوري شې دیدني کمان
تمام اقوامي گل اس گلابي
شونیک پینچایه کوی لوروي
مچ انچای ساتھ چان باغې کوی سنگبوي شې
دیدني کمان کاو سودوري شې دیدني کمان
شیرین، شیرین لهجا دارغا
آغت کده تا معلوم بغا

پښتو، دري يا ازبیکي يا پشه يي شې
دیدني کمان کاو سودوري شې دیدني کمان
وطن ساتیک ام شېره فرض شې
شجاع مېغا يو شېران قرض شې
افغانستانن تاریخي او قدیمی شې
دیدني کمان کاو سودوري شې دیدني کمان

افغان وطن

شیرن قربنې اما افغان افغان وطن
امنې هر کومې آی جهان جهان وطن
تو آی آی کوی اما گران گران وطن
مثالی چو به نه شې جانان جانان وطن
نامې هر وخت ذکر شې ایران ایران وطن
الله ی نظر مه کچی قربان قربان وطن
اما مرضستن آی درمان درمان وطن
دویه انچستن اما دیدان دیدان وطن
شجاع کفا تېنه شېره لکان لکان وطن
پښتو، دري، پشه يي جبان جبان وطن
افغانان

گران آیمان اي په وري افغانان
یاده بیاکمان بیی بایوي افغانان
بېدار بمان وري سلوي افغانان
امه کوی که آین سُدوري افغانان
پورا پتا باکن پروي افغانان
کاکن هر کي پله سیالی افغانان
تبا بیان جمکه شر ایوي دشمنان

دشمنان کچین مولېوي افغانان
یه زمانایه بېدار بیک درکار شې
پچه دریاکن اورچوي افغانان
گلېنا کوچه کیشمالي آیمان
آریایی جمکه پشه يي افغانان
شجاع پتېمان جم خفا لایلا
کودن جا تمان لوجوي افغانان

سیدجمال جمالزاده

محترم سیدجمال جمالزادا نواب خانس پوله او مرحوم
سیدجمالس نوایی ۱۳۷۸ هـ ش کوچه ننگرهار ولایت دره
نور ولسوالي ستن لامه اي علمي گوشنگه انچه چالویاً
شن، جمالزادای تانوک اول والي یاده کېنیا ۱۳۸۶ هـ ش
کوچه جلال آباد شار شهید محمد عارف عالی لیسا کوچه
ایټو(شامل) او تانوک یاده کینیا شه منگل تې تا دواي
منگل جا که اول نمرا تاییک مونده پولیویا شین، یان
۱۳۹۸ هـ ش کاله کانکور امتحان کوچه وانټ گوربکین
که اورې درچایدې ننگرهار پوهنتون انجینري پوهنځي
آنتي کامیاب بیک او ایت چارمنگل کالپس محصل آس.
جمالزادا تانوک یاده کېني ملتن اوچ تانوک شیرین پشه
يي جې پله به بېدرک مینا دارغا او میسي مینا وجېدې
شعر جوپیا او ننگرهار دولتي دواس پتاس پشه يي
لیکننا مسؤلي به آس، که بوکنات مقالا، ادبي لیکان،
شعر، ادبي وارني، خیسا او متل، لیکویاً او چاپ بیوي
شن، جمالزادا تانوک یاده کېني او فرهنگي فعالیت ملتن
شخصي تجارت به کفا او ایت وختې کوچه دو پشه يي
کتاب لکیک کوچه جانول آس که ایگلا کتبی مونده
پولوا شې، کیولا چاپس لَمه اري دروي شن او سیورا
کتاب ارا مونده پولوا شې.

جمالزاداس پشه يي شعرستا نمونی

ورچای وړې

ورېت وړچای وړې بیمانی کودن جا
کریک به وړچای بوجا لالانی کودن جا
تمام لمیچ او گنېچ انگره کوچه جوتچمان

انگري جانپن کنمان يو جوتني کودن جا
 نن جان پولپني آنتی جمه گپنی تنگيويو ش
 وري بس کدا يو واگيس ماويني کودن جا
 کوتي مارچال بينچ کوتي اي په وري کتچال
 اي جای پیمان يو امه منجای لاني کودن جا
 نن غمبس ويرپني پوشویی شپت گر په گره
 ميس پوري پوره درپمان غمبس واپني کودن جا
 جمالزادا ميا کوتي نايک کوچه کوتي کايک
 اہت وطني چوپلمان وري ناپني کودن جا

احمد شعيب دبیر

محترم احمد شعيب دبیر گه ببستا نامه عبدالرقيب شې
 ۱۳۷۹ هـ ش سال ويانده فصل جي کاپيسا ولايتس اي
 علم بيی بايکالا او منجه اقتصادي پوگال جي انچيا
 چالچين. مي اول گوزر آنتي جومات کوچه پرنپه
 آنجوبکن او تي کويه ۱۳۸۵ سره يي ساله تانک لامستا
 ابتدایي مکتبه که پچبل دنې کوچه تيس نامه بختيار
 شهيد لپسا شره بدل بيک شامل او وپله او ساره کوشش
 پلی ممتاز بالکوله کوچه جای گورپکن او بلاخرا ۱۳۹۷
 ساله منحيث ممتاز بارو مه لپسا دې خلاص بيک. يو
 مپسه سالي کوچه کانکور امتحانس دېک دې پچات تخار
 پوهنتونس جب او ادبيات پوهنځی يس دری بخش
 کوچه شامل او بدا چارمنگل سالپس محصل آس. احمد
 شعيب دبیر پشه یی جيس شعر مرپکالا، نوشتا ککالا او
 ادبی انتقاد ککالا جوان آس. پشه یی او دری جبېدې
 شعر مرپکا او (شاخه های از نبات ما) نامېدې پشه یی
 (شمال غربی لهجاس) دو هزار لغاتنا اي کتاب دارا که
 دری جبېدې ترجما بتيک.

دبیرس شعرسا نمونیی

غرور ماکا

غرور ماکا جوانیه، بدین بی پری یدی
 و چالی شلوک بی پری پری یدی
 رفیق! غطو مابه تبعیض جی که اما
 اریچک که بدرد نژیټو زری وری یدی

بیو پندا، بیو گیا زامت کنه هر کمال
 بنداش نبی جز ایس کرسی وری یدی
 دبن ماگرا ای شرا و تی شرا روپ پل
 که اوسکه بی پری چیکه دریدری یدی
 امید شی سهاریه ولی کوشش کا دبیر!
 که بی علم و عمل نبی ایتی پری یدی

اوشار تی

بری! گودل نوایی دنیا، اوشار تی
 مدوم پریشون مابه و سرشار تی
 بیو کروم کا و بیه کرما پلی ایتا
 مرگایه که یدی ایتوستی، تیار تی
 کرما ماکا عجلو، تانکدی ماکا وللو
 ویانده گونی که سوز و گلزار تی
 فسوس عمر گذرتو، غافل مابه تو
 بیو کرمایه کمین، ویله تا سار تی
 غما پلین اینه و جیسکا پلین تینه
 اوش کا! زنده گی جی سازگار تی
 نبی که خوار بس ایتا، زار بس ایتا
 کمی شور دا تانکدی و افتخار تی
 دبیر! جمندو درکا، شیر خم بی نا
 مدوم گلا کچا سرسبت روزگار تی

نبی الله ساحل نورستاني

محترم نبی الله ساحل حاجی جمعه گلس پوتره (پولّه)
 او محمد جمعه اس نوایی (مسیی) نورستان ولایت دوآب
 ولسوالي کورگل منطقالس شهیدآباد لامپس تکالیی او
 ۱۳۸۰/۹/۲۹ هجری شمسی ساله الی تانک لامه دنیایکه
 انچیا اروپا شن.

محترم نبی الله ۱۳۸۵ ساله کورگل متوسطا مکتب
 کوچه شامل بیک. اشته منگل او نومنگل صنفبلا کابل
 پلچرخي منطقالس حاجی جنت گل تره خیل عالی لپسا
 کوچه او وری صنفلیی دوآب ولسوالیس عالی لپسا

کوچه پرچین او ۱۳۹۸ ساله دوايمنگل صنف دې فارغ بيک.

مي اي سال نورستان ولايتس تعليم او تربياس ادبيات پوهنځی پرچان او يان ايلای مشكلته گزای ننگرهار ولايتس آريانا ننگرهار انستيتوت كوچه شامل او ۱۴۰۱ هجرى شمسی ساله میس عالی نرسنگ شعبا دې فارغ او ايت تانک ولسواليس صحت ونټې كوچه لَمه مصروف آس.

نبی الله ساحل چار ساله دې بيل شعر او شاعري کيا او ايت جا پنجې ويا (۳۰۰) حدود كوچه پشه یی شعر جوپپويا شن. يو مه منطقاس اول والا شاعر آس گه حمديا، نعتيا او وطني شعر جوپپويا شن که اېله کاو نمونیی پورا با.

پشه يان

هردور هون غيرت دارتون پشه يان

وطن نامې کپل ديتون پشه يان

ژاده هون هر کورا هر کتاب پټو پټو

تاريخ کوچا اوچپنه بتون پشه يان

کي که نه پيانتاوو مشکل نا

تمي خلکی ژادا ايتون پشه يان

وطنی ډووله هون ډووله

گل گني ډوول کتون پشه يان

جنگ کوچا نه اېچون پچانی

هر جنگا پرانې پتون پشه يان

هرا کوچا پاک او عاجزان هون

لايان واری هر ديتون پشه يان

ساحل پشه یی شاعري کړی

يخل شعری سلام وایتون پشه يان

مشران او رهبران

شیران هون شیران خاص شیران

تاريخ به بحث کچي همی مشران

جهاد او جنگ نه ورچيا تا آخيره

روچی جهادي رهبران هون رهبران

داريلي او کتي

اولي اولي داريلي سوې سوې کتي

تار تار نه بيا م سير ايش ايش پتي

وه ساحل نام خدا کا نه بې نظره

هر زمه شونوک او شولوک زره

تازو ورگه

تازو ورگه خاص او زمزمه

شي کرام پوه او هر زمه

ساحل پی خې کړی صفتی

صفتي یې بتو عزتی

افغانستان

وویانی هون افغانان وه افغانستان

قوربنی بنن قوربان وه افغانستان

دوو کتوس ما بنی ویران او برباد

آباد کړي پاک سبحان وه افغانستان

اوچپني

کورگل نورستان ولايتس دواوب ولسواليس مربوط اي درا

شې گه چيکه خلکي پشه یی او پشه یی جب آن او

مرکزي لام، شهيد آباد، نوآباد او غازي آباد نامېدې چار

لام دارا. میس اکور يا جنوب بلي شام درا او شمال يا

اوربلي ژونیا درا شې او صحت عاماس احصايا رویدی

۴۵۰۰ جن نفوس دارا.

مه منطقاس اي جن تکالا نبی الله ساحل کدگا گه يو

منطقا اول گوزر آنتې زارېگ نامېدې اي جنې آباد

کېوی شې گه چيکه کورگلېنا تامی بگا. مه خلک اېله

باوره آن، کودن گه دولت شاه منطقا آنتې اسلام مقدس

دين پولچ يو نیوا گل (ممکن نوي گل تې) منطقاس

کوروان گل لامای ايت هونا غربي نورستانس کورگل آنتې

ايک، اي لايه کوردر ايکه پېک او کنشیا لايه الي تانک

جايه کوروان گل کوچه دريک.

محمد بهادر کلماي

محمد بهادر محمدزمان کلمايس پوله بغلان ولايتس

مرکزي بغلان ولسواليس کهنی شاربکه موتا کلمايېنا

لامې اوداى آس، ۱۳۶۲ هـ. ش. ساله كابلس بي بي مهرو لامې كوچه دُنيايکه انچيا اوږوياً شِن او قوم او جبه پشه بي سې.

مي تانك ياده كېنيا كابلس پكتياكوټ، ننگرهارس حصارشاهي كمپ ، لغمنس مركزستا مکتبه او بغلان ابوجاء جمعيت لېسا كوچه شره پولېوياً شِن.

يو ۱۳۸۴ هـ. ش. ساله مركزي بغلنس اتفاق مکتبه كوچه معلم صفتېدې مقرر بيك، مي معلمي كويه تانك تحصيل آنتې به دوام دېكن او ۱۳۸۷ ساله بغلنس مركز پلخمرې كوچه معلمنا ورلېنيس پښتو شعبستا ۱۴ منگل صنف اوداى فارغ بيك. ۱۳۹۲ شمسي ساله كابل هوتخېلنا (۱) نمبر عالي لېسا كوچه لږېكالا يعنې معلم صفتېدې او يان هوتخېلنا (۲) نمبر مختلط لېسا كوچه سرمعلم صفتېدې او ابت كاو ساله دې اېله بل پكتيا كوت كټالکنا لېسا كوچه لږېكالا صفتېدې وظيفا سره پولېيا. البته مه معلمي لمې كويه تانك پښتو آنتې به دوام دېك گراى ۱۳۹۷ هجري شمسي ساله كابل كوچه ادراك مولوبني او ورلېني پوهنځېس پښتو شعبا دې ليسانس سوياديې به فارغ بيك.

محمد بهادر كلماي ۱۳۹۲ شمسي كاله كاو مايه هوره ملي راډيو تلويزيونس پشه يي نشرته كوچه بالمقطع سمرکالا صفتېدې به وظيفا سره پولېويى سې. يو شعر مېنيس بو بكار استعداد دارا ، پشه يي او پښتو جېدې شعر جو پيا او ميس اي گئات پشه يي او پښتو شعرېليى كابلس ايلای دولتي دواسپټا او مجلايه كوچه چاپ او چركن بوي سن.

(د محمدزمان كلماي ژوند او فن) نامېدې اي اثر دارا، كه ۱۴۰۱ هـ. ش. ساله كه ۱۴۴۳ هـ. ق. سالي پلا برابر با، كابل كوچه چاپ بواسي.

اېله بهادر كلمايس شعرستا كاو نمونى پورا با.

بكار ياده كېكالا

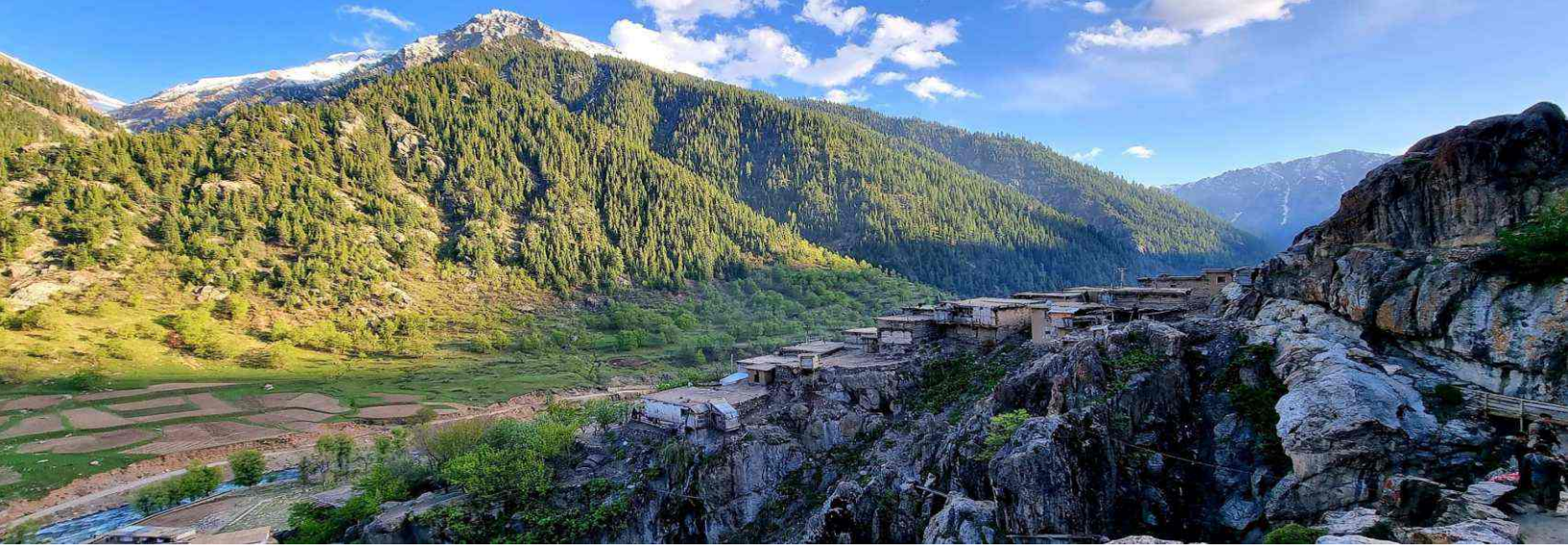
جومه دنه اورياگم
الف بې تې پره تا
جومې چاېستم پتا
مکتب بل تانك دنه
لاين سره تستتا
صنفيكه نوبتېدې
اوهت او پرسان كېتا
معلمس سوال آنتې ر
بهادر كوى كاتلا
مقصدم مولېني سې

آست، دوروپا اونجياگم
جوميات گريا پولياگم
مکتب چېلا منجياگم
بيى ايچ پنده شاريگم
سورت يا شعر پرياگم
سلام وېتا اتياگم
ادبي دې نياگم
ون جواب كدياگم
جوپې گېنېم تنگياگم
بكار انسان جوپيام

آرکم

آرکم جان آرکم
تېنا نامستې قربان
الله الله تو كېتا
كارگه نه تي تو كويان
كه ناساز تس زورياگيى
اما لاوده آنتې
بو چنده گېردې منا
اما وشام خاطرې
ايچ پندې لږې دېوې
تو خوشالستنېكه
آييس سلمې كاگم
كه گه نامه دېياتې
هر كه نه كې محبت
الله س رضی گتويى
مم خو خدمتې كاگم
مېني آرکم تو آى

بو مهربان آرکم
شيرين زبان آرکم
گن كېوې شرې دېتا
نيوي تياگس وربتا
شمعې پيري جوتياگيى
دوا ملهم جوپياگيى
ملتنن كېويا مينا
اږې كېويا گنگنا
بكار انسان آس كېوې
سره سختي وتېوې
هميش ادبي كاگم
تيس احترامې كاگم
سرى حرام سې جنت
كېويى آييس تې خدمت
هميش صفتې كاگم
نه تي ارمني كاگم



مطلب نورستانی

چوع پنورن اوبجیک بگانه اسلام سته پوت وعان

گوښع عبدالرزاق

کی! کی ایموسته اسلام سته دین کی اسه باسته له پی نه زع له اسه چه منچه سته عقیده تن کی مول چون بوله سوره سته سنه منان تن کی مول چون بوله سوره سوره چوع پنورن اوبجیک تن کی زیول مول بوله امکیان تعن لسته که بدیوع بو تی اوبجیک کوسته بگانه ایموسته له پی ښواوله محمدصلی الله علیه وسلم دی اینه بگانه گجیکو: (الطهور شرط الايمان) الحدیث: شته بو تی څنگ تن چون تعن بدیوع بوسته ایمان سته ابته تعن اسه کی کویی ویک منچی لسته که مول چون تعن لسته که شته نه بیسته بی با سته ولت ویک ایمان سته منچه سته نه پوره ته. اگجاع ایموسته اسلام سته دین تن منچی اوجوچووع طهارت بگانه برن کارکره یسته ای.

اینه تعن اینه وری نوکسته کی مول چون بو تی بوسته ایمان تعن بدیوع کودیوم اسه کی که له پی ښواوله محمدصلی الله علیه وسلم وښوارسته پته تن لسته که برن کارکتی یاسته اوتا وارتن لسته که ووشتیک کتی سوره کی ایموسته اسلام سته مقدس دین سته پوت وعان ای با امکیان لسته که برن کارکوسته منب ایمون بتمیش ایموسته چوع پنورن سته اوبجیک تن لسته که له پی وارسته پوت ښته تی یاسته چه یاسته گول وعین کس اوتا وارسته اوبجیک سته پوت لسته که ښتا مون. ډگرښگین بوله منب ایموسته گول اینه وام تن ایموسته گول وعین یاپمیچ جع جوع استه جی ایکی منب په تتی یاپمیچ نه ټکی لات تن تتی بله پیوک سکال اونگته وتع ورمش میوک میوک بیسه ایکی تع نوکسه سته ایموسته گول وعین سته کودیوم اسه چی کی یاسته اوتین نشین تن لسته که ووشتیک کتی یاسته گول تن اوتا وارسته پوت لسته که ښته تی یاسته کودیوم کوله.

گول وو سوت بول منب ایموسته منچان سته بتات اینه بولا کی! گول اچاک دی لسته ک ښنگره له، سوره اچاک دی لسته ایموسته گول تعن پعسکره وارتنس لسه سته بگانه، له ښگین بوله منب ایموسته افغانستان سته منچی اوجوچووعه اسلام سته دین تن اتیوع وری سته پته تن سوره بدشره گول وعین تعن سکال کتی امشین سته له وارسته چیوع بله پیوک لسته که پمیوک بعسه. چوع پنورن لسته که شته نچاست تن څنگ تن سکال معین وا رول بن (عوزیول) سته اسه چه امکی لسته که اته دمسته بوله.

اسلام سته تن پلپوک سکال پوت وعان ای امکی له پی وارسته پوت وعان تعن اودی اینه اسه کی ایموسته گول تن لسته که چوع پنورن لسته که شته نچاسته چه لسته که اوتا وارسته پوت تن ابل کتی اوبجیک کوسته بولا کی که، کدی کعبا اسلام سته دین تن څنگ تن سکال برن کارکی لتره تن بیسه باسته طهارت چه لسته که پاک بوسته اسه، اینه بگانه ایموسته اسلام سته دین تن امکی نشترو پوت وعان چه وحی تن اینه اینه طهارت چه لسته که شته بوسته بگانه لسته که برن کارکر یسته ای. اینه بگانه می سوره المدثر سته شتوا بوله پی آیت ته اینه بگانه برن کارکراته کی یاسته سنه منان لسته که پاک کولاسع کی که.

کدی کعبا ایموسته اسلام سته دین طهارت سته دین اسه کی! اینه بگانه لسته که ال نوعین قرآن کریم تن اینه طهارت چه لسته که شته بوسته بگانه گجیکو: (ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين) سوره البقره: الله متعال کچی توبه کوله بیبا امکیان له پی زع له اسه کچی لسته که یاسته شون څنگ مول چون تعن شته کوله بی با امکیان له پی زع له اسه. اینه تعن اینه وری نوکسته

وحی تہ ڏنگن اوتاموتہ مہن پتہ تی مون چون بوستہ
 تع بدیوع بوستہ کس پکراتہ آگجاع می ال ننوعین گجیکو:
 (یاایہا المدثر(۱)قم فاندذر(۲)وربک فکبر(۳) وثیابک
 فطهر(۴) والرحزفاهجر(۵))ای کچی جیل وعشیل اسیش با
 اوتی! منچان ودعا! توستہ ال ننوعین ال وارمہن بیدی
 کبشا! توستہ سنہ منا شتہ نچاڏنگ مول چون وعکیں
 بوتہ نیں ٲکاں گوستہ بوتہ با امکیاں تع بدیوع بو:
 ال ننوعین ایکی پہ دماں وعں دی وعتی اینہ بتہ تہ
 سکال ٲتیار اوتی نستہ آی لسٹہ کہ ال ننوعین پہ دمی
 پوت تہ ن پہ اُتہ.

آجیست کتی می لہ یی نبواولہ محمدصلی اللہ علیہ وسلم
 اموستہ حدیث تہ گول ستہ ہننگریک بگانہ سورہ
 کنجیک(نہال) تستہ بگانہ چہ ایکی کودیوم مہن گول
 لسٹہ کہ ہننگرہ لی اسہ سورہ منچان ستہ ونبواربگانہ دی
 لسٹہ کہ دوی سناالی اسہ گجیکو:(لوقام القیامۃ و فی
 یادحدکم فسیلۃ فالیفرس) الحدیث: قیامت پعی با بیم
 اوکت نیوتہ بوتہ سورہ اسمان ویناڏتہ سورہ شاتع ا
 منچہ بدوی کنجیک بیبا ستا تلا: اینہ حدیث اینہ وری
 نوکستہ کی! ایموستہ اسلام ستہ دین تہ چوک تہ ویک
 گول ستہ ہننگریک بگانہ منچی برن کارکرہ یستہ ای
 قیامت اڏلی بی با دی ستالستہ کہ تلہ اینہ وری نہ ولہ
 لہ کی شترک تہ قیامت بوتہ

ایکی ڊگر وار تہ تتی ہنترک ایموستہ گول کوہن ستہ
 کی شننگریک جہ اوتاوار وی اسی باپمیچ ستع گوسہ
 کیوع کیوع لتری تع کویدوم اونگہ ستہ مہن گول ستہ
 دش پعسکرہ بوتی یاچاکن نشین ام اُتہ کی!انسانی ڏیت
 بہ اوتی پوت اتلاستہ مہن تپہ تی پمواتووعی آوپوت تہ
 پاربہ اُستہ مہن پوت تہ پتہ تی یونہ بوستہ مہن دش
 نشین اُتہ چوع پنورہ اوبجیک تہ سکال اوتاموتہ وار
 پمیچ اُتہ چہ کیوع کیوع بعزہ جہ اوبنی وار کس پوت
 ہنٲاتہ کدی کعبا امنی کودیوم مہن دش سکال نشین
 اُستہ تہ تتی آکسیجن دی کنبہن بوتی کیوع کیورر نہ
 وہن کس پوت ہنٲاتہ ڊگر ہنڳین بول تہ اینہ اسہ
 ایموستہ گول تہ اینہ سمہ وعں دمکال تہ تی ایکی
 مہن پتہ تی منچان یاستہ چوع پنورہ اوبجیک تہ ستہ
 کہ پام نہ کع ستہ تہ تتی ایموستہ گول تہ کیوع کیوع
 بعزہ تہ منچی اٹیون گوستہ آی اگرایموستہ منچان ال
 ننوعین ستہ پوت وعان تہ پہ گہ تی یاستہ چوع پنورہ

کدی کعبا ! لسٹہ کہ پتیاں مہن اینہ وری وللہ ن
 ہتمیش چہ اوجوپچوع ونبوار جہ ادگوار لہ یی امکی اوگع
 اماں تہ بول اسہ گچی ستہ اوگع اماں کلہ یی لسٹہ شتہ
 چہ پعسکرہ تعں شتہ(پاک) چوع پنورہ اوبجیک کول بیبا
 ایکی کچک امکی اوگع اماں کلہ یی جہ امشیں ستہ چوع
 پنورہ اوبجیک تہ لسٹہ کہ پام نہ کول بیبا ستہ منا چہ
 کتوع اٲعی اشترن وعشیں لسٹہ کہ شتہ نہ نچالہ بیبا
 امکی اوگعم پنہن کیوع کیوع نہ وہن جہ اوبنی وار مہن
 میوکہ میوک بول آی اگجاع می ایموستہ اسلام ستہ دین
 منچان ستہ ونبوار جہ ادگوار تہ لہ یی سکال پام کع
 سہ اگجاع می ایموستہ اسلام ستہ شتہ کشیردین ڏنگن
 مول چون تع شتہ بوستہ ایمان تع جمہ ی سہ اینہ پام
 تہ دمہ تی امؤمن منچی کس ایچل اسہ اموستہ چوع
 پنورہ سنہ مناں اشترہ وعشیں کتیاوٲیعی سورہ
 کوواوتیں نشین کول آی با امکیاں لسٹہ کہ شتہ نچالا
 پمو اتوجہ اموتہ برہ لہ اوچپورپو توڏنگ پوت گیت ہون
 جہ زیم اگال تہ مہنیں ہونوی بوستہ تع یاستہ شیون
 بدیوع کولہ.

کدی کعبا ایمون اینہ بتہ تہ ایموستہ شہر جہ شال
 گعام تہ وعتمیش چہ آر پنہ اینہ ابل تہ آی چہ امشیں
 کس اوپسی ستہ کس ہنی اتوکوستہ امون ایپہ تی
 امواتیوع لسٹہ کہ ہننگرہ تی سکال لتری اینہ بتہ تہ
 مصرف کہ تی امشیں ستہ بدوجہ پوت تہ کی وری اسہ
 کہ ووشتیک نہ کوتت، آر تہ اینہ تہ می آی چہ امشیں
 انسانی ڏیت دی بہ اوتی پوتواتلاتت، چہ ایکے مہن نہ
 پنہ امکی ڊگرگون کنباتت بلکہ پوت ال دی امکیاں ستہ
 ایکی ڊگرواروعتی امکی امواپالان کس لعنت ولہ تہ چہ
 امشیں کعبا ایکی کودیوم دش نشین اسہ تہ بتہ تہ
 سکال دوی سناتہ اینہ بتہ تہ امکی منچان مہن پتہ تی
 دولت بلیوک بی پروای مہن کودیوم پمیوک گاتہ ہنٲل
 وری تہ اینہ اسہ ایموستہ اسلام ستہ شتہ کشیردین
 بدشیرہ ڏنگن دین مرتبہ جہ گنواوات لہ یی اوتادین
 اسہ، ال ننوعین ستہ بندہ ہنٲلہ یی پوت تہ پاروللا ستہ
 بتہ تہ ڏنگن دین تع پولسہ تی صفای جہ شتہ کہ پاک
 بوستہ بتہ تہ سکال تلول کراتہ بدشیرہ دین تہ گچی
 دین دی ایموستہ اسلام ستہ شتہ کشیردین چارن منچان
 کیوع کیوع ڊگر وار تع بدیوع بوستہ کس نہ وللاتت اگجاع
 می ال ننوعین اموستہ ڏنگن تع لہ یی زعیں لہ یی
 ہنوپعلہ محمد صلی اللہ علیہ وسلم تہ اموستہ نوشتروی

شته نچی با اچاک دی پولسه تی یاسته جیت کنه سنه
منا کتیو اچیع اشترن وعشیں لسته که شته نچی با شک
نیں کیوع کیوع بعزاز تع بدیوع بون بل آی.

له یی ښگین بول نه اینه اسه چه ایموسته گول تن
سوره دولتی اداره منښ پته تی چوع پنوره شته نچاسته
مستقل اداره دی واسمیش چه سته ابل کوته چه چوع
پنوره شته نچاسته بته تن منچان منښ ارنکه گول سته
دش لسته بوله چه چوع پنورن اوبجیک کیوع کیوع ډگر
وار تع بدیوع بوله بگانه ابل کوته ښتل وری ته اینه اسه
ایموسته اسلام سته دین اینه بته تن کی !

دش شته نچاسته بته تن منچی سکال تلول کرر سته آی
اچاک دی پولسه تی گول پتل کوسته چه نینیل نچاسته
بته تن منچان تلول کراسته سکال احادیث ایموسته اسلام
سته ښنگن تع ال ننوعیں تن تورن له یی ښواوله محمد
صلی الله علیه وسلم پارستع ایموت وکراسته بیسمیش
چه امکیان تع اودی اینه اسه کی گچی کوته کچی منچی
اکنجیک تع ی باستاتع کی ستاسته کژوچ تع انسان،
عمیک، وعس دی حیوانات چه شتوا کیوروا یع باثواب
سته کنچیک تله ال ننوعیں ثواب پع ته اینه موزعیں
گول پتل کوسته چه گول ښنگراسته بته تن منچان تلول
کراسته اسه ایمون آجیسته له یی ښوچه له یی تلول
گچی دین چه قانون تن وعس نه بتمیش، پنع اسلام سته
دین می اسه چه منچی آجیست له یی وارتن پار کس وا
ایی سته آی، کدی کعبا ال ننوعیں اینه لسته که زعیں
وری اسه چه شته دش چه شته چوع پنوره سکال ډگر وار
سته میوک دمل آی که وښواسته بته تن سکال دوی
سنال آی.

مطلق کناں تسته می سکال فضیلت واکودیوم اسه،
کدی کعبا سته کنا پکع ونشی ویکیه سته منښ ادگوار
بدوی اشی سته منښ سته کناں تل منچی تن ثواب پع
اته گول پتل کوسته کناں تسته پنع دش شته بوسته تن
می دوی نښ سنانه بلکه ورن دی طبیعی آفات تع منچان
لساته کی پښکوری طوفان ورن دی آفات تع منچی بدیوع
بوتت آگجاع امنی وری پام تن دمسته منښ ایموسته
مسلمان گول وعیں سته گنوا چه له یی بتات اینه بولا
چه یاسته گول پتل کول بته تن ابل کومون کدی کعبا
ایکی منښ ارال نه کیوع کیوع مکروب چه ډگراں تع

بدیوع بون مون چه ښوار سته بت تن اوتاموته وار
پمیوک اوتت سورال گول سته ښنگریک منښ پته تی کیوع
ډگروار تع بدیوع بومون ایموسته گول وعیں دی امشیں
سته اوتیں نشیں تن لسته که له یی وارسته اوبجیک وا
بوله ایموسته گول سته ښنگریک دی ایکی منښ یاچاک
دی سکال بولا.

ایموسته گول وعیں سته ا وښام وارسته اوبجیک کس دی
پوت لسته که ښتیاں اله یی. اینه ایموسته افغانستان
سته ښنگن منچان سته کودیوم اسه کی گول تن لسته
که شته کتی اوتا وارسته اوبجیک کوسته بگانه کی اسلام
سته پوت وعان تعس اتیوعس له یی وارسته بتات ای با
امکی لسته که پمیوک گاسته بوله. ډگرښگین بوله اینه
اسه کی اینه وام تن بدشره سته گول وعیں کیوع کیوع
کودیوم کعسته تن تتی اینه سته سبب بوتت چه اچاک
دی پولسه تی ایموسته امکی ال ال عوزیول سته بن چه
گول سته ښنگریک تن سکال دوی سنانه امکی پمیچ
ستعس گاسته بوتت چه ایکی تن تتی گول تن سکال
اونگته وتعه سته سبب بیسته ای.

افغانستان اسلامی امارت پارستع دی ایموسته گول وعیں
اینه بگانه لسته که برن کارکره یسته ای کی! گول سته
ښنگریک بگانه لسته که کودیوم کوله ښه یی کعس تی
یاوه کنجیک تسته بگانه منچان تعس شتان کعسه سوره
اینه بگانه منچی اوجوپچوچه گول تن اوبجیک اینه بگانه
لسته که شنگان سته بیسته ای. لسته اینه بولا کی!
گولسته ښنگریک بگانه چه ایموسته گول سته پلته امون
اسه لسته که ښنگریک بگانه ارنگن ابل کتی گول سته
اوریا سوره گولسته ښنگریک اچاک دی لسته که سکال
کوسته بگانه ابل کتی یاسته ایمانی بتات لسته که
پمیوک گاتی گولسته اوه وارسوره گول سته اوریا تن
پارگاسته سوره اچاک دی چوع پنورن سته اوبجیک تن
لسته که له یی وارسته کودیوم پمیوک گاسته بگانه ابل
کتی کودیوم کومون ایکی کودیوم تن ایموکس له یی
واراسه.

ماخذ: ۱- سوره البقره آیه ۲۲۲

۲ سوره المدثر از ۱۱ الی ۴

۳ اصحاب السنن الاربعه



بهار ته خه وخت سرسود

سرمحقق خير محمد خيدري

مطلب شغفانې

قديم آريايي يېن اند حمل (فروردين) مېست، بيواس حرمتدارت پاك مېستېن فڅ . يد حرمتداري، دى جهت فڅج ادى ، آريايي يېن اند يد فكر فڅج ادي ، وخت ، زمون ات زماذ نوات تازه ست حمل مېست سرستاو قتيير شروع سؤد . درى ، فارسى ، عربى ات دگه زفېن تى نقشچېنېن څه ، جهون پېذايېنېن حمل مېستند قبول چؤرچ .

ابو ريحان البيرونى التفهيم كتابند، دم مېست بارأ ندى دسگه يئچ : ((... نخستين روز است از فروردين ماه (حمل) ازين جهت نوروز نام کردند؛ زیرا که پيشانى سال نواست . آنچه از پس اوست ، از اين پنج روز همه جشن هاست وششم فروردين ماه را بزرگ دارند . زیرا که خسروان بدان پنج پنج روز حق هاى حشم وگروهان بگزارند وحاجت ها رواکردندى. آنگاه بدین روز ششم خلوت کردند.)) (۱)

اكدي رقم خديرايؤم مس اقدم مېست اولند برابر سذج ات سؤد . خدير ايؤم بارأندى يېن هرتأمت هرچيز لپ لوڅج ات نقشچ . تازأ ات نو گأپ دى بارأندى ذېدا وقين، اته كوچسام څرئون اند ته دى ايؤم ياجشن څرأنگ انجېن.څرئون اندته ذواره مېث پېنېن اس خديرا يؤم مردم درد تياري انجيفد . درد ته چيزات څرأنگ تياري انجؤ فڅ سؤد؟ ذومېث پېنېن اس خديرايؤم (۲۸حوت) سآركث فكت مردم انديزد ، خو عبادت ته كنبېن . عبادتېن دى چؤد دذ ته مردينا پى كڅار ياڅ پذينت ات كڅاى. ته دېك لآكېست خو، يى خراك ته پيڅېن . دم خراك نوم "kōčī". كاچى دى پېخت ، كڅاى ته وم ارجاگه يېن بېنچيرت خو ، دستار خون تى ته لآكېست. بعد ته فكت دستار خون گرگنؤشأ نئېن . دذ فكت ته تر چيد كتنك نفؤرېن تايو كاچى ((kōčī)) خيد دعا كنبت . كتنك خيداو دعايى دى چؤد، فكت چيد جمعت ته بسم الله كنبېن خو، خيداوته سر كنبېن . چيد جمعت دى دم كاچى خيد تمؤم چؤد . چيد كته كڅاى ته يگه خراك ادي خديرايؤم اند څرئون مردم وى جؤر څه كنبت ، ورد ته مخبر كنبت، دى خراك نوم ((qamāč)) قماچ .

خاب ، يدېت قماچ بار ائدى گأپ ذأذأم ات چسام ادي ، بعد از كاچى خيداوته مردم چير كنبت. چيد جمعتېنېن دى كاچى خؤد ، تمؤمى فرش ات طرف ات هر چيز څه فېد ، فكت ته زوبېنېن . اگه خير فد ، لېف ، تؤشك ، پلېس ، نمد ، سترنجى ، گلم ات ... ته ترخير كنبېن تا خير وېف ذيد ، وېف مكرؤب ميرت . اگه خيرنه فد ، يست ادي ابر فېد يا دنياوخ فېد ، چيد خس خارته دهليز تى ياهر محلاً بېكار څه فېد ، يمند ته لآكېن .

چيد كا چا رېن دى زواست ، دذته يى نفر يادو نفر ، در پاك چيدى سېن . دى چيد ته فديرم قتيير پاك پاكېكه زدېن . بايد لو فڅ سؤد ادي ، ذورقم فديرم زديداو ارد به كار، ييو سوارأ فديرم ات ييو پياذأ . سوار أ فديرم ، يا فديرم ادي ، وم ارد ته يگه دستأ مس كنبېن ، تا دراز دى سؤد ، ادي پى وؤوم فرايت زديداوند ات پياذأ فديرم قتي ته تكاف تكاف، كڅارېن ، نېڅك ، بارنېڅ ، فارېڅ نېڅ ، چالْكېن ات پايگا زدېن . چيد دى زدؤج ست ، اك يد نفرادې،دى يى څه زدؤد، دى دؤدأ ، بجين ات دېف فديرمېن ته اس چيداند زوبېد ، اس چيد ته ذر يېست خو ، دذ ته دېف پتېود . يد آدم ادي دى وختند، دى دؤدأ څه زوبېد ، دى پى پيڅ بايد اچأى. ما ذيد (۲). مردمند يد فكت باور ادي ، يد ذ د ات تېرى څوند مېستند رېذ جن څه فد ، يدىي بلا جناو. اگه اچأى دى آدم پى پيڅ څه ذيد

بیمار سوڊ . يد مرحله يدې چيد فرش ات ظرف زوبډېن ، چدير زډېن ، بوډن وي ډېن ، دوباراً دډېن ترم ، اكدی مېث ته چدير ډېد لوښېن .

يد آدم ادې چيدی پاک څه چؤد ، يد ته خودأم ذيدات يکه دأم ذاذجن آدم ته بوډن ذيد . بوډن " bŪn " ډېد چيز؟ بوډن ډېد يو کار ادې ، وختا چيد زدؤچ ست ، يکه دأم آت آدم ته يارچ زېزد ، تاج ادې پېښ اس پېښی وم گل مغؤند جوړڅه چؤرچ ، وم ته دی بوډن (يارچ) اند ذيدات اس کڅار دېوال تانېڅېن دېوال ات بچکړيچ ات پنېڅېن ته يی قطاری يا ذوقطاری گل کاری کښت يا پکال ته قسمی جوړکښت ادې ، اريارچ وم څه ذيد ات دېوال تی څه ذيد ، يد دم جا بيچ موډن پأرک جناودښېست .

خی چديرا ت بوډن ډېد دی خلاص ست ، اول ته چيد کتنک مذ ست تازاً وېد خېښچک ات دېذتته ترچيد . تر چيد دی دېد ، لو څد ته : شاگوډن بهار مبارک . هر تأم چيداند څه ، دم مينک ات دی سيقد تی ته دؤندک يارچ پتېودات دی جوابند ته لو څد: برروی شما مبارک ات دی رقم ته دکه چيد جمع دېډېن ات لو څېن ته : شاگوډن بهار مبارک ات وېږ جواب ته برروی شما مبارک جمله قتير ډېن . اکد تاج ادې چيد کتنک سرپرادم قتی ترچيد څه دېذد ، دم ته قسمی جوړ کښت ادی ، يد بايد مښ مغؤند دښېست . اکدؤند جهت دم نوډ مينک "maxak"

بعداس دی ادې فکښېن دېد ترچيد ، کته کڅای بعد اس کاچی خيد خمېری څه چؤد ، وی یی ار کڅار ياشند څه ذاد ، وی ات دکه سادأگردأ يېن ته برښ کښېن خو ، دذته چای قتير وی مزار زانېت کښېن ات چدير ډېد ته اكدی رقم تی نرچيست. ذيوډن مېث بعد اس چدير ډېد ، يکه رسم ات رواج څر نوډن مردمند . يد رسم ته دشيد نښتيد نوډتی ياد سوڊ . يد څرأنگ رسم ات دندی ته چير کښېن ؟يد دس رسم ادې دم مېث ته هرنا حيه مردم جمع سوڊ خو، دذ ته خوبين ارد خشی ات قصاً کښېن . مردم ته هر چيز څه څأ رډېد خوچد پښد ته پيکد خو ، یی دشيد يايی با غند ته يکجا سأوېن ، هر چيزېن څه پېچ وی ته څېن . بعد اس دی يدې خراکېن څؤد ، ملا ته پېښ اس دستار څون جمع چيد دعا کښت .ملادعا کښت : وی مردم ، ځلک ات غلأ ، پيرات جووډن ، مردينأ ات کڅای آروم ات آسايښ څيېن ات دعا کښت ادی ماش خذای آروم ات آسوډه ډېرت ، ډېدات وکد خذای از ماش ملکند بنېست.

مردم ته بعد اس گردأ دعا هرتأم خوهم سن ات سال قتير نقل ات رفاقت کښت. دشيد نښتيداند وی هدف يدادې ، الأڅېن زمستون قين مېستېنند يکدگر څه نه وينچ ، اس يکد گر حال باخبر سېن ات دؤستی ات محبت ،څراداری وېږ بين ارد زيات سوڊ، اگه اچای باهم خفاً فنج آنښتی کښېن . اس دشيدېن مردم دی تايد تر خو چډېن ، دی څپگاره يی رسمی دکه ادې وی نوډم کلا غزغز .

کلا غز غز چيزات يو څرأنگ ؟ مردم دی اس دشيد نښتيد ترخو چډېن يت ، یی نفر اس ځلکېن ياجووډنېن ته یی تيت يايی تکه زېزد ، سفينت ته بی دشيد ، يادذته تر روژ ، تر روژ دی يت دی تيت يا هر چيز گه دی جه څه څېد ار روژ ته کښلأ وی کښت ات لو څد ته : شاگوډن بهار مبارک . اس چيد ند ته وی جواب برروی شما مبارک جمله قتير پر جيڅېن . بعد از دی ته مېږ شعرېن لو څد :

روژ دهقان است وعالم سبزه زار	زنگ دل رامی برد بوی بهار
ای پدر برخیز چیزی ده به ما	تاتورا رحمت کند پروردگار
با جک بیار کرکر کنیم	تاقین بیار بر سر کنم
روغن بیار ژر ژر کنیم	کالای نو در بر کنیم

شاگوډن بهار مبارک (۳)

شاگوډن بهار مبارک

کلا غز غز گأردی دم شعر لوډ ، قرار ته کښت خو،منتظر دی يدې، پېښېڅېن وی، دذته چيد کتنک پېښت وی : ارا، اڅراد ، يا اېڅ يا اخبر! توتته چيز طلأبی . ورد دی هر چيز بکار څد، يوته لوڅد ، دذته وردنی . نه لوڅېن . بعد اس دی يدې وردېن وعده ذاد ، اس چيد اند ته برښ يا ترمخ يا با جکېن يا... وی تيت نوکند گری کښېن خو ، يوته تاژ دوی تيت پي خو څېز . بعد از کلا غز دم شأب رسم دکه يد ادې باج ته پيڅېن .

باچ چیزات وی ته ژرأنگ پیگهن؟ چند رۇز پېښ ته باچېچ ژندم خب بشنأند . پا کهن ، بعد ته وی یا خارچند ات یا سپدی دلیاً (دلده) کنهن . باچهن دی در پېخت ست ، دم دلیاً ته پتېوېن اردېک . پی دم دېک ته یاخ پښنهن . مرد مند یگه رسم ید ادی با چهن دی ار دیک پتېود تا یو وۇرف نه دېد ، گأپ ته نه دهن . دی گأپ نه دېد ته کهن ات پرېز لوښن . بعضی روا چېنهن اس قدیم آریایی مردم پی خر نون مردم ربذج . ییواس دېف اکد باچ پېختند . گأپ نه دېداو یا کهن ات پرېز (پرهیز)

یگه گأپ ید ادې ، دېک اند څثار غوړ یچ . هر تآم باچ اردېک څه پتېود ، دېف دېک غوړ یچهن ته ننېو نی کنبت . پی غوړ یچ ته شمال ، ییو جنوب ، ییو شرق ات یگه ته غرب نوم دېد ، دداس هر طرف دی دېک وۇرف داد ، لوښن ته سپری یا گبنه کی ، پاتینا گردنېی یا پی چیزگه گأپ ته سوډ . مثال اگه اس شمال طرف وۇرف دېد، لوښن ته : سپر بنشی ته سوډ ، اگه اس شرق طرف اول وۇرف داد لوښن: کنبت، کارات زنده کی ته بشأ ند سوډ. اگه فکه جا یکبارث وۇرف داد، لوښن: پاتینا گردنېی ته سوډ ات اگه اس غرب طرف وۇرف داد مردم اند ید باوری یدې ، تنگدستی ات گبنه کی ته ملک ارد سوډ .

لوښ باید سوډ ، ادې اکدی وختند دېک وۇرف څه دېد ، چید کتنک کخای ته کڅار طرف دېوال تی یارچ قتی خو غلأ انگنبت قتیر خال نېذد، گویا دأد خالېنهن مال (قز نېچ ، منېچ، ات نخچیرهن) . ید کارمس اس قدیم آریایی یهن مردم پی خر نونېنهن ربذج، ادې وادېن مس مال دار څخ. باچ دی گوښت، پیلچک ات کیل ات قیچ قتیر الأف ویرشد ، دذ ته ار باچ کزأ وی بنچهن خو، ربیپن ته یاخ درون وی ارکڅار. یاخ ته پی کزأندی ښپ دهن خو، یوته سارکی یېخ آستأ آستأ وارشد. ید گوښت دی درون څه، اس ویرقدوته وۇرې وۇرې گأرد.

دی سارکی ، یعنی خدیرا یوم جشن سارکی چید جمعتهن اند ځهن ، خوطاعت ات عبادت ته کنهن ، بعد از دی ته چید کتنک کزأ اس گڅارارد زوبذد، اردېک ته وی خالی کنبت، ار جاگه یهن ته هر چرذت لآکهن، بعدی دی ته چید کتنک پېښ اس باچ خیداویی کت دعا کنبت خو، چید جمعته ته بسم الله کنهن خو ، خیداوته سرکنهن .

ید مېث اولی خدیرا یوم جشن. مردم دی باچ خۇد، هرتآم ته تر هرطرف تیزدسلوم. دم مېث، یعنی حمل یکم اند ته سلوم سلوم مېث لوښن. چید جمعته ته هرتآم برېښ یایی چیز خو قتیر زېذخو، تیزدته یاتر خوځېښ قوم یا همسایه گون یا کتنکهن خېز سلوم ات فکت مردم ته هرتآم تر هرجا سوډ. اکدی جهت ید مېث ، یعنی ییوم خدیرا یوم بنوم سلوم سلوم مېث یاذ سوډ (۴). خاب ماش ته اس خدیرا یوم چیز یاذ کتآم؟

بعد از خدیرایوم ته زما دارد فک چیز نو سوډ. یدېت ماش مس طبیعت ات زما ذ جناو رۇحانی تغیرات درخو قأرأم . خودلېن از کینه ات کدورت، دروغ ات فرېب، حسدات بغض، اس فکت نا شایسته کارېن پاکأم . یکدگر قتیر قرادأر ات یخنهن جناو زنده کی کتآم. اس خدای طللأبأم، ماش وطن آروم سوډ، آساینبی، آرومی ات امنیت یاذد، تا ماش ملک آباد سوډ .

منابع :

۱- دکتر جواد برومند سعید. نوروز جمشید. تهران: انتشارات توس تهران، ۱۳۷۷، ص ۳.

۲- روایات مردمی

۳- اکادمیسین دکتر عبدالاحمد جاوید. نوروز خوش آئین . کابل : ۱۳۸۴ . ص ۷۶.

۴ - قصه های شفاهی مردم.

چپ و چہار گردی ساتن

ہر ہموطنی ذمہ واری انت

زحمت ہم بالابندی و پشت پناہی بیت آوان گیشتر شوق مند بین تان کشت و کشار گیشتر کنت و آوان وتی جندی محصولات کہ مردم بہ آی اہر دارند آیرا کشت بکنت

بزرگ ہم وتی جندی اہر و ضرورتا بہ دست آرگ بیت و مردم ہم کشہ وتی وطنی جندی محصولاتا وند و بہر زوریت و شال بیت

بری روچان کہ اور و باران باز گواریت اللہ مہربان انت کہ امبرانین سال باز پر برکت و سرسبزی سال بہ اوگانستانی مچین استمان بیت

عزیزین ہموطنان امی اصلی مقصد چپ و چہار گردی واسطانت دیگہ شما باید انت وطنی آبادی و دیمری واسطہ ہمکاری کنت اگر اما انون اوگانستانا ہنچون گندنت ایش امی وطنی دیمی نسلانی ہما زحمت و کوشست ات کہ وتی وطن اوگانستانا سربرز و آباد کرتگنت شما ہم توانیت کہ گیشتر جہد کنیت

تان امی وطن اوگانستان شہ ای گیشتر دیمری بکنت وتی ہما آشغال و فاسد بوتگین چیزان بہ ہر کروگوری مہ پرینیت پرچی کہ امی چپ و چہار گرد گیشتر آلودک و ناپاکہ بیت

امید پہ ایشی دارن کہ اوگانستان چون دگہ ملکان دیمری بکنت و امی استمان بہ یک سرسبزی و پاکین جاوری وتی زندگیا بہ دیہا ہرن.

انون کہ بہاری موسومی سری فصل انت اما باید انت بہ ای موسم جہد و کوشیست بکنت تان بہ وطنی سرسبزی واسطایک نہال را نادینت تان ای نہال بہ ایوکا سرسبزی بیت و امی وطن اوگانستان شہ گیشتر سرسبزی بیت عزیزین ہموطنان اگن مروچی من و تہ بہ وتی وطنی سرسبزی واسطای جہد و کوشیست کہ کنت کسی دیگرگی بہ امی وطنی خاطر کمک نہ کنت پرچی کہ امی انت و من و تہ بہ ای وطن زندگی کنت شہ آی آب و ہاکا وند بہر زورنت دگہ باید انت پہ آی دیمری و سرسبزی ہم من و تہ وتی سرینا بندنت امی وطن اوگانستان بازیں و ہدہ بہ جنگ آچا سوچتگیت دگہ انون بہ آی آبادی و دیمریا اہر و ضرورت داریت ہر اوگان کہ ای وطن تہا زندگی اکنت ذمہ واری داریت کہ بہ وطن و چپ و چہار گردی پاکی و صفایی واسطای جہد کنت.

امی وطن اوگانستان شریں آپ و ہوای داریت اما باید انت پہ کشت و کشار واسطای جاور بریبر بکننت تان شہر رازی ورگین چیزان کہ شہ دنی ملکان ببازیں بہای امی وطن کارنت آی دیہا بگرننت و وتی وطنی جندی پیداوار ہر رازی کہ بیت آیرا بکار گرن تان امی اقتصادی جاور گہتر بیت و امی بزرگانی ہما چیزگی را کہ بباز خواری و زحمت آیرا کشت کرتگن پہ آوان ہم چیزگی بیت

اما باید گون وتی بزرگان کہ بہ سارتین ہوا و گرمین ہوا خواری و زحمت کشن و بہ یک حلالین لونکہ نان ودی کنگا جہد کنت دست کمک و ہمکاری کنت تان آوانی

روجو مغفرت تي رحمت کو چن اء

نوراغا خليلي

مطلب گجری



مسلمان جهان کان ته تبریک کوم اے انتی ارزو درهم چی اتیر کو چن ایک فضا امن انتی ارامی کامه سر ته اپرجاے، انتی مهاره دیس افغانستان که متدین لوک کرسکلیاے ایس مبارک چن مه عباداتاں نه چنگه شکل پو سر ته اپرالیایے تی یو مبارک چن هبه مسلماناں تی خصوص افغانستان که غیرت مند تی مسلمان لوک تی باج گتھ که لین تے این نه چل جاے. کیوزن چی تم هباں ته معلوم اے چی ان روجه کومبارک چن چی هم تم پیل که دیں روجه که چن کامه قراردرهاں وان نوباید هم کوشش کرلیاں چی یومبارک چن همتی این نه چل جاے تی هم تم ایس چن مه عبادت الله جل جلاله کینه کرلیاں. کیوزن چی الله متعال کا احکام نفع انتے حکمت تے خالی نیں. بلکه الله کوهرحکم موچاں حکمتاں تے بهریواے. لله جل جلاله کو ایکو حکم روجه که مبارک چن مه روجه کو رکھن اے. چی اس چن کو روجو مسلماناں پوفرض اے یوچن تے اس که روجه موج فضلیت تے مرتبو درهای - حدیث مه آی الله جل جلاله کیای الصوم لی وانا

هباں تی پیله تم هباں مسلمان لوکان ته ایس مبارک چن کا آن نه امرکهی دیم اے، انتی امید درهم اے چی الله متعال هم تم هباں توفیق چادیاے چی ایس مبارک چن تی اپنی اخر کابستی گتھو لچھلیاں. اتیر روجه کو مبارک اوس وخت مه آیواے چی مهاره بهای بین غزه مه صهونیستی رژیم اسرائیل کا بمباراں کی هیٹ رات نابرو کرے، نوییله هبه اون بهایاں اپناں کی کامیابی کابستی دعا کراں گا چی اپنی جن تی اپنه لوک کابستی تی هباں مسلماناں کابستی صهونیستی رژیم کا مقابل کهره جهاد کرے، الله متعال اوناں کامیابی تی برو نصیب کریوں.

روجه کو مبارک چن رحمت کو تے مغفرت کو چن اے انتی یو چن وه چن اے چی ایس چن مه غنی فقیر کا احوال تے خبر هوی. انتی هر مسلمان آدمی ایس چن مه کوشش کرے چی اپنه بهای مسلمان کا ژیت کا حالات تے خبر هوجاے انتی اوس ناری کمک تے همکاری کرلیاے. نوایس رومه مهی بهی هباں تے پیله روجه که مبارک چن کا آن نه تم هبه

اجزی به روجو میرا بستے اے تے هوں ثواب تے
اجردیم.

ایس چن مه جی کون بهی آیکه نفلی عمل نه انجام
دیای ایس نه الله فرض که ثواب تے اجر نه دیای
تے کون جی فرض عمل نه انجام دیای ایس نه الله
(۷۰) ده تے ترواں بین فرضاں کا ثواب نه دیای
(حدیث) روجه کوچن ووه بزرگ تے عظیم چن
اے جی اس مه دوزخ که دروازه بدے جای تے
جنتان کا دروازه کهولے تے سرکش شیطان زنجیر
مه بدے جای. حدیث - شریف

یوچن ایکه چنگی فرصت جی مومن اطاعت تے
عمل که واسطه یو جن نه الله ته نیرے کرے ، ا
نتے لنگیا گناهاں تے توبه کرلیای تے اپه الله ناره
عهدتے وعدو کرین جی هور گناه کومرتکب نیں
هوتو.

رسول الله صلی علیه وسلم فرمای: کون جی اس
چن که روجه نه ثواب کی امید تے ایمان داری
پورکهلیای الله جل جلاله ایس لنگیاں گناه نه
بخیس یوچن الله جل جلاله نی محمد صلی علیه
وسلم کی امت نه دیتوای تاچی ایس چن مه
عبادت نه کرلیای. روجه کوچن رحمت کوتے
مغفرت یا بخشین کوتے دوزخ تے نجات لین کوتے
مومناں نارے همدردی یعنی همت دین تے مواسات
کوچن اے .

روجه کوچن خالق ته مخلوق کواپرن کوپرو
ذریعوای. مخلوق موی زیات زحمت تے کوشش
کریں جی اپه خالق ته نیک عمل که کرن پوچن نه
اپرالیای اے. کون جی اس چن که روجه نه کماحقه

شرایطان تے ارکان تے آداب تے مستحباتاں که
رعایت نارپرکهلیای نو دنیوی تے روحی تے
معنوی، فردی تے اجتماعی فایده هاں تے برخوردار
وهے.

نواں علم طب تے ثابت کیوای. جی ایس چن که
روجه رکهن پو روجه دار موچاں امراض تے شفا
لبے تے روجو موچاں مرضاں تے وقایه اے.
اس چن که روجه رکهن پوانسان روحی تے معنوی
مرضان جوړ هوکے تے ایس کو دل نرم وهے.
عبادت کی لذت تے میتھیں پو آگاه هوی.

ایس که دل مه آخر که بستے گنتاں کوشوق زیات
هوی. تے اپه رب ته نیرے هون که راه نه دھونڈے.
ایکے روایت مه آی: کون جی الله کی مخلوق
پورحم نیں کرتو روجو ایس طاعت جی انسان نه
مخلوق کی او پورحم ته تیار کرے، تے عنیان تے
مالداراں نه زکات دین ته تیار کرے گواں دیا نه
چنگا بسن ته تیار کرے کیم جی ایکو مالدار
گواندی جی روجو رکھی ووه بهوک تے تیس که
درد نه احساس کرکے فقر تے تنگدستی تے خبر
هوی. ایس صورت مه فقیران تے بهوکاں که حال
رحم کرکے کوچ نه کوچ اپه مار تے فقیراں پو صدقه
کرے. غنی تے مالدار گواندی بهوکه تے
فقیر گواندی تے خبر هوی. تے نیک گواند که
اساس پوایس نارے هت دیای.

اون کہاں که نتیجو مؤمن که بستے الله جل جلاله
کو تقرب اے اپه رب ذوالجلال نه نیرے هون اے ،
تے بشر که جامعه کو صلاح تے کامیابی اے نو هم
مسلمان اس عظیم نعمت که شکرانه نه اداء کراں

تے ایس نہ هباں شرايطان تے ارکاناں تے اداہاں ناڀر
انجام دیاں تے الله جل جلاله که چلایا قانون تے
رسول الله کی مبارک سنت کی مطابق حرکت کراں
تے جهان که ضعیف مسلماناں که بستے دوعا کراں
تاجی مهارو سونو اسلام دشمن پو غالب هوجای.
آخیرمه کوجاں مهم ٲکاں ته اشاره کروں اے.

الف: روجه کی حکمت: روجه ایکه جسمی یا بدنی
عبادت اے جی انسان الله جل جلاله ته نیرے هون
کی نیت پوهبه اون شیاں تے اسان که عاریو چیتو
هون تے تا نو اسان تا کون روجه کراں اے. روجه
حقیقت مه جسم که اندر کی ژیت نه جوڀرے. روجه
ووه جی ایس کی حقیقت معلوم هوی حقیقی روجه
ووه جی جسمی ته روحانی اصلاح درهای لیای
روح نه پاک تے تقویت کرے نفس آرام جسم نه
سالم کرے لیای تا انسان که عزم تے اراده نه برابر
تے صبر نه زیات کرچهای.

ایس وزن واضح تے ڀاک حکمت روجه کی دوستی
اے. تاجی انسان بی نواں تے جهڀیاں تے محتاجاں،
یتیاں تے بوکهاں که فکرمه هوی تے اڀه توان کی
مطابق اون کی مشکل که حل کابستی کوشش
کرے.

ب- روجه که فایده: شارع حکیم نه هر عبادت
مه اڀه بنداں که بستے مصلحت نظر مه لڀے جی
مکلف انسان ایس فرمان نه منڀ سمیت موج فایده
بهی لیای مختصر فایداں ته اشاره.

الف: روجه شکر کرن کو وسیلو اے کیم جی جن
رکھن دنیا کی توراں مهم لذت بخش نعمتان تی

اون نعمتان کی قدر تے ارزش پو بوجے تے نعمت
بخسناں که شکر نه ادا کرے.

ب: روجه جن رکھن تے پرهیز گاری کو سببے اے
کیم جی انسان الله جل جلاله کی رضا که بستے
که عذاب تے ڀرتے عبادت الله جل جلاله کیمه
جن نه مصروف کرے.

ج: روجه نفس پو غلبه تے شهوت که گھتان کو سبب
اے. د: روجه فقیراں تے بوکهاں نارھت دین کو چن
اے. انتی یہ گل هم یاد کرن ته اے جی روجه کو
رکھن روجه که مبارک چن مه هبه مسلمان لوکاں پو
وی لوک جی عاقل تی بالغ هوی انتی مسافر تی
مریض نه هوی نو اونان پو روجه کو رکھن فرض
اے انتی باید جی ایس برے فریضه نه رکھلیای.
نومحترمو چهوتی گل یای جی روجه ایکی بره
ارکان اسلام کاں تی انتی هر مسلمان پو لازم اے
جی روجه که چن مه روجه نه رکھلیای انتی
کوشش کرلیای جی پو چن کون تی ایس نه چل
جای انتی ایس چن مه عبادت الله متعال کیمه
هوره وختاں تی زیاد کرلیای ایس خاطر پو جی پو
چن رحمت کوتی مغفرت کو چن اے انتی ایس
چن مه شیطان بدی جای تاجی مسلمان لوک ایس
چن مه چنگه شکل پو عبادت الله متعال کیمه
کرلیای.. محترمو چهوتی گل یای جی روجه کو
چن ایک مبارک چناں تی انتی پو چن وه چن اے
جی ایس مسلمان لوک اڀنه صدقات تی خیراتاں نه
زیاد کرے انتی هم ایس چن مه عبادت کرن
مسلماناں مه زیاد هوی. نو مهم گل جی ایت یاد
کرن ته لازم اے وه یای جی شکر هم تم مسلمان

اے انتی هبیس باید کوشش کرلیاں چي یو چن باج گتته تی هم تی نه چل جائے. روجه چن کیوزن جی معلوم صدقاتاں کو چن نو پکاراے جی زکات کا باره مه هم ایت تهورو اگلو بحث کرلیم. زکات هم ایک اون برے پنجه بنا اسلام کان تے اے چي اوس کا باره مه موچاں آیات قرآن کیاں مه تی موچاں احادیث پیامبر صلی الله علیه وسلم کیاں مه اوس کا باره مه تاکید هوءے. انتی کیوزن چي تم هباں ته معلوم اے چي نواج تی زکات دو عبادت اے چي همیش اونان کا باره مه موج تاکید هوءے ایس. اسپو چي نواج عباداتاں مه بدنی عبادت تی گینی جائے تی، زکات مالی عبادت تی گینی جائے. نو اس رومه اگر هم دقیق توجه کرلیاں نو دیکھاں چي شرعی وجائب دواں قسماں پو تقسیم هویه این: ایکو حقوق الله تی دوجو حقوق العباد اے چي نواج حقوق الله چي هر انسان اوس کا ادا کرن کابستی مکلف اے انتے دوجو حقوق العباد اے چي انسان حقوق العباد کا پوره کرن کابستی هم مکلف اے. نو اس رومه تم ته مقام تی منزلت زکات کا نه لیکهوں اے. چي زکات تریمو پرو رکن دین مقدس اسلام کواے: چي اسلام مه کاڊ نواج تی زکات قرار دهرائے، کیوزن چي الله متعال نی قرآن کریم مه کاڊ ایان تی ته نواج تی زکات کو ذکر کیوائے، نو اس گل تی هم تم معلوم کراں چي کاڊ نواج تی تریمو رکن دین مقدس اسلام کو زکات اے، انتے یہ گل پیامبر صلی الله علیه وسلم نی ایکی حدیث مه هم ذکر کی اے: چي

خضرت عبدالله بن عباس رضي الله عنه تی رویت اے چي پیامبر صلی الله علیه وسلم نی اوس وخت مه چي حضرت معاذ نه یمن کاڊهاته چلاے تهونو حضرت معاذ ته وصیت کے تی کیو چي: (تو اون لوکان ته چلی چي وی لوک اهل کتاب اے، نو توهباں تی آگی او ناں نه دعوت اس گل کاڊهاته کاچي نیں کویں معبود برحق باج الله متعال تے، انتے محمد چلیو الله کاڊهاتی اے. نو هروخت مه چي یہ گل قبول کرلیں نوکو او ناں ته چي پروردگاری هرایکی رات مه تی دیهارے مه پنج وقت نواج فرض کی اے. نو اوس وخت مه چي تیرے یی گل من لینو، او ناں ته مهیں کون چي پروردگار نی زکات هم فرض کی اے، چي مار دار لوکان تی لییه جائے تی فقیران پو بندیے جائے. مهیں چي تنتے اطاعت کرلیں نو، نولین مار زکات کان که وخت بهترین مار اونان کا نه نه لی یہ، انتے مندے دعا مظلوم کیاں تی جن نه رکھیں، اسپو چي اوس کا بیچ ماتی الله کا بیچ کیں حائل پردونیں) نویه تهی وه حدیث چي حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم نی اوس وخت مه چي معاذ بن جبل یمن ته چلیونو اگته نصیحت کی. نو هون باید زکات کا معنی پو بوجاں وان چي زکات کی معنو دهرائے: زکات لغت مه پاک کرن کامعنی پو آپی، انتے اصطلاح فقه کان مه زکات عبارت اوس مارتی اے چي هروه مسلمان چي صاحب نصاب کو هوءے، نو نصاب کو اندازو شریعت نی مقرر کیوائے نو اون لوکان پو

چي زڪات ڪا مستحق اے دييه ڄاے. نوحقيقت
 دين زڪات ڪو اس معنيٰ پو اے چي اوس وخت
 مه چي انسان صاحب نصاب هوءَ اس زڪات
 ڪا دين پو اوس ڪو دل خوش هوءَ تي رضائيت
 پرور دگار ڪينه هت ته آئي. نو شريعت اسلامي
 ني صرف انسان ايڪي زڪات ڪا دين پو منحصر
 ني ڪيو بلڪه انسان ڪر سڪي هروخت مه صدقه
 ڪر لي ڪيون چي ايڪي حديث مه حضرت انس
 رض الله عنه تي رويت اے چي ايڪو آدمي
 رسول الله صلي الله عليه وسلم ڪا حضور ته
 ايوتی ڪيو چي ڪوشي منه دے: نو رسول الله
 صلي الله عليه وسلم اوس وخت مه موچ بڪري
 درهائے تهو چي دواں ڊهاڪاں ڪا بيچ مه ڪهرے
 تهے نو پيامبر صلي الله عليه وسلم ني هيں
 اوس سائل ته بخش چهي. نو اوس وخت مه
 چي وه آدمي اپنه قوم ڪون ته گيونو گيو چي:
 (اي لوڪون مسلمان هوجاں وون! اسپو چي
 محمد صلي الله عليه وسلم اتنو بخسي چي
 ناداري ڪا ڊهاتي هڊو ڊرين دهراتو. ڪشف
 المحجوب) دوچي رومه حضرت عايشه صدقه
 رضی الله عنھاتي رويت اے چي ڪيس چي: ايڪه
 بڪري همني ڪوين اتنے ڪاڊ ڪون تي پيامبر صلي
 الله عليه وسلم ني تشریف آيو تي ڪيو چي ايا
 ڪوشي ريو اے.

همني ڪيو چي ايڪه پهر بهيد ڪي ري اے. نو
 پيامبر صلي الله عليه وسلم ني ڪيو چي اس رقم
 نيں بلڪه هور هبه باقي اے تي ايڪه پهر موڪي
 اے. اس وزن ايڪي دوچي حديث مه حضرت
 اسماء بنت ابوبڪر رضی الله عنه تي رويت اے
 چي پيامبر صلي الله عليه وسلم ني ڪيو چي:
 (توڪل الله متعال پو ڪرڪي اتنے اوس ڪا راه پو
 نفقه ڪرون، اتنے اپني جن نه جنجال مه نه
 گھليون، اسپو چي هر اندازہ پو چي تم الله
 متعال ڪا راه مه نفقه ڪر ليں نو الله متعال هم
 اوس اندازہ پوتم نه اپني نعمتاں تي بهره مند
 ڪرے، اتنے اپنه ماڙنه سختي پوتی جن رکھن
 پونه رکھون، اسپو چي الله متعال هم تهاري
 ناري اس رقم معاملہ مهيس ڪريں). اتنے مهيس
 تم نه موچ دولت نيں ديتو نو اس خاطر پو اپني
 همت نه اوچي نپ ڪيتي فراخ هت پو الله ڪا راه
 پو مصرف ڪرون.) نو محترمو چھوتي گل يايے
 چي زڪات ايڪ مههم ارڪان دين مقدس اسلام
 ڪاتي اتني ڪوشش هوجاے چي يه فريضة ڪيس
 پو چي فرض هوءَ اوس نه بايد انجام چاڊياے
 تاچي اوس برے اخروي مسوليت تے گر اوس
 ڪو چھورڪ ڄاے.
 زحيلي، ڊڪٽر وهبتہ. فقه الاسلام وادلتہ، تهران:
 چاپخانه مهارت

ملا دولت گلدی فدایی نینگ افغانستاندا دیرچیپیلیگی و دؤره دیجیلیگی (زندگی و ایجادیات ملا دولت گلدی فدایی در افغانستان)

غیسفألمته (چکیده)

دنیا یۆزۆنده اهلی ذات لار اۆزبۆلوشلی آیراتین لیک لاری بیلن تفاوت لانیور. ادل دیل و ادبیات علمی یالی. هر بیر ملتینگ دیلی، مدنیتی، تاریخی، فرهنگ و کلتوری شۆل ملتینگ باغرینده اکلەنیب اۆلانیور، دؤیغۆلی و احساسلی فرزند لری نینگ دؤرمەن ملی قهرمان لیکلاری، ادبی و تاریخی اثرلری، شۆل خلقینگ مدنیتی و نامەلېگېنی آییق لایور.

بۆیسانچ بیلن، آیدیب بېلیوریس که، مدنیتی تورکمن خلق نینگ آراسینده هم جهانینگ باشغه خلقلاری یالی بییک و شهراتلی شاعرلار، یازیجیلار و ملی قهرمانلار بار بۆلۆپ، دنیانینگ اۆلی، شخصیتلی و مدنیتی انسان لاری بیلن غابات گلک بۆلیور. بیزلر بۆگۆن شۆل بیک انسان لارینگ دؤره دیب گیدن ادبی و فرهنگ اثرلرینی هوس بیلن اۇقاب غۇانچ و بۆیسانچ بیلن یادلاماقلیغی اۆز لری میزه بۇرچ بیلوریس. اگر بیزلر بای فرهنگیمیزه و معاصر ادبیاتیمیزه گۆز آیلاب گۆرسک تورکمن ادبیات تاریخینده چیر یازیجی و شاعرلار؛ شۆل جمله دن: ملا دولت گلدی "فدایی" عبدالکریم "بهمن" عبدالمجید "توران" محمد اسماعیل "ایشان" عبدالمجید "ایشچی" مولوی حبیب الله "حقانی" خواجه نفس "مسعود" ملا آقمراد "آرام" عبدالرحیم "اوراز" شیر محمد "ینگیش" عبدالکریم "آیدینگ" عبدالخلیل "ارکین" محمد رسول "کفاش" محمد صفر نظر "امانی" حاجی قل "یۆلداش" خیرالله "چالیش مرادی" قمر "رؤیا ایشچی" و نور محمد "قۇیاش" یالی آنچمه شاعر و یازیجیلاری غۇانچ بیلن یادلاب آد توتوپ بیلوریس.

البته شۆلر یالی شاعر و یازیجیلارینگ دؤره دن اثرلری تورکمن خلقی اۇچین تۆکه نیکسیر سرمایه و آلتین خزینه بۆلۆپ، تورکمن ادبیات باغینده اۆز وقت و زمانینده سالداملی غۇشانچ لرینی غۇشۆپ دیرلار. شۆل جمله دن؛ ییللار دیر، اۆرنینی اۇچۇرمان اییز غالدیران شاعرلارینگ بیریسیده مرحوم ملا دولت گلدی فدایی دیر.

گیریش (مقدمه)

۲۰-نجی عصردا افغانستان تورکمن ادبیاتینده اۇلاقان خزینه و غۇشانغ غۇشان و افغانستان معاصر تورکمن ادبیاتینینگ اساسچیس، دانا شاعر و داستانچی ملا دولت گلدی فدایی دیر. ملا دولت گلدی فدایی هم ۲۰-نجی میلادی عصرده یاشاپ کچن داستان چی شاعر دیر. اول اۆزۆنینگ ادبی یولباشچیلیغی بیلن

تورکمن خلقی نینگ یازۆو ادبیاتینده عمله آشیران خدمتی چاکسیر دیر. اۇنېنگ نظم، نثر و نظم-نثر گۆرنۆشلی یازان: دولت گلدی فدایی و اۇنېنگ ساپلانان اثرلری، اثرلر تۇپلامی، و شجره تورکمنیه آتلی اثرلری ایل آراسیندا حاس سؤیۆلپ اۇقالپ، جودا مشهورلیق غازانیپدیر.

شاعرینگ یاشایشی، دؤرمۆشی، دؤری نینگ اجتماعی غینچیلیق لاری اۇنېنگ اۆز شعرلرینده گینگدن اۇرۇن آلیور. شیله- ده فدایی تورکمن خلقی نینگ گچمیشی، اۇنۇنگ دیلی، مدنیتی و تاریخی بیلن غیزیقلا نیپ دیر. فدایی نینگ اۇلمیز- یتیمز اثرلری نینگ اۇستی بیلن خلقی میزینگ اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حاضرکی یایغدا یینی، گچمیش دورموشینی و تۇریخینی یاقیندان اۇرنیوریس.

شۆنۇنگ اۇچین منینگ بۇل مقالە دولت گلدی فدایی نینگ افغانستاندا دیرچیپیلیگینی، مدرسه لردن آلان تعلیمینی، گۆن- گۆززان یاغدا یینی، غالی برسه- ده دؤره دیجیلیگینی، تورکمن خلقی نینگ آراسیندا تازه دن شکللندیرمک دیر.

اساسی سۆزلر (کلید واژه ها): فدایی، شاعر، شجره تورک-تورکمنیه، افغانستان.

۱- ملا دولت گلدی فدایی نینگ عمری و دؤرمۆشی

جان گلدی نینگ اۇغلی، دولت گلدی ۱۲۷۹-نجی ه ش و ۱۹۰۰-نجی میلادی ییلی نینگ اسد آییندا حاضرکی تورکمنستان نینگ لباب ولایتی، بۇردالیقدا بیر علمی اۇرتاما بای مشغالادا دنیا اینیپ دیر. شاعرینگ اۇزی شۆیله دییور:

قوم و حیلیم منینگ تورکمن آرساری

ارساری سالار دیر داغ خاندان بأری

آتا بابلاریم علمینگ سرداری

شۆل آت بیلن دنیا ایندیم یارانلار

دیپ آرساری تورکمن لریندن دیگینی آیدیب، سوادلی و علمی مشغالادا ایندیگینی تصدیق لایور. شاعرینگ آتا-بابا لاری نینگ علمی و اعتبارلی بیر کیشی دیغینی اۇنۇنگ سوادلی بۇلماغیندا اساسی رؤل اۇیناپ دیر. اۇلار یاش دولت گلدی نینگ اۇبه مکتبینه غاتناشماغینه اۇنۇس غۇبۆپ دیر. اۇنۇنگ سوادلی آدم بۇلماغی اۇچین ممکن بۇلدۇغیچا جان چکیپ دیرلر. شاعرینگ اۇقۇؤ دؤری بۇلسه اۇن یاشیندان اۇن باش یاشینه بارینچا دوام ادیب دیر.

دولت گلدی فدایی باش ییلىنگ دوامیندا دۇرلى دۇشۇنجهلى كىتابلار اۇقاپ، شۇيلهلىك بىلن زمانه سى نىنگ ايسلگ لرينه دگيشلى بىلىم لرينگ اساسلارنى اۇرهنيپ دىر. اساسا اول وقتلارده اۇقۇۇ دوزگۇنلرى دىنى دۇشونجه لر بىلن محكم باغلانىشيقلى بۇلانى سببلى؛ ملالار، آخۇن لار پىر و استادلار اۇز شاگردلرينه، دىن و شريعتىنگ اساسلارنى دۇشيدىرمكچى بۇلۇپ عرب دىلىنى اۇرتمانه چالشيۇردىلار. دولت گلدی فدایی هم ملا دىر، آخوندلارنىڭ ال آستىندا مسجد-مدرسە دە اۇقاپ شريعتىنگ اساسلارنى مەكن بۇلديغىچە اۇرهنيپ ملا ادبەنە ايپە بۇليۇر. اما ولىن اۇنىنگ نا سببىن اۇنباش ياشىندان سۇنگ اۇقۇۇ غۇيۇپ تجارت ايشينە مشغوللانان دىغىنى بۇلسە آشاقداكى شعرىندە كۇرمك بۇليۇر.س

اۇنباشىمدن تا يىگرما بۇرىنچا

تجارتە مشغول بۇلدۇم يارانلار

تجارت ايشينە مشغولانىپ غم لايىنا بۇلاشمان پراختچىلىقدا ياشاپ يۇرن دولت گلدی نىنگ يىگىت لىك چاغىندا، دنيا تارىخىندا اۇران اهمىتلى اۇرنا ايپە بۇلان (عقرب) اوكتوبر انقلابى شۇروى لار اۇلكە سى نىنگ بىرلەش خىلقلار طرفىندان يرينە يتىريليۇر. بۇيله بىر انقلابى اۇزگريش لرينگ اۇزى بۇلسە سۇنگقى شاعرىمىزىنگ اۇستونە اۇز تاشيرىنى غالىدىرىپ، دۇشونجه دنياسى نىنگ كىنگلمەكىندا اۇز رۇلىنى اۇيناپ دىر. ولىن ھنيزە چنلى غىنچىلىقلى كۇنلرە دۇش گلمدىك شاعر ايشچىلر صنفى نىنگ اۇنگىندە بۇرىجى آيدىالوژى سى بىلن تانىشماقلىق مەكن بۇلماندر. دۇغرىسى اۇنگدە بۇرىجى اۇى فكرلر بىلن تاناشىب انقلاب بىلن فعال غاتناشاريالى شاعر اۇچىن گركىلى شرط لر ھنيزە چنلى دۇران دالدى شۇل سببىن ھم:

يىگرىم بىر ياشىمدا بۇلدى انقلاب

ملت لرىنگ بۇلدى يۇرگى كىباب

بخارا شاه سى غاچدى كلتورلمى تاب

بىر نۇچە يىل بىكار بۇلدۇم يارانلار

دېيىپ انقلابىنگ ارزىش لرىنى و ياماندىغىنى دۇشۇندىرىۇر. شاعرىنگ دىرىچىلىك ياغدايى ۱۹۳۱-نجى يىلىندان ۱۹۷۱-نجى يىللار چنلى اۇران غارانگقى، سببى شاعر انقلاب اۇرتا گلندن سۇنگ خلق كۇپچىلىكى نىنگ جۇشغۇنلى و شادىان لىقلى كۇنلرىندىن و بۇل جۇشغۇنلى شادىانلىقلى كۇن لردە اۇزۇنىنگ دىرىچىلىك ياغدايىندان سوز اۇرتا كىتىرمان دىنگە:

يىگرىمە اۇچ ياشىمدا بۇلدۇم حىمران

بىر نۇچە يىل سۇردۇم اىلەدەيم فرمان

دېيىپ ياشان اۇبە سىندا شۇرا باشلىغى بۇلۇپ سايلانان دىغىندان سۇز اۇرتا كىتىرىۇر. شاعرىنگ دۇشۇنجه سىنە كۇرا، بۇل غۇنچىلى و شادىانلىق كۇنلرى اۇزاغە چىكمەيۇر اۇل دۇرلى مسئلەر سببلى، شۇرا باشلىغىندان بۇشادىلىپ كۇچۇپ غايتىملى بۇليۇر.

اۇتۇز بىر يىل ياشاپ سىنىگ اۇستونىگدە

بۇگۇن آيرا دۇشۇب گىتمە لى بۇلدۇم

۳۱ ياشىندان سۇنگ بۇردالىقدان قارىاب ولايتى نىنگ قىرمقولى ولسوالىغى نىنگ آلتى بۇلك اۇبە سىندا يىرلىشىپ دىر. سۇنگقى بىلن ۱۳۵۱-نجى ھجرى يىلىندا يۇقسۇللىق و الى غىسىق ياغدايدا قارىاب ولايتى نىنگ قىرمقولى ولسوالىغى نىنگ آلتى بۇلك اۇبە سىندا عالمىدان كچىپ دىر.

ملا دولت گلدی فدایی نىنگ دۇرمدىچىلىگى

توركىمن شعر و داستانىچىلىق صنعتىنىڭ معاصر تارىخىنىە غۇشت غۇشان شاعر و داستانىچىلرىنگ بىرسىدە ملا دولت گلدی فدایی دىر. اۇل داستانچى شاعر بۇلۇپ، اۇنۇنگ شعرلرى معنى و مفهوم تايىدان غرىبلىق، آيرالىق، دىنگسىزلىك، پراختچىلىق، مردلىك، انسانلىق و سۇيگى يالى مسئلەلرى اۇز اىچىنە اۇراپ آليۇر. ملا دولت گلدی فدایی نىنگ علمى و ادبى مىراثىنى اۇچ توپارا بۇلك مەكن.

۱- منظوم اثرى (دولت گلدی فدایی نىنگ سايلانان

اثرى)

۲- منثور اثرى (شجرە توركىمنىە)

۳- منظوم و منثور اثرى (اثرلر تۇپلامى)

۱- منظوم اثرى: (دولت گلدی فدایی نىنگ سايلانان اثرى)

ملا دولت گلدی فدایی نىنگ اۇز قلمى بىلن يازىلان بول اثر، ۱۳۶۱-نجى ھجرى شمسى يىلىندا نور محمد قىرقىنىنگ كوششى بىلن افغانستانىنگ علملر اكادىمىسى طرفىندىن چاپ ادىلدى. ۱۸۲ صفحه دان اۇرتا گلن ملا دولت گلدی فدایی، نىنگ بۇل اثرى؛ گىرىش، شاعرىنگ دىرىچىلىك ياغدايى و ۳۵۰ باشلىك (مخمس) شعرلرىنى اۇز اىچىنە اۇراپ آليپ، دۇرلى اجتماعى طبقە لره بىغىشلانىپ نظم (شعر) كۇرنىشىندا يازىلان مەم اثر دىر. بۇ كىتاب دە فدایی؛ عشق، دوستلىق، فلكدن شكايەت اتمك، اۇز باشىندىن كچىرن غىبن ياغداي لارىنى، غرىبلىغى، بايلاردان كۇرن ظلم و ستم لرىنى، عدالت سىزلىغى، وطنىندىن آيرادۇشمكلىكىنگ غىنچىلىق لارىنى، آدم لره پند و نصيحت بۇلۇشى اۇچىن يازىپ غالىدىرمان دىر. ملا دولت گلدی فدایی نىنگ بۇل اثرى، توركىمن لرىنگ ۲۰-نجى عصر اجتماعىو فرھنگى دۇرمۇش ياغدايىنى و وضعىتىنى اۇرهنىشده قىمتلى منبعلاردىن بىرى حسابلانىۇر.

منثور اثری: (شجره تورکمنیه)

ملا دولت گلدی فدایی نینگ باي و ماندگار میراث لاریندن بیررسیده «شجره تورکمنیه» اثری دیر. ملا دولت گلدی فدایی نینگ اؤز قلمی بیلن ۱۷۹ صفحه ده یازیلان، شجره تورکمنیه اثری تورکمن خلقی نینگ نسی، تاریخ، مدنیتی، گلیپ چیقیشی، اجتماعی و سیاسی یاغداپندان معلومات بریون قیمیتلی و تاریخ بیر اثر دیر.

بۆل اثر ۱۳۴۹-نجی هجری ییلی دلو آیی نینگ ۱۸-نجی گونینده ملا دولت گلدی فدایی طرفیندن یازیلیپ، اول زمانلار امکاناتینگ یوقلیغی اۆچین چاپ بولمان دیر. سونگی بیلن ملا محمد تورک "مخلص زاده" طرفیندن ۱۳۹۰-نجی هجری ییلیندا پاکستاندا چاپ بولۇپ دیر. ابوالغازی بهادرخانینگ «شجره تراکمه» اثرینه اساسلانیپ یازیلان بۆ اثر تورکمن لرینگ شجره سینی، حضرت نوح (ع) و اؤنپنگ اؤغلی یافشدان باشلاپ، اؤغوزخان و اؤنپنگ اؤغلانلاری، تورکمن لرینگ قبيله و اؤرؤغ لاری و تورکمن سؤزی نینگ گلیپ چیقیشی، دؤغری سینده گینگشله بین معلومات بریور.

۲- منظوم و منثور اثری: (اثرلر تۇپلامی)

ملا دولت گلدی فدایی نینگاثرلر تۇپلامی ایکینجی آدی بیلن غامباسار اثری، ۱۳۵۰-نجی ییلی، سنبله آیی نینگ اؤنباشیندا یازیلان منظوم و منثور اثر دیر. بۆل اثر ۱۳۹۵-نجی هجری ییلیندا عبدالرحمن "صحبت"، عبدالرحیم "اوراز" و مصطفی کمال مخدومینگ کوششی بیلن، ترکیه جمهوریتی، تیکا اداره سی طرفیندن چاپ ادیلیپ ایله هؤدؤرلندی. بۆل اثرده آیرالیک، اؤزاقلیق، علم-عرفان، سؤیگی، عشق، غریبلیق، دوستلیق و شونگه مینگزش مسئله لرینگ اؤستؤنده نظم (شعر) اؤستی بیلن سؤز بؤرودیلیور.

«اثرلر تۇپلامی» اثری ایکی بؤلؤمدن عبارت بولۇپ، بیرینجی بؤلؤمی ۲۳۲ صفحه دان عبارت بولۇپ، یادلامه، ملا دولت گلدی فدایی نی غیسغه شکلینده تانیشدیپ، شعر اؤستی بیلن دوستلیق، انسانلیق، دنگلیک، علم-عرفان، عشق-سویگی، نامردلیک، یالی مسئله لردن بحث ائیور.

اثرنینگ ایکینجی بؤلؤمی ۷۷ صفحه نی اؤزؤنه اؤراپ آلن؛ عاشق نور داستانی دیپ آت لانیور. اؤنده افغانستان معاصر تورکمنلر خلق ادبیاتی تاریخینده کتته شهرت غازانان عاشق نور و آیم جان داستانی ذکر ادیلیور. عاشق نور، خلق داستانی بولسه، بیر عاشق حکایه سیندان داشاری غریب و فقیرلارینگ باشینه گلجک حقسیزلیغی آچیقلاپ بریور.

نتیجه

شؤنینگ یالی یوقاردکی، غیسغهچه یادلاپ گچن موضوعمیزدن شؤیله نتیجه آله گلیور که، افغانستان معاصر تورکمن ادبیاتی نینگ اساسچیسى و گورنؤکلی وکیل لرینگ بیررسی ده ملا دولت گلدی فدایی دیر.

دولت گلدی فدایی یاشلیقدان اؤبه ملالاری دیر، آخوندلارینگ ال آستیندا مسجد-مدرسه ده اوقاپ شریعتینگ اساسلارینی ممکن بولدیغیچه اؤرنیپ ملا آدینه اییه بولئور. اؤنباش یاشیندان سونگ اؤقؤؤ ی غویؤپ تجارت ایشینه مشغولانیپ دیر.

فدایی نینگ شعرلیندا یؤردیلن فکرلر، دؤشونجهلر، غوزغالیون مسئله لر اؤنپنگ اؤز دؤری نینگ کامل علملی آدمی بولان دیغنی آنکلتیور.

نتیجه- ده عموم شکلیندا آلانینگ دا، شؤنی یادلاپ گچن معلومات لاریمیز فدایی نینگ ۲۰-نجی عصرده یاشاپ، اوقاب همده دؤره دیپ گچن دیگینی، اؤنؤنگ ادبی میراثی نینگ بولسه شؤل دؤر تورکمن معاصر ادبیاتی بیلن یاقیندان باغلی لیقدا کماله گلندیگینی، اؤسن دیگینی، کامل لشدیگینه دؤلی شاهدلیق بریور.

اؤلانپلان چشمه لار (منابع و مأخذ)

۱. ایشچی، عبدالمجید. (۱۳۷۸). **ترکمن های افغانستان**. مشهد، صحرانشریه سی.
۲. توران، عبدالمجید. (۱۳۹۵). **مولانا دولت گلدی فدایی**. بهار، ۱-نجی سان، اولکر مجله سی.
۳. توران، عبدالمجید. (۱۳۸۹). **نگاهی بتاریخ و فرهنگ ترکمنها**. کابل: انجمن فرهنگی ترکمنهای افغانستان.
۴. صحبت، عبدالرحمن. (۱۳۹۵). **اثرلر تۇپلامی**. کابل: تیکا اداره سی.
۵. قرقرین، نورمحمد. (۱۳۶۱). **دولت گلدی فدایی و اونونگ ساپلانان اثرلری**. کابل: افغانستان علملر اکادمی سی.
۶. مخلص زاده، ملا محمد تورک. (۱۳۹۰). **شجره تورکمنیه**. پاکستان: مخلص زاده مکتبه سی.
۷. نور، نوریاغدی. (۱۴۰۲). **نظری به فعالیت های ادبی چند شاعر برجسته ترکمنهای افغانستان**. اکادمی علوم: خراسان مجله سی.
۸. همد، عبدالرحمن. (۲۰۲۲). **افغانستان تورکمن لرینه دگیشلی، عاشق نور آتلی خلق داستانی**. ارزوروم: ماسترلیق تیزی.
۹. یاور، محمد بشیر. (۲۰۲۱). **بؤگؤنکی افغانستانده تورکمن دیلی نینگ یاغدایی**. انقره: وارلیق مجله سی.



د نورستاني اسطورو د پرتليزې څېړنې اړتيا

نورستان ته يوازې له اتنيکي، طبيعي، جغرافيايي، تاريخي، توريستي او فولکلوري پلوه د افغانستان يوه زړه وړونکې او مهمه برخه ده، بلکې دغه سيمه له فرهنگي پلوه د نړۍ په کچ يوه ستره اساطيري حوزه هم ده.

په اکسفورډ پوهنتون کې څېړونکي (نيک.جی.الن) ليکي: د نامتو ميتولوژيست (اسطوره پېژندونکي) جورج دومزبل پر تيوري برسېره، چې د اندو اروپايي اسطورو درې څانگې را پېژني، زه فکر کوم، چې دلته څلورمه څانگه هم شته او هغه د افغانستان په شمال ختيځ کې د نورستان اساطيري حوزه ده، چې تر اسلامي کېدو مخکې يې خپل مزدکونه درلودل. (۴-۱۴۲).

د نړۍ يو شمېر اسطورو څېړونکيو، مؤرخانو او بشر پېژندونکيو پر نورستاني اسطورو له لېرې کار کړی دی، افغانستان کې په دې برخه کې د ښاغلي سمیع الله تازه کار يوازيني تخصصي کارگنلای شو تر ښاغلي تازه ورهاخوا څو نورو ليکوالو هم د مقالو ليکلو تربریده زيار ايستی دی، يو شمېر سيمه ييزو څېړونکيو د هيندو کښ په بله څنډه کې د نورستانيانو له تېرونو کېلاشيانو سره په حوزوي مطالعې کې نورستاني اساطير هم لږ وډ پر څېرلي دي، خو د ميتولوژۍ له نويو تيوريو سره سم، په تېره بيا د شفاهي او ليکنيو راپاتې ادبي متونو په رڼا کې، چې د سيمې تاريخي، مذهبي، مادي او فولکلوريکو ميراثونو ته هم په کې پام ساتل شوی وي، د نورستاني اسطورو مطالعه نه ده بشپړه شوې.

زه د خپلې دې ليکنې په پيل کې غواړم، چې په لومړي سر کې خو بايد نورستاني اسطورو ته يوازې د لرغونپوهنې او تاريخ له کړکۍ و نه کتل شي، بلکې تر دې وړهاخوا د تاريخي او فرهنگي بشريژندنې له اصولو سره سم، د دغو اسطورو ټولنيز، ارواپوهنيز، ادبي او هنري مطالعات بشپړ او تر انتقادي کتنې وروسته يې پرتليزې او تطبيقي څېړنې هم وشي، گوندې په پايله کې يې موږ د نړۍ په کچ د يوې بلې ميتولوژيکې حوزې پر پېژندلو بريالي شو، دا په دې مانا ده چې موږ بايد اسطورو يې نورستان له سره کشف کړو. راځئ تر هرڅه وړاندې د اسطوري له گڼو تعريفونو څخه يو راواخلو:

ډاکټر سیروس شمیساهم باور لري، چې اسطوره له هیستوري سره همربښه ده، دی لیکي:

(اسطوره)(Myth) هغه زاړه داستانونه دي، چې یو مهال لرغونیو قومونو ریښتیا گڼل، خو اوس افسانوي شوي دي او څوک یې

نه مني. ځکه مانایې د اسطوره له لغت څخه څرگندېږي، چې له History او Story سره یوه ده. اسطوره یوممهال

هیستوري (وه، چې اوس یې داستاني) ستوري (ځانگړنه خپله کړې ده). (۲۶۹-۳)

اسطوري په ادبیاتو کې ځانگړې ځای لري، زموږ مطالعه له ادبیاتو سره د اسطورو د اړیکو او کلون څخه پیلېږي. د لرغونیو باورونو، ارباب الانواعو او پېښو د خوندي ساتلو لپاره چې هنري ژبه، تخیل او نور هنري ارزښتونه استخدام شي، نو اساطیر د هنر او ادبیاتو د قلمرو برخه گرځي.

په دې لیکنه کې موږ د یوې ځانگړې سیمې د اسطورو او اساطیري ادبیاتو د پرتلیزې څېړنې پر اړتیا خبرې کوو؛ دا سیمه نورستان او د هغه توابع دي. خو ددی ترڅنګ به مو ټینګار دا هم وي، چې له زړو انډو اروپایي، اریایي او ساکي اسطورو سره د گڼو مشترکاتو سره سره، نورستاني میتولوژیکه حوزه د یوې خپلواکې او ځانگړې حوزې په توګه هم وپېژندل شي.

د نورستان د اسطورو هغه ځانگړنې، چې دنړۍ ترنورو اساطیري حوزو ممتازې گڼل کېږي:

۱— دغه اسطوري ترنورو هغو اوږد عمر لري، مانا د نولسمې پېړۍ د پای تر کلونو پورې لا له هر ډول لاسوهنې څخه خوندي وي او د تاریخي، فرهنگي ارزښت ترڅنګ یې لا خپل اعتقادي ارزښت هم ساتلی و، له همدې پلوه د دوی په اړه روایتونه تر ټولو دقیق او کره گڼلای شو.

۲— د معاصر مدنیت بدلونکي عوامل لاهم په بشپړه توګه نه دي ورننوتلي او د سختو لارو (صعب العبور) جغرافیایي موقعیت له برکته به یې مادي شواهد لاهم پر خپل ځای پاتې وي

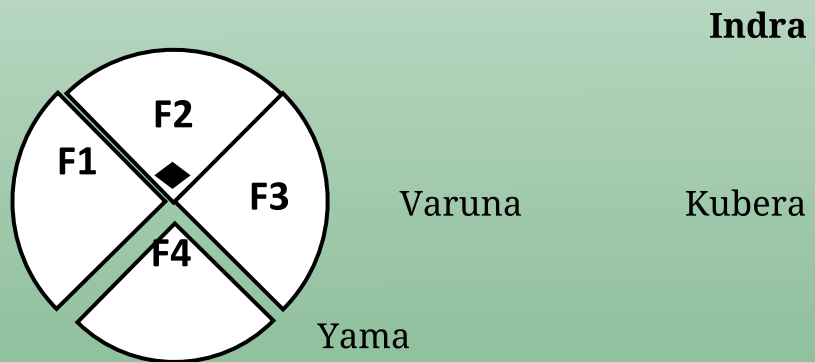
۳— نورستاني ژبه لاهم د یوې غرنیزې ځانساتې ژبې په توګه د نورستان د اساطیري ادبیاتو گڼ روایات په شفاهي متونو کې خوندي لري، سرودونه، نکلونه، دعاگانې او نومونې یې لاهم بشپړې خوندي دي.

۴— نورستاني اسطوري یوازې انفرادي هويت نه لري، بلکې لاهم (د هندي او یوناني — رومي اسطورو په څېر) د کورنیو په څېر پېژندل کېږي، د دوی کورنی هويت به وکړای شي د تخصصي اسطوره پېژندنې له څېړونکیو سره مرسته وکړي، چې په پرتلیزه توګه یې له نورو حوزو سره وڅېړي او ترښتونه او بېلښتونه یې وپېژندلای شي.

د زړو مدنیتونو، افکارو، ټولنیزو تکاملي پړاوونو او فرهنگي بڼو د پېژندلو لپاره اساطیري مجموعې تر ټولو مهمې سرچینې دي. له تاریخي پلوه د طبیعت او کایناتو په اړه د انسانانو پېژاند او معرفت په پیل کې اسطوره یې و، انسان کله چې د تفکر او تعقل پړاو ته ننوت دا پېژاند فلسفي شو او د فلسفي پېژاند په پایله کې انسان علمي یا ساینسي معرفت ته ورو لور شو. اساطیري معرفت هم ناڅاپي نه دی رامنځته شوی، بلکې د ټولنیزو قراردادونو یو اوږد پړاو یې بشپړ کړی دی. له بشپړ بدوي حالت څخه د (خیر او شر) په اړه د ځانگړیو سېمبولونو ټولنیز کېدل هماغو کلونو ته د قراردادونو ته در سېدلو بهیر دی، چې د یوې ټولنې خلک په گډه او سره ورته بڼه باورمن وي. له طبیعت څخه د ویرې، دمرگ په وړاندې د مطلق جبر، د چاپېریال د پېژندنې، د لومړنیو فلسفي پوښتنو (څوک یو؟ له کومه راغلي یو؟ او چیرته څو؟) د حل پلټنه پر اسطوره یې باورونه ټولنیز قراردادونه رامنځته کړل. دغه پړاوونه د بشري ټولنې د شعوري ودې پړاوونه گڼل کېږي. د تاریخ په اوږدو کې هغه ولسونه چې د لښکر کشیو، اقتصادي او

سیاسی بدلونونو، د مدنیتونو د ټکرونو او یو پر بل د ایډیولوژیو د منلو پر لار پراته وو، نو خپل بومي او زاړه ارزښتونه یې لږ خوندي ساتلي دي، مگر هغه ټولني چې له جغرافیایي پلوه لرې پرتې وې تر ډېره بریده یې لاخلې لومړني او خورا لرغوني باورونه هم ساتلي دي، چې تر معاصرو زمانو پورې بیا هماغو ټولنیزو قراردادونو خپل طبیعي او اصلي تکامل بشپړ کړی دی. نورستان په سیمه او افغانستان کې همدغسې یوه ټولنه ده.

په پیل کې مو د (نیک الن) نظر یاد کړ، چې نورستان ته د څلورمې میتولوژیکې حوزې په سترګه ګوري، نوموړی د دومزبل د نظریې پر ادامه خپله طرحه په لاندې بڼه ترسیموي:



دی د خپلې دغې شیمې د شرحې په برخه کې لیکي:

د مهابهارت اساطیري حوزه په بېلګه یې بڼه داسې سره ویشل کېږي: په لویدیځ کې (وارونا)، په شمال کې (اینډرا) او په ختیځ کې (کویرا). دوی ټولو مستقل حاکمیتونه درلودلي او یو له بل سره یې تړاو کله په جګړه او کله هم یو بل ته په درناوي او د ثروت په وېش کې دوام مونده. په دې توګه د دوی موقعیتونه نظر د دوی له ماموریتونو یا اختیار له حوزو سره توپیر لري، د (دومزبل) په تیوري کې د جنوب لپاره کوم رب النوع نه دی ټاکل شوی، که جنوب د (یما) برخه وي، چې د بل ژوند او بلې نړۍ رب النوع ګڼل کېږي، نو ښکاره ده چې دا حوزه په هماغه (یمرا) یا (ییمما) پورې اړوند ده، چې د څلورم ماموریت استازیتوب کوي.

یمرا په پخواني نورستان کې تر ټولو مهم رب النوع و، دی داسې دی لکه په یوناني اسطورو کې چې (زیوس) په رومي هغو کې (ژوپیټر) او په هندي اسطورو کې (براهما) ګڼل کېږي.

د یمرا په اړه ښاغلی تازه لیکي: یمرا په نورستاني دیانت کې تر ټولو لوی رب النوع دی، چې د نورو ارباب انواعو په سر کې دی. دی د پیدایښت او مرګ څښتن دی، یمرا انسانان او نور ارباب انواع هستوي. د نورستانیانو په باور دا یمرا و چې لمر او سپوږمۍ یې په اسمان کې ځای پر ځای کړل او خوځښت یې ورته تنظیم کړ.

(۱-۲۰۰)

اینډر یا اینډرا هم په نورستان کې هماغومره پېژندل شوی او مشهور دی، لکه په هندوستان کې، په نورستان کې دی د شرابو یا (سوما-هوما) رب النوع دی. اینډر په نورستان کې د جگړې د رب النوع گېښ وروړ گڼل کېږي، خو د دوی ترمنځ د زمکو پرسر د جگړو او سیالیو ذکر هم شته. اینډر د رغونې عجب ذوق او تنده درلودله، دده په نامه یو لوی بن د اینډر کون په نامه مشهور دی. ده په خپل باغ کې انگور او نورې میوې روزلې، چې له انگورو څخه به یې شراب جوړول.

دده په اړه یو روایت داسې هم شته:

گېښ، ماندي او اینډر سره وروڼه وو، گېښ مشر، ماندي منځوی او اینډر په ټولو کې کشر، خو هوښیار او څیرک و. کله چې دوی د خپلو زمکو د ویش پریکړه وکړه، نو اینډر ولاړ او درې څانگې یې راوړې، یوه د زردالو داسې څانگه چې گلان یې درلودل، بله د شفتالو (یا منې) گلداره څانگه او دریمه هم د انگور تاک یوه شنه څانگه، گېښ او ماندي د څانگو په ظاهري ښکلا تېروتل او دوه لومړنۍ څانگې یې واخیستې، اینډر د انگورو په څانگه قناعت وکړ او په دې توگه گېښ (کانتیوا)، ماندي (پارون) او اینډر ته (واما) سیمې ورسېدې، چې په دې توگه ترټولو ښکلې او سمسوره زمکه اینډر ته پاتې شوه او اینډر په کې اینډرگون یا د اینډر باغ جوړ کړ.

اینډر د پلونو، لارو او نورو بنسټي ځایونو په جوړولو کې هم مشهور دی، ویل کېږي ده دوه زرین ښکر درلودل او د غوايي په څېر لوی نس یې و، چې له شرابو به یې ډکاوه.

له دې ټولو څخه د نورستاني اسطورو یو عجب ورته والی له بابلي، یوناني، رومي او ترټولو زیات هندي اسطورو سره مومو. په بابلي اسطورو کې اسماني مقدس غویي، چې د شرابو له ډنډ څخه ځان مروي ډېر نورستاني اینډر ته ورته دی. د درېو شنو څانگو سېمبولیک ویش د یونانیانو د ارباب انواعو ترمنځ د ټاکنې گڼو سېمبولیکو پېښو ته ورته والی لري، په هغو کې یوه یې د پاریس لپاره د درېو ښځینه واکمنو هرې یوې (هیرا Hera)، (آته Athena) او (افروډیټې Aphrodite) د ټاکنې پېښه وه، چې وگوري پاریس کومه یوه خوښوي، پاریس د ښکلا الهه افروډیټې خوښه کړه او په دې توگه یې ځان، یونان او ټولو ارباب انواعو ته لوی سردرد جوړ کړ.

دا ټول ښيي، چې په لویه اندواریو پایي سابقه کې نورستاني میتولوژیکه حوزه د یوه لرغوني پله حیثیت لري، چې ښایي د هندي، اریایي او ان اروپایي اسطورو د بشپړې او پرتلیزې څېرنې پر مهال له پامه ونه غورځول شي. د نورستان اساطیري حوزه له یوه اړخه خپلواکه حوزه هم گڼلای شو، ځکه دلته د تخلیق له زمانې څخه د اسطورو د وجود او تکامل بهیر را پیلېږي. نورستاني اساطیر څرگندوي، چې یمرا د کرنې او تزویج رب النوع (دیزاني، دیساني Dizane) له خپلې ښې پوښتې څخه راوړیږوله (۲-۲۸۴). همدا راز گورو چې یو مهال یې د یوناني ارباب انواعو په څېر زمکې ته دراتلو او له انسانانو سره د مینې شوق هم کړی دی او کله چې د شنو، سرو او زرغونو وریځو منځ کې را کوز شوی، پریوې ښکلې نورستانی پیغلې (سوگا) مین شوی او له هغې څخه یې د (هیمندي) په نامه زوی هم زیږولی دی.

(۲-۲۸۶).

مور گورو چې د اسطوره پېژندنې له معیارونو سره سم، نورستاني حوزه له هره اړخه یوه بډایه اساطیري زمکه ده، چې ښایي له بشپړې څېرنې وروسته نړۍ ته د لرغونو زمانو د تفکر او باورونو په برخه کې نوي شته ورکړلای شي.

ددې لپاره په لاندینو سپارښتونو سره خپله لیکنه پای ته رسوو:

- د نورستاني مدنیت، ادبیاتو، ژبې، اسطورو او تاریخ لپاره باید په ملي کچې یوه ځانگړې اکاډمي یا تحقیقي موسسه جوړه شي، چې نړیوال حیثیت ولري.
 - تر هرڅه وړاندې باید د نورستان شفاهي ادبیات په خورا تخصصي او دقیقه شیوه راټول شي، چې د اسطورو د پرتلیزې څېړنې لپاره د کار اساسي مواد رامنځته شي.
 - باید هڅه وشي، چې د نورستان د لرغوني اساطیري مدنیت ټول مادي شته خوندي پاته شي.
 - یونیسکو دې وهڅول شي، چې نورستاني مدنیت په نړۍ کې د یوه ستر فرهنگي ارزښت په توگه وپېژني او په نړیوال کچې یې د خوندي ساتلو هڅې پیل کړي.
 - زموږ په څېړنیز او بنسټیز نصاب کې دې د نورستان پېژندنې مضمون ددې لپاره ځای کړای شي، چې یو مهال پر نورستاني اسطورو هراړخیزې، پرتلیزې او تطبیقي څېړنې وشي.
 - په نورستان کې ټول اساطیري میراثونه، چې اوس عقیدوي ماهیت نه لري، باید له لاسوهنې څخه خوندي شي.
- په نړۍ کې ددغې سیمې په اړه پخوانۍ څېړنې ښايې فهرست شي، ځکه نورستان پېژندنه لاله پخوا څخه په نړۍ کې خپل مینه وال لري، په پرتلیزه څېړنه کې هغه مواد ځانگړی اهمیت درلودلای شي.

سرچینې:

۱ - تازه سمیع الله. روایات اساطیري آریایی در اساطیر نورستاني، نهاد فرهنگي میرزا تازه گل، ۱۳۸۹ ل، کابل.

۲ - تازه، سمیع الله. ادبیات شفاهي نورستان، انتشارات بیهقي، ۱۳۹۱ ل. کابل.

۳ - شمیس، داکتر سیروس. نقد ادبي، در پیم چاپ، نشر میترا، ۱۳۸۸ ل. تهران.

,- NiCK J. ALLEN, SOME GODS OF PRE-ISLAMIC NURISTAN, University of Oxford, Revue de l'Histoire des Religions, ccvm-2/1991, p. 141 a 168

مقاله علمى محقق امان الله " ضیایی "

تیل و نطق توشونچه سى (مناسبت نطق و زبان)

خلاصه

شونگه كوره تیل و نطق، دیالیکتیکه سى جهان تیلشناسلیگی فن نینگ دایمی معمالریدن بیرى صفتیده قاله ویره دی. ف. سوسیور تمانیدن خلق نینگ علاقه قیلش، فکر افاده لش واسطه سى نینگ تیل و نطق دیب بیریلیشى بولر نینگ بیر - بیر یدن فرقلنیشى عالمر اورتیه سیده فکرلر قرمه - قرشى لیگی نی توغدیردی.

بیر قطار عالمر تیل و نطق اوز ارا فرقلنمه یدی، اصلیده فرقلنمه یدیگن بیرته موضوع موجود دیر، تیل و نطق بیر نرسه، دیسه باشقه بیر قطار عالمر تیل و نطق نی فرقلش البتته، کیره ک بولر فرقلنه دی، دیکن فکرلرنی بیلدیریش کن.

خلص، حاضرده تیل و نطق حادثه لرینی، بیرلیکلرینی فرقلش عموم تیلشناسلیگه، شو نینگ دیک، اوزبیک تیلشناسلیگی ده هم مستحکم اورین ایگه له دی.

تیل و نطق دیالیکتیکه سیده، تیل اوزیگه خاص مرکب تویلیشگه ایگه بولگن بیر بوتون سیستمه صفتیده فعالیت کورسته دی. دیمک، ف. سوسیور مطلقا توغری تاکیدلگنی دیک، تیل سیستمه دیر، تیل سیستمه سى نینگ بیر- بیرى بیلن عضوی باغلنگ تاووش تمانی، لغت ترکیبی، گرامتیک کوریلیشى موجود بولیب، اولر بیرگه لیگده بیر بوتون لیکنی، سیستمه نی تشکیل ایتیه دی. تیل نینگ سیستم کریکتی اصلیده قید ایتیلگن سطرلر، قتلملر (یوریشلر)

اوشبو مقاله جهان تیلشناسلیگی تیل و نطق نینگ اؤرنی، اهمیتی، اولرنینگ اؤزیکه خاص خصوصیت لری حقیده بولیب، مقاله ده تورلی عالم لرنینگ تیل و نطق حقیده گی قره شلری، فکرلری بیلن تنیشینگیز، تیل و نطق نینگ بیر - بیریکه خاص بولگن موهوم - کانکرت طرزده گی نسبی مستقل بیرلیکلرینی کؤریب چیقیشینگیز ممکن.

کلیمت سوزلر: تیل، نطق، سوز، فونیمه، مورفیمه، لیکسیمه، عمومیلیک - خصوصیلیک، بیلگی، معنا.

کیریش

تیل و نطق، دیالیکتیکه سى نظری تیلشناسلیک نینگ همده روحیه شناسلیک، فلسفه، منطق کبی فنلر نینگ هم مهم و مرکب معمالریدن بیرى بولیب، عینی مسله جهان تیلشناسلیگی نینگ دایمی مرکزیده تورکن و حاضرده هم شونده ی.

ادبیات لر تحلیلی و میتولوژی سى

۲۰ عصر تیلشناسلیگی نینگ - سیستم تیلشناسلیک نینگ باشی، اساسی میزانی تیل و نطق مناسبتی، تیل ونطق حادثه لرینی، بیرلیک لرینی فرقلش بولدی. اوشبو معما تاریخی گه نظر تشلوسک، X. نعمت أف تیلشناسلیگی نینگ تیل اورگنیشى اُصوللریده کؤریش ممکن. پرفیسور A. نورمانوف نینگ ترقیاتیده اُپسه تیمورلر دوری اؤزبیک تیلشناسلیگی نینگ بولگن علشیرنواپی اثرلریده تیل و نطق حادثه لری فرق لنگنی، علامه شو مسله گه علاحیده اعتبار بیرگنی قید ایتیلگن.

تیل و نطق معماسی عمومی نظری تیلشناسلیک نینگ اساسچی سى بولگن ویلگپلم فان گومبالد نینگ تیلیده گی حرکت و محصولات، تیلشناسلیگه گی روحیه شناسلیک آقیمی نینگ اساسچیسى گ. شیتینتل نینگ دیلی ده گی « برقرار ماهییت» و « حرکت ده گی کوچلر»، بویوک نظریاتچی و عملیاتچی حقیده گی تعلیمات لریده هم بهره دی.

تا کیدلش شرط، تیل و نطق، دیالیکتیک مناسبتی و اؤزی نینگ دستلب کی حقیقی، مکمل علمى، نظری پیچیمی نی تیلشناسلیک فننیده کبسکین بوریلیش یسه گن بویوک تیشناس عالم فریدیدین دی سوسیور اثرلریده تاپیلدی.

دیمک، تیل و نطق مسله سى نه فقط سیستم تیلشناسلیک نینگ، عموما، جهان تیلشناسلیگی فن نینگ هم دورلریده گی - میلاد دن آلدین، هم میلاد دن کیین با سقیچیلریده گی اُپنگ جدی نظری معما سى بولگن و بوندن کیین هم شونده ی بولیب قاله دی. چونکه تیلشناسلیک نینگ او شبو اؤته مرکب اؤته دالضرب معما سیز سیز نه فقط نظری عمومی تیلشناسلیک نینگ، بلکه خصوصی - عملی تیلشناسلیک نینگ هم قطار اینگ مهم اساسی مسله لرینی تولیق، مکمل حل قیلیب بولمه یدی.

بیلن بیلگی لنه دی، اساسلنه دی. عینی وقتده اوشبو سطرلر نینگ هر بیرى اوزیگه خاص سیستمه- ایچکی سیستمه بولیب، تیل سیستمه سی نینگ ترکیبیه کیره دی. تیل ونطق توشینچه لری یقین - یقین گچه فرقلنمس دن کیلنر، بو ایکی سؤز معناداش (سینانیم) سؤز لر صفتیده ایشله تیلر ایدی. کپینگ پیت لرده گی تحقیقات لر تیل و نطق توشونچه لرنی فرقلش ضرور لیگی نی کورستدی. تیل دیگنده معلوم خلق تمانیدن ایشله تیله دیگن، اوزاق تاریخ گه اېگه بؤلگن حادثه نی توشینیشیمیز کپرک. نطق اېسه شو تیل نینگ معلوم پیتده و معلوم اؤرینده نمایان بولیشی دیر. شېوی سرایلیک عالم فریدالدین دې سوسیور تیلشناسلیکده تیل و نطق توشونچه لرنی فرق لکن. تیل بیلن نطق نینگ قوبیده گی اؤزیکه خاص خصوصیت لرنی اجرتیش ممکن:

تیل	نطق
علاقه متېریالی	علاقه شکلی
خلق، ملت یره تدی	شخص یره تدی
حیاتی خلق، ملت نینگ حیاتیگه باغلیق حالده اوزاق بؤله دی	حیاتی قیسقه بؤله دی
نیسسبتا تورغون، برقرار بؤله دی	دایم حرکتده بؤله دی، اؤزگروچن بؤله دی
حجمی نا انیق بؤله دی	حجمی انیق بؤله دی
عمومی	خصوصی
امکانیت	واقعی لیک
حادثه	ماهیت

نطق فعال لشگن، بېواسطه یوزه گه چیقن تیل سنه له دی. هلی واقعی لنمگن امکانیت طرزیده گی، معلوم جمعیت اعضالری اوچون برابر خدمت قیلوچی اجتماعی - روحی علاقه واسطه سسی - تیل، شو تیل نینگ معین شخص نطقى فعالیتیده بېواسطه نمایانلنیش، واقعی لنیش - نطق دیر.

تیل ده گی قانون - قاعده لر اوزاق ییللر دوامیده سقلنیش قاله دی، سیلیق لشه دی و بایب باره دی. نطق اېسه دایم اؤزگریشده بؤله دی، او سؤزلوچی نینگ سوبه سسیگه، اسلوبیگه، اؤرین و موقعی گه قره ب هر خیل بؤله دی. فکرینگ انیق و توشونرلی بولیشی، جمله نینگ تۇغری، روان و تأثیرلی توزیلیشی هر قنده ی نطق نینگ باش فضیلت دیر. هر قنده ی نطق نینگ اساسی مقصد معین اخبارات و حسی بولیشی حالت نی تینگلاوچی گه پتکزیش دن عبارت. نطق نینگ مدنی لیگینی تأمین لی دیگن کمونیکه تیب صفت لر قوبیده گی لر دیر: تۇغریلیک، انیق لیک، منطقی لیک، بایلیک، ساف لیک، جؤیا لیک .

نطق نینگ آغزه گی و یازمه کؤرینیش لری موجود. بیر کیشی نینگ نطق منالوگ، ایکی کیشی نینگ نطقى دیالوگ، ایکی تبه دن آرتیق کیشی نینگ نطق اېسه پالیوگ یوریتیله دی.

تیل نینگ ایجادکاری، یره تووچیسی خلق، نطق نینگ اېسه ایجادکاری ایندیویدیر انسان .

نطق بلند و پست، تیز یا که سسیکین، اوزون یا که قیسقه، قول حرکتی بیلن یا که قول حرکتسین، انیق یا که نا انیق، بولیشی ممکن، تیل اوچون اېسه بونده ی تعریف توغری کیلمه یدی.

نطق هم منالوگیک هم دیالوگ بوله آله دی. تیل اېسه منالوگیک هم، دیالوگیک هم بؤله آله یدی.

تیل - علاقه قورالی، نطق - علاقه اصولی.

تیل- امکانیت، نطق، - واقعیلیک، تأثیر چنلیک.

تیل - عمومی لیک، نطق، خصوصیلیک، علائیده لیک.

نطق کبلیب چیقیشیگه کوره بیرلمچی یعنی آلدین نطق - نطق تاووشلری پیدا بؤلگن، تیل اېسه ایکیلمچی، نطق اساسیده شکلنگن، تشکیل تاپگن.

تیل تحلیل قیلیش یولی آرقه لی، نطق اېسه قبول قیلیش و توشینیش آرقه لی بیلینه دی.

تیل نینگ حیاتی اوزاق، خلق نینگ حیاتی بیلن باغلیق، نطق نینگ حیاتی اېسه قیسقه، یعنی ایتیلگن وقتده گینه موجود.

تیل - تیلشناسلیک، فلسفه، منطق، تاریخ، سیمانتیکه و باشقه فنلر تمانیدن اؤرگنیله دی.

دیمک، جانلی نطق، نطق فعالیتی تیل نینگ موجود لیک و ترقی قیلش شکل دی. تیل نی نطق، فعالیتیده نطق ده کوزه تگنمیزده گینه او نینگ اجتماعی - عملی وظیفه بجریش میکانیزمینی آچیب بجریش ممکن. نطق فعالیتیده گینه تیل و نطق نینگ اؤز ارا تأثیری، باغلیک لیگی، علاقه سی عمل گه آشه دی.

خلاصه

تیل و نطق، آره سیده گی دیالکتیک مناسبت شونده کی، نطق فعالیت نتیجه سیده شکلنه دی.

نطق، افسه تیل بیرلیک لریدن توزه له دی و تیل بیرلیک لرینگه اجره لیب کیته دی. تیل بیرلیکلری ینه نطق فعالیتی - فعالیتگی اوچون خدمت قیله دی.

سؤزلش قابلیت توشونچه سی آستیده معلوم بیر جمعیت گه منسوب شخص نینگ، شو جمعیت گه منسوب تیلدن آگاه لیگی، اونینگ امکانیت لریدن فایده لنه آلیش کونیکمه سی و درجه سی انگله شیهله دی.

نطق افسه یوقاریده تعریف لنگ تیل قابلیت اساسیده ایریم شخص تمانیدن سؤزلش قابلیت کنگی ده معلوم بیر کامونیکتسیه مقصد اوچون ایشگه سالینیش یا که قؤلنیش نتیجه سی دیر. شو نقطه نظردن تیل و نطق نینگ بیر - بیرینگه خاص بؤلگن موهوم - کانکریت طرز ده گی نسبی مستقل بیرلیک لرینگه اعتبار قره تمیز.

تیل بیرلیکلری:

فونبمه

مورفیمه

لیکسپمه

مودل

نطق بیرلیکلری:

فون

مورف

لیکس

نطق دیب، تیل بجره یاتگن عملیات نینگ بیواسطه یوزه گه چیقیشگه ایتیهله دی. نطق گپریش، سؤز یوریتیش قابلیت دیمکدیر. تیل یاردمیده رویابگه چیقیشی کیره ک بؤلگن علاقه نی اساساً نطق تأمینله ب بیره دی. شو اؤرینده تیلنی نطقدن قرقله ش کیره ک. تیل - علاقه قورالی بولیشی بیلن بیرگه اجتماعی حادثه دیر، یعنی اونی خلق، جمعیت یره ته دی. نطق بؤلسه، شخص تمانیدن شکلنتیریهله دی. تیل جمعیتده توغیله دی و جمعیت بیلن بیرگه یشه یدی. او جمعیت دن تشقریده موجود بوله آلمه یدی. نطق افسه، شخص، کیشی آرقه لی اورتیه گه کیله دی، اونده شخص نینگ دیدی، قره شی، سلیقه سی همده فکر افاده سی و یانده شویری اؤز افاده سینی تاپه دی. نطق شخصی بایلیک سنه له دی. شو باعث آدملر نطق تمانیدن هم اؤز ارا

اجره لیب توره دیلر. سؤز اوسته سی سؤزه مان، نطق تیره ن و نطق غریب، چوچمال و سؤزی قشاق و کچی کبی صفتلر کیشیلرگه انشو جهتن بیریلگن بؤلسه کیره ک. تیل نینگ عمری اوشه تیلده گپلشوی خلق نینگ عمرینگه قره ب اولچه نه دی. تیل نینگ عمری قیسقه اوزگروچن بوله دی. نطق انیق اولچملی دیر، هر آدم اوز قابلیت، سؤز بایلیگی، فکرلش دایره سیگه قره ب سؤز یسه یدی.

نطق اپکی کورینشده نمایان بؤلله دی: آغزه کی نطق - کپیریهله دی، ایتیهله دی، یازمه نطق - بیتیهله دی، کورینه دی، کاغذ ده یا کی باشقه یازوو واسطه لریده عکس ایتیهله دی. کونده لیک معامله، مناسبتلریمیز، اوی و فکرلریمیز انشو نطق یاردمیده افاده لنه دی.

مآخذ

۱. اوزبیک تیلی یسه لیشی،

تاشکنت، ۱۹۸۹م. A ۱. حاجی

أف

۲. عمومی تیلشناسلیک. تاشکنت، فن و

تکنالوژی، ۲۰۰۷، ۲۵۶ - ب. ۲۸. رسول اف

۳. عبدالرحیموف. اوزبیک تیلی (زبان اوزبیک)،

سمرقند، ۲۰۰۶م.

۴. اوزبیک تیلی لیکسیکولوژی.

تاشکنت، M ۵. میرتاجی اف

۵. ستروکتور تیلشناسلیک ایریزیری و

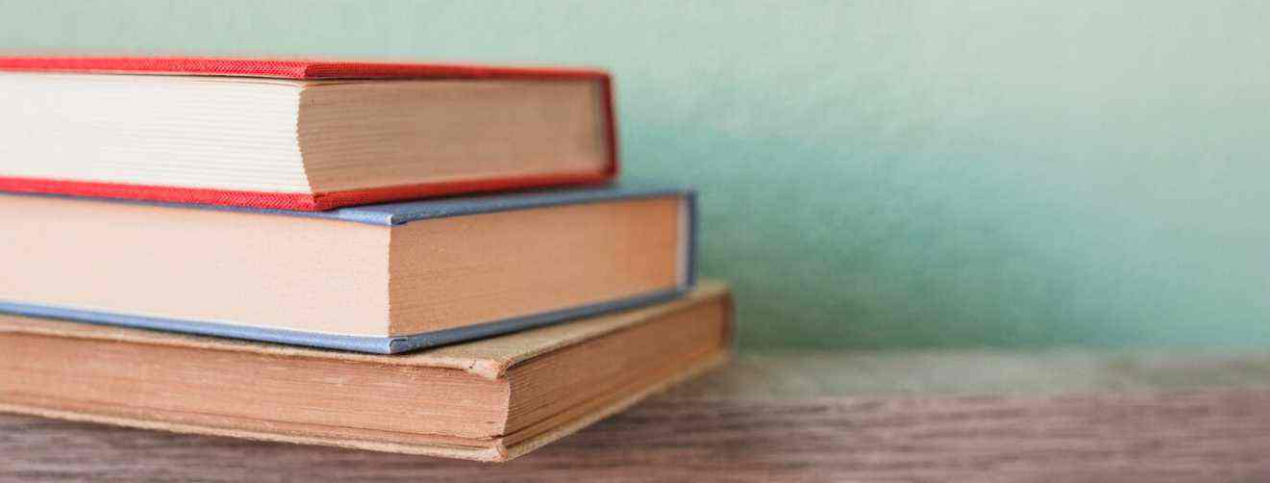
یونه لیشلری. تاشکنت، تعلیم، ۲۰۰۹.

۶. ۶۸. نارمت اف

۷. همراییف، مدریم. آنه تیلی (میتودیک

قوللنمه)، تاشکنت، علم - ضیا زکوات

نشریاتی، ۲۰۱۹م



لوړې برخه

د گوري ژبې فولکلوري ادبياتو ته لنډه کتنه

. څېړندوی شريف الله سانين

لنډيز

شوي وي چې پرته د هغو له يادونې او پاملرنې څخه د هغه ولس او خلکو ادبي تاريخ پيکه او نيمگري گڼل کېږي. ولسي ادبيات د فولکلور يوه مهمه برخه گڼل کېږي. فولکلور ستانو فولکلور د منځپانگې (مضمون) پر بنسټ په درېو برخو (شفاهي، نيم شفاهي او غير شفاهي فولکلور) باندي ويشلی دی او همدغه شفاهي فولکلور د ولسي او فولکلوري ادبياتو په نامه هم يادېږي.

گوري ژبه هم د ولسي ادب په ډگر کې د نورو ژبو په څېر د ولسي ادبياتو بډايه پانگه لري چې د منظمو او منثورو ادبياتو بېلابېل فورمونه لري. د دې ليکنې په ترڅ کې به د فولکلور پر لنډې پېژندنې سربېره دا هم جوته شي چې د گوري ژبې فولکلوري يا ولسي ادبيات کوم فورمونه (شکلونه) او ډولونه لري او د دې بېلابېلو فورمونو په منځپانگه کې کوم موضوعات او مسایل انځور او نغښتل شوي دي. د دې ژبې د فولکلوري ادب دغه بېلابېل اړخونه، مسایل او موضوعات به په دې ليکنه کې روښانه شي.

د څېړنې اهميت او مېرْميت

د دې څېړنې اهميت او مېرْميت په دې

د هرې ژبې فولکلوري يا ولسي ادبيات د هغې ژبې د فرهنگ او ادب په ډگر کې ډېره مهمه او باارزښته برخه گڼل کېږي، چې د يو قوم د فرهنگ او ټولنيز ژوند ډېرې ارزښتمنې خواوې په کې انځور او نغښتل شوي وي .

گوري يعنې د گور قوم ژبه هم د هېواد د نورو ژبو په څېر د خپلو ولسي ادبياتو په ډگر کې د منظمو او منثورو ولسي ادبياتو بېلابېل فورمونه (شکلونه) لري چې د منځپانگې له مخې په کې د ټولنيز ژوند بېلابېل اړخونه او موضوعات انځور او نغښتل شوي دي.

په دې ليکنه کې د گوري ژبې د ولسي ادبياتو پر منځپانگې سربېره د امکان تر بريده په بېلابېلو فورمونو بحث شوی او بېلگې يې راوړل شوي دي.

سريزه

فولکلوري ادبيات د يوې ټولنې د کلتور او ټولنيز ژوند د بېلابېلو اړخونو د روښانولو او انځورولو ډېره مهمه برخه ده چې د هرې ټولنې، ولس او ملت د ادبي تاريخ په رڼولو کې ستره ونډه لرلای شي. په ولسي ادبياتو کې د يوې ټولنې او ولس د کلتور ډېرې ارزښتمنې خواوې نغښتل

د څېړنې روش

د دې لیکنې په بشپړولو کې له تشریحي او تحلیلي میتود څخه کار اخیستل شوی دی او د څېړنې ډول یې کتابتوني دی.

د مقالې متن

ولسي ادبیات چې فولکلوري او شفاهي ادبیات یې هم بولي، زموږ د ولس هنري استعداد په ګوته کوي او د دې ولس د ټولنیز ژوند هنداره ده. دغه ادبیات په ټولنه کې رامینځ ته کېږي او په ټولنه کې د خپلې ودې، پیاوړتیا او بډاینې پیاوړتیا وهی او د ولس په سینو او خولو کې خوندي او له یوې ټولنې بلې ته او یا له یوه نسله بل ته انتقالېږي.

د فولکلور پېژندنې له تاریخي سیر څخه داسې جوتېږي چې د فولکلور ساحه پوره پراخه ده او فولکلوري ادبیات (شفاهي یا ولسي ادبیات) د هغه یوه برخه ګڼل کېږي، نو مخکې له دې چې د ګوري ژبې په فولکلوري ادبیاتو باندې بحث وکړو، لازمه ده چې لومړی پر فولکلور او فولکلوري ادب یا ولسي ادب باندې لنډه رڼا واچوو:

فولکلور

د فولکلور لغوي پېژندنه: د فولکلور اصطلاح د لومړي ځل له پاره په (۱۸۴۶م) کال کې د انګلیسي پوه (ویلیم جونز ټامس W.J. Thoms) له لوري په انګرېزي متن کې وکارول شوه، نو پر همدې بنسټ فولکلور انګلیسي کلمه ګڼل کېږي.

د فولکلور (Folklore) اصطلاح له دوو توکو څخه جوړه شوې ده چې فولک (Folk) د وګړو یا خلکو په معنا دی او لور (Lore) پوهې او زده کړې ته ویل کېږي

کې دی چې فولکلوري ادبیات د یوې ټولنې، قوم او ملت د ټولنیز ژوند او فرهنگ ارزښتګر برخه ده چې د ګوري ژبې د فولکلوري ادبیاتو په برخه کې تر دې دمه لازمي څېړنې نه دي شوي او حتی په دې برخه کې یې ترسره شوی کار ډېر کم او د نشت برابر دی، نو اړینه برېښي چې په دې برخه کې لا ډېرې هلې ځلې او څېړنې وشي او د فولکلوري ادب بېلابېل شاکلي او منځپانګیز اړخونه او موضوعات یې روښانه شي. همدغه مسایل او موضوعات په دې لیکنه کې د امکان تر بریده څېړل شوي دي.

د څېړنې موخه

د دې څېړنې موخه داده چې له یوې خوا به د ګوري ژبې د فولکلوري یا ولسي ادبیاتو بېلابېل منظوم او منثور فورمونه او منځپانګیز موضوعات او مسایل روښانه شي او له بلې خوا به د فرهنگ مینه والو او څېړونکو ته د دې ژبې د فولکلوري ادبیاتو په اړه معلومات وړاندې شي.

د څېړنې پوښتنې

- ۱- فولکلور څه ته وايي؟
- ۲- فولکلوري یا ولسي ادبیات څه ته وايي؟
- ۳- خاصې او عامې فولکلوري سندرې (شعرونه) څه توپیر لري؟
- ۴- د ګوري ژبې فولکلوري ادبیات کوم منظوم او منثور فورمونه لري؟
- ۵- د ګوري ژبې د فولکلوري ادبیاتو په منځپانګه کې کوم موضوعات انځور او نغښتل شوي دي؟
- ۶- د ګوري ژبې د فولکلوري ادبیاتو کوم فورمونه منظوم او منثور دواړه شکلونه لري؟

چې له دواړو څخه په ټوله کې ولسي پوهه، د خلکو زده کړه يا د خلکو ادبيات جوړېږي.

د فولکلور اصطلاحي پېژندنه: د فولکلور د اصطلاحي پېژندنې اساسي مقولې دغه درې شيان (لرغوني، عوام او عنعنې) دي چې د دغو درېوو مقولو له اورگانیک ترکیب څخه داسې تعريف لاس ته راځي: فولکلور د عوامو خلکو هغو عنعنو ته ويل کېږي چې له لرغونو زمانو څخه راپاتې شوي او د اوسني وخت له متداولو پوهنو، عقايدو او چلن بېلگو سره يو څه توپير لري. (۱)

په همدې ډول د فولکلور پېژندنې په اړه د نړۍ په بېلابېلو دايرة المعارفونو او آثارو کې بېلابېل تعريفونه راغلي دي او بېلابېلو پوهانو يې هم په اړه بېلابېل تعريفونه وړاندې کړي دي چې دلته يې د لا روبنانتيا په موخه د ځينو تعريفونو لنډه يادونه کوو:

د "لاروس" په فرانسوي قاموس کې راغلي دي چې فولکلور په يوه ټاټوبي (پراخه سيمه او هېواد) کې د خلکو د عنعنو، افسانو، سندرې او دودونو مجموعې ته ويل کېږي.

بريتانيکا دايرةالمعارف ليکي: "فولکلور د هغو اسطورو، افسانو، کيسو، متلونو، سندرې، د جشنونو او اخترونو د بېلگو او نڅاوو، روايتونو او حکمتونو، جادويي فورمولونو او خرافاتو يو عمومي نوم دی چې په ناليکلي توگه له پخوانيو وختو څخه تردې وخته پورې رارسېدلي دي."

د امريکا انسايلکلوپېډيا ليکي: "فولکلور يو جنريک نوم دی چې د عوامو خلکو پر هغو عنعنوي عقايدو، خرافاتو، کړو وړو، دودونو او شعایرو دلالت کوي چې له ځينو وختونو څخه تر اوسه پورې په جزيې، تعديل شوي او لاس ناخوړلې توگه راپاتې شوي او د معاصرو پوهنو او د دين له منل شوو چلن بېلگو څخه د باندې واقع شوي دي. نکلونه، عنعنوي منظومې، سندرې، متلونه او د مادي کلتور ځينې خواوې هم په فولکلور کې داخلي دي." د فولکلور کلمه د نړۍ په يو زيات شمېر ژبو کې په همدې بڼه منل شوې ده، خو مفهوم يې له يوه ځايه تېرېدل ځايه پورې يو څه تغير موندلی دی. (۲)

د فولکلوري موضوعاتو تصنيف (وېش او ډلبندي): د فولکلور د تصنيف ډولونه ډېر زيات دي او د تصنيفونو د ډېرښت عمده علت دادی چې ځينې فولکلوريستان د ځينو نورو د تصنيف معيارونه قناعت بخښونکې نه گڼي. پخوانيو فولکلوريستانو به فولکلوري مواد د موضوع (منځپانگې) پر بنسټ وېشل او تر اوسه پورې هم د دغه ډول وېش څخه کار اخيستل کېږي. دلته به يې له دغو ټولو څخه د يو ډول تصنيف (وېش) يادونه وکړم چې ځينو فولکلوريستانو فولکلور د موضوع (منځپانگې) له مخې په درېوو برخو وېشلی دی:

۱- شفاهي فولکلور: په دې کې محاورې، متلونه، سندرې، چستانونه (کيسې)، ډول ډول ولسي کيسې، ټوکې ټکالي، دودونه او نور شامل

دي چې دغې برخې ته معمولاً شفاهي ادبيات، فولکلوري ادبيات يا د ځينو ليکوالو په اصطلاح ولسي ادبيات هم ويل کېږي.

۲- نيم شفاهي فولکلور: په دې کې د خلکو ډرامې، اتیونه، سيمه ييزې لوبې، جادويي ځينې شکلونه او نور په کې راځي.

۳- غير شفاهي فولکلور: په دې ډول فولکلور کې د خلکو مستظرفه صنايع، سيمه ييز خواږه، نڅاوې، موسيقي او داسې نور راځي. (۳)

د فولکلور پر پېژندنه او وېش مو پورته لنډې خبرې او بحث وکړ، دلته زموږ موخه له شفاهي فولکلور يا ولسي ادبياتو څخه ده، ځکه نو د بحث د اصلي موضوع په توگه د گوري ژبې په فولکلوري (ولسي) ادبياتو باندې لنډ بحث کوو:

د گوري ژبې فولکلوري (ولسي) ادبيات

فولکلوري يا ولسي ادبيات د هرې ټولني او ولس په ادبي تاريخ کې ستره او ارزښتمنه ونډه لري چې د يوې ټولني او ولس د کلتور او ټولنيز ژوند ډېرې ارزښتمنې خواوې په کې نغښتل شوي وي. ولسي ادبيات معمولاً شفاهي بڼه لري او زموږ د ولس هنري استعداد په گوته کوي او د ولس د ټولنيز ژوند د هينداري حيثيت لري او په هغو ټولنو او ولسونو کې زياته پياوړي وي چې د ليک لوست (سواد) خبرېدنه په کې ډېره نه وي عامه شوي او وگړي يې له دغه نعمت څخه بې برخې وي. زموږ هېواد او ټولنه هم د ځانگړو سياسي، ټولنيزو، اقتصادي، فرهنگي او جغرافيوې عواملو له امله ددغسې ټولنو او ولسونو د کتار په سر کې راځي، نو ځکه په

کې د ليکلو ادبياتو په پرتله د دغه ډول (ولسي) ادبياتو برخه ډېره درنه، ارزښتمنه او شتمنه ده. (۴)

ولسي ادبيات د يوې ټولني او ملت د کلتور هغه ارزښت لرونکې برخه ده چې د ټولني د وگړو د ژوند مادي او معنوي ځانگړتياوې څرگندوي او زموږ د ولس هنري استعداد او ذهنيت څرگندوي او د دې ولس د ټولنيز ژوند هينداره گڼل کېږي.

ولسي ادبيات چې زموږ د ولس د ټولنيز ژوند تمثيل او انځور دی؛ لکه د ولسونو د نورو ايجاداتو غوندې د اړتياوو له مخې رامنځ ته کېږي او د ولس له ژوند سره اوږه په اوږه را روان وي، د ولس د ژوندانه خواږه او ترخه، لوړې ژورې، بڼې او بدې، په خپله سینه کې خوندي کوي، او ټول اصناف يې د ځانگړي معاشري او ځانگړي کلتور څخه د را پيدا شوې معنوي شتمني په توگه، د ټولنيزو، اقتصادي، ملي او تاريخي جوړښتونو او ارزښتونو د تفکر ډول، عقايد، نړۍ ليد او تجربې په يوه خاص ملي چوکاټ کې ځلوي چې د خوښۍ په وخت کې پرې د خپل بزم مجلسونه او د توري او ننگ ډگرونه تاوده ساتي او د خپگان په وخت کې پرې د خپلو زخمي زړونو براس اوباسي او بيا يې په روايي توگه خوله په خوله او سینه په سینه راتلونکو نسلونو ته لېږدوي. د ولسي ادب څخه مطالب هغه ادب دی چې له کليو او بانډو، کېږديو او غرونو څخه زېږېدلی وي او د عامې طبقې او ولس له ژوند سره ارتباط لري. دا ادب عموماً د هغو روانو واقعاتو تشریح او توضیح کوي

بگتى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى

دۆمى ادانگە كى بىنگى تلى تۆس

لە ماسۆى زلىمان لو وزلى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى

سىنە رتى دايم پۆشە لىمان

مىشتى باتى كېرىمان كتە مىشتى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى

تانى پۆشە تىنى پۆشە تاندىمان

باتى مىشتى كېرىمان كتە پۇلى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى

كىنچۇرە گۆى لېندى مالى جىمان

لو شۇبانى پۆشە مۆتى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى

سىنە پاوۋ نامە پۆشە تە مېم

جىمان "سانېن" پۆشەنى گمې مشېرى تىنى

نۆنگى تېكۆرى گىرى سىنكى تىنى(۹)

ژباړه

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

په دواړو مټو کې یې بنگرې اچولي

دې زما په پښو کې یې کوڅۍ اچولي

لکه سپوږمۍ په څېر ځلېږي ډېره سپینه ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

د سینې د پاسه د آناړ گل لري

ډېرې پستې سرې شونډې لري

خوږې خبرې کوي څومره خوږه ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

خپله گل ده گل ښکارېږي

غاړه کې د سرو زرو امپل لري

خوږې خبرې کوي څومره کوچنۍ ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

منگۍ اخلي د سیند غاړې ته راځي

تورې جامې یې اغوستي سینگار شوې راځي

ډېره ښکلې د گل ونه ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

د هغې په قدمونو کې گلونه اچوم

د هغې په لاره کې آینه اچوم

وايي "سانېن" د گل په گوزار باندې خفه شوې ده

نژدې نژدې نه راځي څومره پخه ده

نوې جیلۍ بیا سینگاره شوې ده

بدل: بدل د منظوم ولسي ادب د

خاصو ولسي شعري فورمونو څخه یو

ځانگړی فورم دی چې د غزل په نوم هم

یادېږي. په دغه ډول شعرونو کې په

خوږه او ساده ولسي ژبه د مینې او

محبت بېلابېل اړخونه، موضوعات،

کیسې او خاطرې بیانېږي او کله کله یې

بیا موضوعات دینی، تصوفی او اخلاقی مسایل هم وی. ولسی بدلی په خپل جورنیت کې په سر کې یوه مطلع لري او ورپسې یې نور بندونه وی چې د هر بند وروستی بیت یې له سر یا مطلع سره هم قافیسه وی او تر ویلو وروسته یې مطلع یا د سر بیت تکرارېږي. هر بند یې کله یو بیت او کله څو بیتونه وی، د بندونو د مسرېو شمېر یې له دوو څخه رانیولې تر شپږو پورې او تر دې هم زیاتو پورې اوږدېدلې شي. (۱۰) دلته د نمونې په ډول د گوري ژبې له بېلابېلو بدلو څخه د یوې بېلگې یو څو بندونونه راوړو:

بدل (غزل)

موی تانکي بالومبو، تو رؤشان دیمپس

زېل بیمپس لمبه بیمپس زلان دیمپس

لامه کې تونه پنته وړې تیمم آ هر دېسې

تو ما سوې پېدي تینیس ما سوېه پېدي تان دیمپس

موی تانکي بالومبو، تو رؤشان دیمپس

زېل بیمپس لمبه بیمپس زلان دیمپس

مؤمنزي وعده کېریتو کته پؤ

پنته وړې مؤ، تو وارې تان دیمپس

موی تانکي بالومبو، تو رؤشان دیمپس

زېل بیمپس لمبه بیمپس زلان دیمپس

... (۱۱)

ژباړه

زه چې تا ته وگورم قهرېږې ته

د اور لمبه کېږې او لگېږې ته

کلي کې ستا لاره کې ولاړ یمه زه هره ورځ

ته د سپوږمۍ په څېر یې او سپوږمۍ په څېر ښکارېږې

زه چې تا ته وگورم قهرېږې ته

د اور لمبه کېږې او لگېږې ته

ما سره دې وعده کېږې ده څو ځلې

لار کې دې زه درولی یم ته بل ځای ته ځې

زه چې تا ته وگورم قهرېږې ته

د اور لمبه کېږې او لگېږې ته

...



مطلب منجانی

دوست محمد منجانی

عید قربان

مه عید یو عید خجسته و مبارک است که ده روز دهم ذی الحجه آر سال بر گزار ای. دم روز که وه حاجی ای ده عرفات آیات یو ژه واجباتأفش قربانی کرا ژه پیزانبسیان است؛ داو مینب شکپره، غاوه، وه فزه ژي أم اگر قربانی کنأت مشکل چش. قربانیان که ریشه‌یش پیره ژه تاریخ بشران است مردم اولیه ژه فزبنداون ژه طبیعتان عاجزی قیأت سکاو که وه خدای شان ده سرشان رحم کنأت فه حیوان و انسان قربانی کنأت فه و مه سنت وختی که دین مبین اسلام آغی پذیرفته شی، و مردم ولسوالی کران و منجان قم ماه جاند غاشی تجلیل کنأت و عقیده مندی نمأن است که مه روز وه روزی است که حضرت ابراهیم (ع) بخوای فه که فه پورش یعنی حضرت اسماعیل (ع) ده پانده نه خداوند (ج) آن قربانی کیند. باد اله فه که حضرت ابراهیم (ع) ده آزمایش نه خداوند (ج) آن کامیاب شی و ده جای نه پوزانش فه یو پیزانبسی حاضر کر که ذبحیش کر.

ده منجان رواج مه است که وه وری که ژه نپنین ده او به دنیا آغای داو وخت ژي شاو بنام قربانی بیدون دروش یا کیپم کمبودی فه وأن چفرمی. شاو لاست خشأت و تا وخت نه قربانی کراوان شاو زیاد تربیه کنأت تا نمایندگی ژه پاکیزه گی و پاکدامنیان ژه حضرت اسماعیل (ع) آن کیند. داو مینب که عید است ده یو محل مکی وه مردم جمعی آیات وه فه پیزانبسیاف اهازات وره شاوواف طهارت دألأت و فه چامأفشان انگازات و باد آرکدی فه خای پیزانبسی نکه لبت. وه ایدیر مردمان آرکای آفده کوپکی ده لاستاف لارات وه ملا یا خلیفه پیره و ایدیر مردم دبال تکبیر ژایات فه کوپکاف نه اچپاچ نه خسران لغانات.

باد آرکدی فه خای پیزانبسی نه خای حویلی آن فیند و ده اسکیغ نینگأت ذبحیش کنأت و کوشش کنأت که وه اینه ژه قربانیان ده ته جاند چبریژی ده یو پأخشکه غرقأت و درون ده وپله لغانات و فه غوشش قأتی ژه یورغه غاندمان ککافات که شاو غاندم غریژه ژایات. زمانی که ککیه باد ژه نماز عصران پانچ یا آخسه پخشکی نه مسجدان ییسات تا پا وه مردم یکجا نؤش جان کنأت فه ایدیر، غؤش و غریژه نه مکی لامین باخشأت.



محمد عمر

حفاظت از محیط زیست مسئولیت شهروندان است

حمایت موثر از محیط زیست متمرکز ساخت. اعلامیه استکهلم در سال ۱۹۷۲ میلادی از سوی کنفرانس محیط زیست بشر سازمان ملل متحد پذیرفته شد. برای عملی ساختن و تاکید بر آن، اعلامیه ریو، در سال ۱۹۹۲ م در کنفرانس محیط زیست و توسعه سازمان ملل متحد، راه تکامل خود را به سرعت طی نمود.

عوامل فیزیکی، خانواده گی، بشری و موجودات زنده از مهم ترین عوامل تشکیل دهنده محیط زیست به شمار می رود. علم مربوط به محیط زیست، ترکیبی از دانش هایی است که شامل مجموعه ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست می گردد که بیشتر به انسان ها و سایر موجودات زنده مربوط می شود. اما آلوده گی محیط زیست که موضوع اصلی این مقاله می باشد، عبارت است از: تاثیرات مضره ناشی از عملکردهای انسان بالای محیط و پراکنده شدن مواد زهری در فضای شهر و محیط زیست می باشد. آلوده گی محیط زیست به شکل مستقیم و غیر مستقیم، بر توسعه، پیشرفت، تحصیل، رشد فکری، صحت مندی و سلامتی، وضعیت جسمی و روانی افراد یک جامعه تاثیر گذار می باشد.

طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع، عوامل و شرایط هماهنگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به وجود می آید.

آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعی اثر می گذارد و پی آمدهای زیان باری برای زندگی انسان، حیوان، گیاه و بناها دارد. در جهان امروز، مسئله آلودگی، یکی از مهم ترین و حادثترین مشکل تمدن انسانی است و نقش انسان در آلودگی محیط زیست بسیار چشم گیر است. طبیعت، برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستی میان انسان و طبیعت وجود دارد.

در گذشته نسبت به حفاظت از محیط زیست توجه جدی صورت نمی گرفت، اما امروز از لحاظ اهمیت و خطراتی که محیط زیست را تهدید می کند هم دولتها و هم سازمانهای بین المللی با برگزاری کنفرانسها و تصویب کنوانسیونهای مربوط به حفاظت از محیط زیست توجه جدی نموده اند. به عنوان مثال برای اولین بار بعد از قرن ۱۷ میلادی توجه دولتها

در دین مبین اسلام نیز به حفاظت از محیط زیست تاکید فراوان شده است. در قرآن کریم آیه (سوره انعام) ترجمه: او کسی است که از آسمان آبی را فرو فرستاد، سپس به وسیله ی آن، جوانه ی هر چیزی را (که قابل رویش باشد) خارج کردیم، بدین صورت که از آن (دانه ی کوچک و خشک)، جوانه و ساقه ی سبزی بیرون آوردیم، که از آن، دانه های روی هم چیده شده بیرون می آرویم، و از شکوفه های درختان خرما، خوشه های نزدیک به هم (و در دسترس بیرون می آوریم)، و (با آن آب) باغ هایی از درختان انگور و زیتون و انار را که (گاه) شبیه به هم و (گاه) بی شباهت اند (رویانندیم) هنگامی که به بار می نشیند، به میوه ی آن و (نحوه ی) رسیدنش بنگرید. قطعاً در آن نشانه هایی برای افرادی که ایمان دارند، وجود دارد.

عوامل آسیب زا و آلوده کننده در آلوده ساختن شهرها نقش زیادی دارد که در این قسمت به مهم ترین آن اشاره می شود. زباله ها در آغاز فصل گرما در بیشتر گوشه و کنار سرک های عمومی، از زباله ها، دیوارهای بلند ساخته شده که با گرم شدن هوا و جاری شدن آب های باران، به شدت حیات مردم را با خطر مواجه خواهند کرد.

شهروندان در پاکی و حفظ محیط زیست نقش مهم را ایفا می کنند و همچنان مسوولان و نهاد های مربوط مکلف اند به پاک کاری جاده ها و جا های که در آنجا کثافات انبار میشود به اسرع وقت اقدام نماید، انبار شدن زباله ها، بی توجهی مردم و خانواده ها، جابه جایی و افزایش نفوس در شهرهای بزرگ باعث آلودگی هوا و محیط زیست می شود. در کشور های توسعه یافته و یا در حال توسعه عمل جداسازی زباله ها جزء اولویت ها قرار گرفته است. در کشور ما متصدیان حفاظت از محیط زیست باید عمل تفکیک

و جداسازی زباله ها را تشویق و تبلیغ کرده تا بتواند که زباله ها از هم تفکیک شوند، شهر های بزرگ از لحاظ اینکه جمعیت زیادی را در خود جای داده اند، مستلزم مدیریت و توسعه امکانات مدرن و به روز شهری اند.

عدم فراهم سازی متوازن امکانات متناسب با رشد جمعیت شهری، بی توجهی در ساخت و ساز های ساختمانی، پیامد های غیر قابل جبرانی را برای ساکنین شهرها به بار می آورد. بخش مهم از زباله ها در شهرهای بزرگ تولید می گردد. لازم است که زباله ها در شهرها در مکان های مناسبی قرار گیرند تا سبب انتشار میکروب و بوی تعفن برای شهروندان نشوند. یکی از بزرگترین تولید کننده زباله ها در شهر، هوتل ها، دوکاکین... است. مراجع ذیربط موظف اند که بخاطر دفاع از منافع عمومی مراکز و مؤسسات عمومی و خصوصی که در تولید زباله ها نقش دارند، آنها را نسبت به دفع زباله ها ملزم ساخته و در حفاظت از محیط زیست با اقدامات قاطع خود از منافع عامه حراست و حفاظت نمایند.

اکثر قریب به اتفاق شهرها، فاقد سیستم فاضلاب معیاری است. اگر در بعضی از موارد ونواحی شهرها، فاضلاب های شهری ساخته شده اند از موارد اندک و تابع اراده زمین فروشان و اشخاص بوده، که از لحاظ پلان های شهری، استندرد نمی باشند. در اکثر موارد فاضلاب ها از جویچه های باز عبور کرده و منبع تولید انواع میکروب ها و بیماریها می باشند. منشأ این گونه عوامل مربوط به عدم آگاهی شهروندان نسبت به مضرات آنها و هم غفلت و کوتاهی شهروندان است. برای رهایی از چنین آلودگی نشر برنامه های عمومی توسط رسانه های ارتباط جمعی و فراهم سازی امکانات اولیه توسط مسئولین مربوطه است.

عدم توجه به دفع فاضلاب ها، سبب آلودگی بستر آب های زیر زمینی نیز می گردد. چاه های آب و بستر دریا خانه ها توسط

آلودگی فاضلاب ها متأثر و جانوران و محیط زیست انسانی از این آلودگی دچار آسیب های جدی می شوند.

در اکثر موارد چاه های آب آشامیدنی، در کنار چاه های فاضلاب با کمترین فاصله با چای آب آشامیدنی، حفر می گردد که اکثر مریضی های اسهال و مسمومیت های گوارشی از این گونه آبهای آلوده و غیر صحتی ناشی می گردد.

شرکت های صنعتی و وسایل حمل و نقل عمومی مراکز صنعتی و تولیدی از عوامل اصلی تولید آلودگی است. در کشورهای صنعتی مراکز صنعتی نقش اصلی و اساسی را در آلودگی هوا و محیط زیست دارند، اما در کشورهای در حال توسعه، نقش این مراکز در آلودگی محیط زیست کمتر از کشورهای صنعتی نمی باشند. مسئولین مربوطه مکلف است برای حفاظت از منافع عامه ایجاد کارخانه های صنعتی را در اماکنی اجازه فعالیت بدهند که؛ اولاً؛ خارج از شهر، به دور از محل زندگی مردم و زراعت قرار داشته باشند و صاحبان کارخانه باید ملزم گردند تا ماشین های تولیدی خود را به فیلتر هوا مجهز نموده و آلودگی ناشی از گازهای گلخانه ای را به حد اقل رسانند.

عدم آگاهی شهروندان محدودیت دسترسی خانواده ها به آموزش های محیط زیستی و کم رنگ بودن برنامه های آگاهی بخش برای مردم، غفلت شهروندان نسبت به حفاظت از محیط زیست سبب آسیب های جدی به محیط زیست شده است.

امارت اسلامی افغانستان برای حفظ محیط زیست کار های مؤثر و مثمر انجام داده است چنانچه محترم ملا عبدالغنی برادر

معاون اقتصادی ریاست الوزرا هنگام غرس یک نهال در تپه قرغه گفت: غرس نهال باعث سرسبزی و شادابی محیط اطراف ما میشود. هر شهروند میتواند با غرس حد اقل پنج اصله نهال در سرسبزی و شادابی کشور سهم بگیرد.

اوافزود: غرس نهال در کنار سرسبزی و شادابی میتواند یک محیط زیست سالم را به میان آورده و از شیوع امراض جلوگیری کند. ما از کار و برنامه های اداره ملی محیط زیست حمایت خواست تا برنامه های شان را برای حفظ محیط زیست گسترش بدهند و از هموطنان خواست تا در کار زار نهال شانی سهم بگیرند و برنامه محیط زیست را تقویه کنند.

امارت اسلامی، در نشستی شکار ماهی و دیگر گونه های حیوانی در پارک های ملی را منع کرده است.

هنچنان وزارت زراعت، آبیاری و مالداری در سال جاری در نظر دارد تا حدود ۳۵ میلیون نهال را امسال در سراسر کشور غرس نماید.

راه کارها

صرفه جویی در استفاده از منابع طبیعی، ایجاد فضاهای سبز و پارک های تفریحی، ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست در بین شهروندان، کاهش مصرف آب در خانواده ها، توجه جدی مقامات زیربند در اختصاص دهی امکانات مناسب برای حفاظت از محیط زیست، غرس نهال در نقاط مختلف شهرها، توجه به کنترل اجازه نامه های مراکز صنعتی و دود زا، مدیریت فاضلاب، معاینات اجباری موتورها و جلوگیری از ورود وسایل آلوده کننده به داخل شهرها، از جمله اقداماتی است که شهروندان و مسوولین میتواند نقش مهم داشته باشند.



اهمیت راه ابریشم و لاجورد افغانستان

محمد عیسی مبارز

راه ابریشم

صدها سال قبل از امروز افغانستان باستان مسیر مهم فعالیت های تجاری، زراعتی، اجتماعی مهاجرت میان شرق و غرب بوده که این مسیر بنام راه ابریشم یاد میشد و مرکز تقاطع تجارت، فرهنگ و تمدن بوده و از همینرو با تخمین چهار هزار سال پیش از امروز افغانستان جایگاه مهم را از نظر سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در آسیا احراز کرده بود.

راه ابریشم از ساحات شمالی و مرکزی افغانستان یعنی مناطق مربوط به کندهار تا اراکوزیا عبور می کرد و چین را با کشور های اروپایی، آسیایی و آفریقایی وصل می نمود؛ با صادرات ادویه هندی و پارچه های ابریشمی چین از این راه به کشور های عربی نقش حیاتی این جاده بیشتر گردید؛ اما بایشرفت تکنولوژی در جهان و ایجاد خطوط ترانزیت هوایی و بحری اهمیت این راه باستانی، تجاری و ترانزیتی کاهش یافت و حتا از نظر افتاد.

بعد از گذشت سال ها، در سال ۲۰۱۳ شی جینپنگ رییس جمهوری چین یک تعداد پروژه های اقتصادی را زیر دست گرفت که در جمع این پروژه ها، احداث راه زمینی بود که بر اساس این اقدام، احداث راه زمینی (از طریق خشکه (از چین آغاز گردید که این طرح و اقدام به (کمر بند و یک راه) یاد میشود.

افغانستان یکی از کشور های محاط به خشکه است و به خاطر تجارت مسیر های دریایی یکی از نیاز های مهم این کشور میباشد؛ اما چون افغانستان راه آبی و بندری ندارد.

بنابازگشایی راه لاجورد و ابریشم از نیاز های مبرم در این سرزمین میباشد. افغانستان کشوریست که قبل از راه یافتن به بندر های آبی اموال تجاری اش را از طریق راه های زمینی به کشورهای اروپایی، بالکان و چین ارسال می کرد.

تحقیقات علمی و کشفیات باستان شناسی نشان میدهد که افغانستان نخستین کانون فرهنگ و تمدن در آسیای مرکزی بوده و پنجمین کانون در جمع کانون های هفتگانه فرهنگ و تمدن بشریت در جهان به شمار می رود.

افغانستان بنا بر موقعیت جغرافیایی و ژئوپولوتیکی خود سالهای دراز وسده های متبادی به مثابه ی پل ارتباطی میان مراکز فرهنگ و تمدن چین، هند، بین النهرین شرقی، دریای مدیترانه ی مصر، یونان و روم نقش حیاتی در آمیزش مظاهر گوناگون این تمدنها بازی کرده است.

بنابر همین اهمیت تاریخی و جغرافیایی، نقش فرهنگی، تجاری بلخ قدیم به مثابه ی نخستین مرکز سیاسی و فرهنگی افغانستان چهره نما شده است.

پیشینه ی راه ابریشم ، موقعیت راه ها و سرک ها وسیله ی ارتباط جامعه بشری است که نه تنها در بخش تجارت موثر واقع می شود ؛ بل از سده ها به اینسو ، وسیله ی شناخت و معرفی فرهنگ ها و تمدن های گوناگون بوده است.

این راه طی ۱۷۰۰ سال پیش یک راه مهم ترانزیتی و تجارتي میان کشورهای جهان بود و تا ۱۴۵۰ سال از آن استفاده کامل میشد . راه مذکور از هند و چین آغاز میشد و از افغانستان عبور میکرد تا روم میرسید و قاره های بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا را با هم وصل می نمود .

این راه از هر کشوری که می گذشت آن کشور مکلف بود تا برای مسافران سهولت های بسیاری ایجاد نماید ، از جمله میتوان از اعمار کاروانسرا ها در بعضی از کشور ها یاد کرد که با سبک قشنگ و جالب اعمار گردیده بود که شباهت به یک حرمسرای یک پادشاه داشت . در این کاروانسرا ها تمامی سهولت ها برای مسافران در نظر گرفته شده بود .

در امتداد این راه کشورهای هند، چین، افغانستان، پاکستان، ایران، تاجیکستان، اوزبیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان، ترکیه، عراق، سوریه و کشورهای دیگر قرار داشتند .

۲۰۶ سال قبل از میلاد، چین تولیدات ابریشم خود را از طریق همین راه به کشورهای جهان صادر میکرد، که به همین سبب، راه مذکور، به نام ابریشم مسمی گردید .

راه لاجورد

نام لاجورد از یک مسیر تاریخی قدیمی گرفته شده است که لاجورد و سایر سنگ های نیمه قیمتی افغانستان در طول سال های متمادی به قفقاز، روسیه، بالکان، اروپا و شمال آفریقا از طریق جاده ی ابریشم صادر شده است . این ابتکار برای تقویت پروژه های ملی، اولویت میداد، تا از این راه، به رشد، انکشاف تولید و صنعت متصل شد . بر اساس مطالعه نهاد های مستقل مسیر لاجورد یکی از مسیر های ترانزیتی آسیا- اروپا است راه لاجورد کوتاه ترین راه برای افغانستان

به بازار های اروپا، بالکان از آن طریق به بنادر دریای خزر و دریای سیاه میبایست .

از طریق راه لاجورد سنگ های قیمتی افغانستان به شمول لاجورد از همین مسیر به اروپا، بالکان و کشورهای سواحل مدیترانه صادر می شد و به همین دلیل نام این مسیر، راه لاجورد انتخاب شده است . کریدور لاجورد توسط بانک توسعه آسیایی تامین می شود در حال حاضر بودجه پروژه ترانزیتی به دو میلیارد دالر برآورد شده است .

کریدور از تورغندی در استان هرات غربی افغانستان آغاز می شود تا بندر ترکمنستان (دریای خزر) در ترکمنستان دریاهای سیاه وصل میشود علاوه بر این هدف دهلیز لاجورد طوری برنامه ریزی شده که بستگی افغانستان به بندر کراچی پاکستان برای صادرات تغییر نماید و تجار افغان با مشکل رو به رو نشوند .

با گشایش راه لاجورد این مشکل به گونه ی اساسی حل میگردد. کاهش موانع تجارت کاهش هزینه های مبادله بهبود حاکمیت فرامرزی از طریق هماهنگ سازی افزایش ترانزیت و افزایش همکاری های منطقه ای از هدف های اصلی این پروژه است در چارچوب کار حمل و نقل بین المللی، ایجاد شاهراه ها، شرکت ها، شبکه های خط آهن، به خطوط رنوی معیاری نیاز بیشتر است؛ زیرا بدون بازسازی راه ها وزیر بناهای مواصلاتی و ترانزیتی پیشرفت امکان پذیر نیست.

منابع:

۱- احمدی، کریم الله (۱۹۴۶) اقتصاد در یک درس، کابل:

انتشارات مطبوعه دولتی کابل.

۲- حمیدزمان زاده، (۱۳۹۱) اقتصاد در تنگنای توسعه. ایران:

انتشارات افسون.

۳- دانش، حفیظ الله (۱۳۸۸هـ ش) تاریخچه راهای

ترانزیتی افغانستان. کابل: انتشارات حبیب الله حبیب.